
بسم الله الرحمن الرحيم

زاد الحقیر للحاج

الی بیت العلی الکبیر

مؤلّف

علاّمه ی محقق، حضرت مولانا محمّد عمر سربازی رحمه الله

مشخصات کتاب

❖ نام کتاب :**زاد الفقیر للحاج الی بیت العلی الکبیر.**

❖ مؤلف: علامه ی محقق حضرت مولانا محمد عمرسربازی رحمه الله.

❖ نوبت چاپ: اول – ۱۳۹۴.

❖ قیمت : ۴۰۰۰ تومان.

❖ **مرکز پخش**

ایرانشهر- سرباز- کتابفروشی خلفای راشدین رضی الله عنهم

هرات- جنب کتابخانه ی عامه - انتشارات محمدی

فهرست مطالب

عنوان	صفحه

بسم الله الرحمن الرحیم

مقدّمه

سپاس بی قیاس هر خالقی را که آفریدگار عالمیان است و منزل احکامات است بنابر هدایت ایشان و مُرسل و رسل است بنابرحکمت بالغه بتدبیر ایشان و موجد امکنه مقدُسه اس بنابر جلب انوار قدسیه حضرت خود بترقی ایشان، خصوصاً گذاست کعبه مقدسّه را قبله عالمیان از انس و فرشته و جان از هر کون و زمان. کما قیل،

لقد طفنا کما طفتم سنینا　　　　بهذا البیت طرّاً اجمعینا

و درود لامحدود باد بر ذات مکرم مقتدای جمیع الانبیاء محمّد مصطفی ﷺ و بر آل و اولاد گرامی قدر را و الی یوم المیزان.

اما بعد :

این مختصری است در چندی از مسایل مناسک که یادداشت آنها از لوازمات حاج است که احقر پُر تقصیر جمع نمودم تا در ادعیه شان یادآور شوم.

و به نستعین

فصل در ارکان حج

ارکان او سه اند:

۱- احرام.

۲- وقوف به عرفه.

۳- طواف زیارت تا چهار شوط و باقی اشواط واجب اند.

فصل در واجبات او

واجبات او سی و هفت اند:

۱- طوافِ صدر بر آفاقی.

۲- وقوفِ مزدلفه بعد فجرِنحروقبل طلوع .

۳- سعی بین صفا ومروه.

٤- رمیِ جمار.

٥- حلق یا قصر.

٦- انشاء احرام از میقات.

۷- طولِ وقوف به عرفه تا غروبِ آفتاب نی ابتدا از زوال اگر وقوف به روز است واگر وقوف به شب است پس نیست واجبی بر او ،زیرا که اگر یک ساعت قیام کرد از شب لازم نمی شود بر او چیزی آری تارکِ وجوب وقوف روز می شود.

۸- شروعِ هر طواف از حجرِاسود.

۹- وتیامنِ حجر در طواف از یمینِ خود وگذاشتن بیت شریف در یسار خود.

١٠- پیاده رفتن در طواف از وپیاده رفتن در طواف برای غیر ذی عذر.

١١-طهارت در او از نجاست حکمی ،اصغر باشد یا اکبر.

١٢-سترِعورت در طواف وظهورربعِ عضو یا اکثر آن در طواف واجب وترک اعاده آن موجب دم است ودر غیرِواجب موجبِ صدقه است واگر متفرق باشد جمع کرده شود.

١٣-شروع از صفا در سعی.

١٤-پیاده رفتن در او برای غیر معذور.

١٥-ذبح برای قارن ومتمع.

١٦-خواندن رکعتین بعد از هر هفت شوط یا در میان هر طواف که باشد ولی اکثر بر سُنیّته او قائل اند.

١٧-ترتیب در رمی وذبح وحلق اول رمی پس ذبح ،حلق بر قارن ومتمع واول رمی پس حلق بر مفرد.

١٨-بودن طوافِ زیارت در ایام نحر وشب تابعِ روز است ودر مناسک.

١٩-بودن طواف از ورای حطیم.

٢٠-بودن سعی بعد از چهار شوط طواف یا اکثر اگر چه بحدث بوده اند.

٢١-اعاده طوافیکه بحدث بوده است.

٢٢-توقیت حلق بحرم اگر چه در غیر منی باشد مگر درایام نحر باشد ،نه بمعتمر اما بر او حلق یا قصر نزد مَروه مستحب است.

٢٣-ترک جماع بعد وقوف عرفه.

٢٤-ترک لبس مخیط.

٢٥-ترک پوشیدن سرور.

٢٦-وقوف بعرفه حصه از شب.

٢٧-متابعت امام اعظم در افاضه.

٢٨-تاخیر عشاء ومغرب تا مزدلفه.

٢٩-سه اشواط اخیر در طواف زیارات.

٣٠-گذاردن جزوی از شب در مزدلفه.

٣١-عدم تاخیر در رمی از روز دوم نحر.

٣٢-رمی قارن ومتمتع قبل ذبح.

٣٣-هدی برین هر دو.

٣٤-ذبح برین هردو.

٣٥-بودن ذبح در ایام نحر ودرحرم وگفته شده است طواف قدوم نیز والا صح خلافه.

٣٦-ترک رفث وفسوق وجدال.

٣٧-ترک قتل الصید واشاره ودلالت بسوی او وترک استعمال الطیب .پس غاگر کسی را بغیر قصد خوشبوی رسید وشتابی کرد در ازاله او بر او نیز دم لازم ایت زیرا که قصد وسهو در اینجا برابر است.

فصل در سنن ومستحبات او

سنت است غسل یا وضو وقت احرام ولبس از اروردا جدید ین وابیضین وتطیبِ بدن وقت احرام ورکعتین واکثارِ تلبیه بعد از احرام برفع صوت وقت نماز یا وقت هبوط وصعود ، یا تلقّی رکبان وبه اسحار وتکرارِ او سه بار هر وقت که شروع کند او را وکثرت درود و سوال جنت واستعاذه نار وصحبت ابرار واغتسال بدخول مکه مکرمه ودخول از باب معلاۀ بروز وتکبیر وتهلیل تلقا ء بیت الشریف ودعا در ان وقت وطواف قدوم واضطباع ورمل وهرولۀ بین المیلین الاخضرین برای مردان ومشی بتدارک در باقی سعی ئاکثار طواف وخطبه بعد ظهرهفتم بملکه بلا جلوس وخروج از او بعد طلوع آفتاب روز هشتم بجانب منی ومبیت بمنی پس خروج از وبعد طلوع روز نهم بجانب عرفاتن واجتهاد در تضرّع وخشوع وبکار بدموع ودعا به خود وبدیگران ورجوعه بوقار وسکینه بعد غروب از عرفات ونزول بمزدلفه مرتفعاً عن بطن الوادی نزدیک جبل قزح ومبیت باوشب نحر ومبیت بمنی ایام منی بجمیع امتعه خود وکردن منی از یمین ومکه از یسار در وقوف رمی جمار وحالت رکوب برمی جمره عقبه در تمام ایام وبحالت مشی در رمی اولی ووسطی وقیام در بطن وادی وقت رمی وبودن رمی روز اوّل در بین طلوع شمس وزوال او در بین زوال وغروب در باقی ایام وهدی مفرد واکل از او .از هدی تطوع ومتعه وقران وخطبه روز عید وتعجیل رجوع از منی وقبل غروب شمس روز ثانی عشر اگر اراده دارد واگرتا طلوع فجر روز چهارم ماند در منی لازم می شود بر او رمی ونزول بمحصب

ساعتی بعد از ار تحال از منی وشرب آب زمزم وتضلّع از او واستقبال بیت وقیام در آنوقت وریختنه بر سر وبدن والتزامن ملتزم وتشبّث باستارِ کعبه ساعتی وتقبیل آستانهٔ بیت ودخول او بادب وتظیم دعا در او ونزد ملتزم ودر عرفات ومزدلفه ووقت لمس حجر ودر طواف وسعی ووقت شربِ زمزم در مقام ابراهیم ونزد میزاب ووقت رمی ووقت رویت بیت ونزد رکن یمانی ودر منی ودر میان لیله البدر مقبول است.

فصل در مکروهات او

مکروه است تقدیم نقل بمکّه ازمنی ورمی در روز اول ورابع بین طلوع فجر وآفتاب ودر لیالی ثلاث ومباح است بعد از زوال الی غروب آفتاب از روز اول.

فصل در جنایات او

جنایات او به بر دو قسم است جنایه بر احرام وآن ۷ اند ،ازالهٔ مو وچیدن ناخن ولبس مخیط وطی بهمراهی دواعی ان وخوشبوی کردن وصید برّی کردن وجنایات بر حرم ودرین گاهی دودم لازم می آیند مثل جنایه قارن ومتمتع که سائق هدی است بعد تلبس او به احرام حج وگاهی یک دم یا صوم یا صدقه مثل تطیب یا لبس یا حلق بعذر _ وهر صدقه که در احرام مقدر نیست نصف صاع است از گندم پس اگر جانی عامد باشد یا خاطی مبتدی باشد یا عائد ذاکر باشد یا ناسی جاهل باشد یا عالم، طائع باشد یا مکره ،نائم باشد یا منتبه ،سکران باشد یا صاحی ،مغمی علیه باشد مفیق

،موسر باشد یا معسر بمباشره او باشد یا بمباشرت غیر ولی با مراد او همه برابر است در لزوم جنایت.

واگر کدام واجبی بعذری منجانب الله متروک شد بر او چیزی لازم نمی آید ، واگر سرورِوی نائم در خوابپوشید یا پوشیده شد دم لازم میگردد واگر خوشبو کرد عضوی کامل اگر چه دهن او باشد به اکل طیب کثیر یا میرسد عضوی اگر جمع کرده شود وبدن تمام مثل عضو واحد است اگر مجلس متحد است واگر نه پس بر سر یکی کفاره جدا واجب است ونزد محمّد اگر کفاره اول نداده است تمام را یک کفّاره کافی است .واگر ذبح کرد قبل از ازالۀ مو تبرکِ او دمی دیگر لازم می آید.واگر خوشبوئی در لباس است کثرت طیب به عرف اعتبار دارد،اگر کثیر است دم است واگر قلیل است صدقه است .واگر خوش بوئی در لباس است دوام لبس او تاروزی ملزمِ دم می گردد ودر عضو بزمان مقید نیست اگرچه در حال بشوید دم لازم میگردد. ودر خضاب حنای رقیق دم واحد است ودر متلبّد دودم است. ودر دهن زیت وشیرج عضو کامل را در صورتیکه مخلوط ومطبوخ نباشد خالص باشد .پس اگر خورد آن را یا دوا کرد زخمی را یا در سقوق پا ههانهاد یادر بینی یا در گوش چکانید چیزی نیست بر او ودر مسک وکافور وعنبر وغالیه دم است باستعمال او بتداوی –واگر در طعام مطبوخ است نیست چیزی بر او غالب باشد یا مغلوب باجزاء یا به بو واگر در غیر مطبوخ است وغالب طیب است به اجزا ءدم است اگر چه بو ندارد واگر مغلوب است سوای کراهت چیزی نیست بهمراه بو_ واگر

مخلوط بمشروب است پس اگر غ لبخخوشبوئی است دم است
واگر غالب غیر است صدق است مگر نوشیدن چند بار که موجب
دم میگردد واگر از حلوائی منجره بعود خورد مکروه است
وچیزی دیگر نیست وحلوا مخلوط را بگلاب ومسک اگر کثیر
خورد دم است ودر قلیل صدقه است .وکثرت وقلت آن برای عدول
معتبر است واگر مخلوط بما یُستعمل فی البدن است مثل اشنان
وصابون پس اگر معاینه اشنان وصابون گفته شود صدقه است
واگر طیب گفته شود دم است .وبوی گرفتن خوشبوی وسیب
وفاکهه جاتِ بو دار مکروه است –ولبس مخیط بلبس معتاد وستر
سر بطور معتاد یک روز یا یک شب کامل موجبِ دم است ودر
اقل صدقه است اگر چه ساعتی فلکی باشد یا کم از ان –وزاید
بروز مثلِ روز است اگر چه بکشد اورا در شب واعاده کند در
روز یا بالعکس آن تا عزم ترک نکرده است واگر بعزم ترک کشید
پس پوشید جزا متعدد میگردد برای اول کفاره داده است یا نه
،واگر همه لباسها از قمیص وقبا وعمامه وکلاه وسرابیل وموزه
روزی کامل پوشید بر او یک د م است اگر سبب متحد است واگر
سبب متعدد است جزا نیز متعدد میگردد. واگر مضطر شد
بپوشیدن یک جامه ودو پوشید یا بکلاه وزیاده کرد دستار لازم
می شودبر او یک دم وگناه – واگر پوشید آنها را بموضعین
ومختلفین موضع ضرورت وغیر ضرورت پس بر او دوکفاره
است ،پس در کفاره ضرورت مختار است دودم وصدقه ودر
کفاره اختیار دم است وبس – واگر متقین شد رفتن ضرورت را تا

هم استمرار کرد کفاره دیگر لازم میگردد بلا تسخیر اگر روزی طول داد بعد تیقن وپوشیدن ربع سرور مثل کل است .وبه پوشیدن گوش وقفا ووضع یدین بر بینی بلا ثوب باکی نیست وبثوب مکروه است –در حلق ربعِ سر وریش یا نتف یا احتراق وتقصیر آن وحلق محاجم وقت احتجام دم است وریش بهمراه بروت عضو واحد است .ودر حلق احد ابطیه یا عانه یا رقبه یا سینه یا ساق یا زانو یا ران یا بازو یا ساعد یک دم است اما کُلّ شان معتبر است نه ربع شان ومتفرق از حلق جمع کرده شود مثل طیب) وتنها در بروت صدقه است ودر چیدن اطقفار یدین یا رجلین یا کل در یک مجلس دم واحد است اگر مجالس متعدداند دم نیز متعدد است مگر آنکه محل واحد را مثل رابطین در مجلسین حلق کند یا سر را در چهار مجلس دم واحد است .ودر عمره اگر اقل یا اکثر یا کل اشواط را بحالت جنابت یا حیض یا نفاس یا حالت حدث طواف کرد یک دم است وبس –ودر طواف قدوم بحالت جنابت وحیض وافاضه قبل از امام از عرفات یا ترک اقل طواف فرض یا اکثر از صدر وترک سعی یا اکثر او وسواری در ران بی عذر یا ترک وقوف مزدلفه یا ترک تمام رمی یا ترک رمی یک روز یا روز اول یا اکثر رمی روزی یا حلق در حال بحج در ایم نحر یا در عمره یا بوسه زدن یا لمس بشهوت انزال باشد یا نه ودر استمنا بکف وجماع بهیمه اگر انزال باشد یا تاخیر خلق یا طواف فرض از ایام نحر یا تقدیم نسکی بر دیگری یک دم لازم است – بر قارن که حلق قبل ذبح گردد ودم لازم میآید .واگر قارن



در احرام عمره نقصی داخل کرد دما متضاعف میگردند واگر نقص در غیر احرام عمره بود یک دم لازم است لذا اگر قارن قبل امام افاضه کرد یا طواف زیارت را در حالتِ جنابت وحدث انجام داد لازم نمی شود مگر یک دم.

وآنچه در آنها صدقه واجب است بنصف صاع این است،

تطیب اقل از عضو ولُبس مخیط وتغطیه سر کم از روزی وحلق کم از ربع سر وریش وچیدنِ یک ناخن مثل پنج متفرقه وطواف قدوم وصدر بحدث اصغر وترک شوطی از صدور وسعی یا یک سنگریزه از جمار یا حلق سر غیر یا قص اظفار وغیره.

وآنچه دروکم از نصف صاع صدقه لازم است این است ،قتلِ ملخ وشپش وآنچه در ان قیمت است این است،قتل صید ونقصان قیمت در کندیدن ریش وقطع قوائم او وقطع گیاه حرم وشجر نابت بنفس خود از آنچه از ممّا يُنْبِتْه الناس نیست. وآنچه در قتل آنها چیزی نیست این است، زاغ واحده وموش وکژدم ومارو سگِ گزنده وپشه ومور موذی وبر غوث وقرار وسنگ پشت وهر آنچه صید برّ نیست بلکه از حشرات است.

فصل در مسائل متفرقه

مسئله ۱: اگرمسلمانی بروحج فرض شد وادا نکرد او را تا انکه محتاج گردید بر او مقرر میشود وجوب آن بر ذمّه او دَین است.

مسئله ۲: زاد بر آفاقی ومکی شرط است مگر راحله تنها بر آفاتی

مسئله ۳: از حوائج اصلیه نیست آنچه ازهدایای اقارب وغیره مرسوم است لذا استطاعت بآنها موقوف نیست.

مسئله۴: قول متعمد ومفتی به عدم سقوط وجوب حج است از خوف آنچه از رشوتهای حدود میگرند بلکه او مضطر است .

مسئله۵: اگر صبی مرتکبِ محظوری از محظوراتِ احرام شد بر وچیزی لازم نیست نه محظورات حرم.

مسئله۶: اجتناب از نجاستِ لباس سنت است در حج لذا اگر بر پارچه اونجاستی اکثر ار درهم بود لازم نیست بر او چیزی سوای کراهیه لا دخال النجاسه فی المسجد.

مسئله۷: نیست بر حاجی چیزی اگر شست لباس خود را بصابون واشنان.

مسئله ۸: مستحّب است برای محرم عدم ازالۀ او ساخ به هیچ آبی بلکه قصد طهارت ورفع غبار ودفع حرارت کند.

مسئله ۹: مکروه است داخل کردن سرور ودر سایه دیوار ومحمل نه باقی اعضائیها.

مسئله۱۰: اکتحال بمطیب یکبار ودوبار موجب صدقه است وبیشتر اذان موجبِ دم است .

مسئله ۱۱: مانعی نیست فصد کردن اگر لازم آِد وبحجامت بغیر ازالۀ مو واگر نه دم است وبخاریدنِ سروبدن هم مانعی نیست اگر ازالۀ مووشپش نباشد ودر یکی ازینها صدقه کند چیزی را ودر سه یک کف از طعام.

مسئله ۱۲: مکروه نیست طواف در اوقاتیکه مکروه است درانها نماز

مسئله ۱۳: اگر شک شد در عدد اشواط در طواف رکن اعاده کند انرا وبنا نکند بر غالب ظن واگر خبر داد او را عادلی مستحب است اخذ بقول او واگردوعدل بودند واجب است اخذ بقول آنها ودر غیر رکن بر غلبه ظن عمل کند.

مسئله ۱۴: مستحب است اعاده طواف اگر قطع کرد او را بوجهی مکروه ادا کرد-

مسئله۱۵: اگر در اثنای اشواط طواف وقت نماز مکتوبه یا جنازه حاضر شد لائق آن است که قطع کند اگر میترسد فوت رکعت را بهمراه امام وچون رجوع کند از محلِّ انصراف بنا کند.

مسئله ۱۶: اگر از طواف بغیر عذری خارج شد مکروه است واگر متفرق کرد هر شوطی را بروزی هم مکروه است نه۹ باطل.

مسئله ۱۷: مکروه است خوردن در میانهٔ طواف نه در سعی وشرب در هر دو مباح است.

مسئله ۱۸: در طواف ذکر از تلاوت اولی است .

مسئله ۱۹: محل مسنون اضطباع قبیل طواف است تا انتهای او نه بعد او نه از اول احرام چنانچه مروجه عوام است.

مسئله ۲۰: اگر محرم مرد کرده شود با او آنچه کرده شود با حلال نزد ابا حنیفه .

مسئله ۲۱: وقت خروج اگر اراده سعی دارد وبعد آن عودرالی الحجر سنت است والافلّا وهمچنین رمل واضطباع تابع اند مر طولانی را که بعد او سعی باشد.

مسئله ۲۲: نیست بر معتمر لبیّک در سعی ونیست بر او اضطباع.

مسئله ۲۳: مرور بین یدی المصلی در حضرت کعبه جائز است.

مسئله ۲۴: چندان مدت که ۷ شوط طواف کند اگر همین مدت رابنماز گذارد اولی تر است نزد بعض-

مسئله۲۵: رشوت دادن بدخول کعبه حجبۀ را جائز نیست بلکه ترک کند دخول را.

مسئله ۲۶: دخول عرفات در روز هشتم موجب ترک کثیری از سنن است.

مسئله ۲۷: در میان جمع مزدلفه تکبیر تشزیق را ترک دادن جائز نیست .

مسئله ۲۸: ادراک جزئی از صلوتین جمع کافی است برای جواز او بهمراه امام.

مسئله ۲۹: بخواند سنت مغرب وعشا ووتر را بعد از جمع نماز.

مسئله ۳۰: اگر مغرب را در بین راه مزدلفه کرد او را اعاده کند اما اگر از غیر اراده مزدلفه رفت جائز است مغرب در بین راه.

مسئله ۳۱: زمی بحجر ومدر وگل ومغره ونوره وزر نیخ واحجار نمفیسه ونمک جبلی وسرمه وقبضه وسرمه وقبضه خاک وبلوز بر جد وعقیق جائز است .

مسئله ۳۲: مستحب است رفع ۷دانه سنگ ریزه از مزدلفه برای رمی جمره عقبه.

مسئله ۳۳: بر اقرع امرار اسمره بر سر سنت است.

مسئله ۳۴: اگر موکوتاه یا مغفوص یا مضفور اس سوای حلق چاره نیست

مسئله ۳۵: اگر شروع کرد بجمره عقه پس بوسطی پس به اولی پس یادش آمد در همان روز اعاده کند وسطی وعقبه را حتماًیا سنّته وهمچنین اگر ترک کرد اولی را وزد اخیر تین زا پس بزند اولی را واستقبال کند باقی واگر زد هر یکی را بسه تمام کند اولی را بچهار پس اعاده کند وسطی رابهفت پس قصوی را نیز بهفت واگر زد هر یکی را بچهار تمام کند هر یکی را بسه واعاده نکند .

مسئلە ٣٦:اول وقت طواف صدر بعد زیارتست اگر اراده سفر دارد حتی که اگر طواف کرد پس دراز کرد اقامه را بمکه ونگرفت او را سرا جائز است طواف او ومنتهای ندارد مدتِ او بلکه اگر ماند سالی ونیت اقامه نکرد پس هست بر او که طوف کند ومی شود ائا ملی مستحب است ایقاع او وق اراده سفر ولی به نیت استیطان ساقط میگردد بمکه یا ما حول آن قبل حلول ثالث ایام واگر بعد است ساقط نمیگردد واگر قبل نفز نیت کرد پس ظاهر شد بر او خروج واجب نمی گردد.

مسئله ۳۷: طواف صدر بر مکی مندوب است نه بر واجب.

مسئله ۳۸: هر طواف در وقت همان طواف میشود نیت کرده است او را یا غیر آن را یا نیت نکرده است.

مسئله ۳۹: مستحب است تقدیم ذکر عمره در نی بر قارن ومتمتع از منیت حج

مسئله ۴۰: دمِ جنایه بمجرّد ذبح ساقط گردد واگر چه بعداً هلاک گردد یا دزیده شود.

مسئله ۴۱:جماع قبل وقوف باطل نمی کند او را بلکه فاسد میکند وقضا بر او لازم آید

مسئله ۴۲: لباس کعبه ار از بیت المال است پس امر او البته بدستور سلطان است هر کرا دهد بدهد واگراز اوقاف سلاطین وغیر ها است پس نیست واقف اعتبار دارد واگر معلوم نیست شرط دارد واقف پس کرده شود به آن آنچه کرده شده است به عوائد سالفه .

مسئله ۴۳: به آبِ زمزم ازالۀ نجاست حقیقی از لباس وبدن وغیره مکروه است نی غسل کردن.

مسئله ۴۴: مستحب است نقل آبِ زمزم به اطرافِ دنیا.

مسئله ۴۵: اصوب منع اخراج خاک حرم است تبرکاً با اطراف دنیا.

مسئله ۴۶: نیست مدینه منوره را حرم نزد ما احناف.

مسئله ۴۷: واجب است بر هر که بگذرد از مواقیت بقصد حج باشد یا تجارت احرام برای حج یاعمره مگر آنکه از اول خروج وقصد حل کرده بود نه حرم نه اصلا ً نه تبعاً (از شامی وعالمگیری وطحطاوی)

فصل در ادعیه های مقامات مختلفه در حج برای حاج

دعا در وقت خروج از خانه

بِسْمِ اللهِ تَوَکّلتُ عَلَى اللهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ رَبِّ اَعُوْذُ بِکَ اَنْ اُضَلَّ اَوْ یُضِلِّ اَوْ اُذَلَّ اُوْ یُذِلَّ اَوْ اُظْلَمَ اَوْ یُظْلِمَ اَوْ اُجْهِلَ اَوْ یُجْهِلَ.

دعا در وقت رفتن

اَللّٰهُمَ بِکَ اِنْتَشَرْتُ وَعَلَیْکَ تَوکَّلْتُ وَبِکَ اِعْتَصَمْتُ وَاِلَیْکَ تَوَجَّهْتُ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتِیْ وَاَنْتَ رِجَائِیْ فَاکْفِنِی مَا اَهَمَّنِیَ ومالَا اَهْتَمُّ بِه وَمَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِه مِنِّیْ عَزِّ جَارُکَ وَجَلَّ ثَنَاءُکَ وَلَا اِلٰهَ غَیْرُکَ اَللّٰهُمَّ اَزْدُدْ فِی التَّقْوٰی وَاغْفِرلِیْ ذَنْبِیْ وَوَجِّهْنِی لِلْخَیْرِ اَیْنَما تَوجَّهْتُ.

وقت سوار شدن

بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ واللهِ اَکْبَرْ تَوکَّلْتُ عَلَى اللهِ ولُا حَوْلَ ولَا قُوَّه اَلَّا بِاللهِ الْعلَیِّ الْعَظِیْمِ مَاشَا ءَاللهُ کَانَ وَمَا لَمْ یَشَأْ لَمْ یَکُنْ سبحان الذی سَخَّرَ لَناَ هذَا وَمَا کُنَّا لَهُ مُقْرِنِیْنَ وَاِنَّا اِلی رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُوْنَ اَللهمَّ اِنّی وَجَّهْتُ وَجهیَ اِلَیْکَ وَفَوَّضْتُ اَمْرِی کُلّه اِلَیْکَ وَتَوَکَّلْتُ فِی جَمِیْعِ اُمُوْرِیْ عَلَیْکَ اَنْتَ حَسْبِیْ وَنِعْمَ الوَکِیْلُ

دعا بعد از قرار گرفتن بر سواری

۷بار تسیح وتهلیل وبعد از این دعا را بخواند: اَلحَمدُاُللهِ الَّذِیْ هَدینَا لِهذَا ومَا کُنَّا لِنَهْتَدِیْ لَوْلَا اَنْ هَدینَا اللهُ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْحَامِلُ عَلَى الظَّهْرِ وَاَنْتَ الْمُسْتَعَانُ عَلَى الاُمُوْرِ

دعا وقت معلوم شدن منزل قرار درراه

اَللّٰهُمَّ رَبُّ السَّموتِ السَّبْعَ ومَا اَظْلَلْنَ وَرَبُّ الْاَرْضِیْنَ وَمَا اَقْلَلْنَ وَرَبُّ الشَّیاطِیْنِ وَمَا اَضْلَلْنَ وَرَبُّ الرِّیَاحِ وَمَا ذَرَیْنَ وَرَبُّ البَحَارِ ومَا جَرَیْنَ

اَسْئَلُکَ خَیْرَ هذَا الْمَنْزِلِ وخَیْرَ اَهْلِه واَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ هذَا الْمَنْزِلِ وَشَرِّ مَا فِیْه اَصْرِفْ عَنِّی شَرَّ شَرَارِهِمْ

دعا وقت منزل گرفتن

بعد ادای رکعتین این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَلِماتِ اللهِ التَّامَّاتِ الَّتِی لَا یُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ

دعا وقت تاريك شدن

یاَ اَرْضُ رَبِّی وَرَبُّکِ اللهِ اَعُوذُ بِاللهِ مِنْ شَرِّکِ وشَرِّ مَا فِیْکِ وَمِنْ شَرِّ مَا یَدِبُّ عَلَیْکِ وَ اَعُوذُ بِاللهِ مِنْ شَرِّ کُلِّ اَسَدٍ واَسْوَدٍ وحَیَّهٍ وَعَقْرَبٍ وَمِنْ شَرِّ سَاکِنِ الْبَلَدِ وَوَالِدٍ وَمَا وَلَد وَلَه مَا سَکَنَ فِی اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ اَلسَّمِیْعُ الْعَلِیْم

دعا وقت ترس از چیزی

آیه الکرسی وایه : شَهِدَ اللهُ تا الْعَزَیْزُ الْحَکَیْمُ واخلاص ومعّوذتین وایندعا بِسْمِ اللهِ مَا شَاَ اللهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّه اِلّا بِاللهِ حَسْبِیَ اللهُ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللهِ مَا شَاَ ءَاللهُ لَا یَأْتِی بِالخَیْرَات الَّا الله مَاشَا الله لَا یَصْرِفْ السُوءِالّا اللهِ حَسْبِیَ مَفِی سَمْعی لِمَنْ دُعا لَیْسَ وَرَا اللهُ مُنْتَهی وَلَا دُونَ اللهِ مَلْجَا کَتَبَ اللهِ لَاَغْلَبَنَ اَنَا وَرُسُلی اِنَّ اللهَ قَوِیٌّ عَزِیزٌ تَحَصَّنَت بِاللهِ الْعَظِیمِ واسْتَعَنْتُ بِالْحَیَّ الّذِی لَا یَمُوتُ اَللّٰهُمَّ اُحْرِسْنَا بِعَیْنِکَ الَّتی لَا تَنَامُ وَاکْنُفْنِیْ بِکُنْفِکَ الَّذِی لَا یَرَامُ اللّٰهُمَّ ارْحَمْنَا بِقُدْرَتِکَ عَلَیْنا فَلَا نُهْلِکَ وَاَنْتَ ثِقَتُنَا وَرَجَائُنَا اَللّٰهُمَّ اعطِفْ عَلَیْنَا قُلُوْبَ عِبَادِکَ وَاِمَائِکَ بِرأَفَهٍ وَرَحْمَهٍ اِنَّکَ اَنْتَ اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ

دعا وقت رفتن بر بلندی

اول سه بار تکبیر گفته این دعا را بخواند: اللّٰهُمَّ لَکَ الشَّرَفُ عَلٰی کُلِّ شَرُفٍ وَلَکَ الْحَمْدُ عَلٰی کُلِّ حَالٍ

دعا وقت پایین آمدن

سه بار تسبیح وتهلیل خواند.

دعا وقت پریشانی دل

سُبْحانَ اللهِ الْمَلِکِ الْقُدُّوْسِ رَبِّ الْمَلٰئِکَهِ وَالرُّوْحِ جَلَّلْتِ السَّموٰاتِ بِالْعِزَّهِ وَالْجَبَرُوْتِ

دعا بعد از لبیك احرام

اَللّٰهُمَّ اِنّی اُرِیْدُ الْحَجَّ فَیَسّرْهُ لِیْ واَعِنّی عَلَی اَدَاءِ فَرِیْضَتِه وَتَقَبَّلْهُ مِنِّیْ اَللّٰهُمَّ اِنّیْ نَوَیْتُ اَدَاءَ فَرِیْضَتَکَ فَاجْعَلْنِی مِنَ الّذِیْنَ اِسْتَجَابُوا لَکَ وامَنُوا بِوَعْدِکَ وَاتَّبَعُوا اَمْرَکَ وَاجْعَلْنِیْ مِنْ وَفْدِکَ الَّذِیْنَ رَضِیْتَ عَنْهُمْ وَارْتَضَیْتَ وقَبِلْتَ مِنْهُمْ اَللّٰهُمَّ فیَسّرْ لِیْ اَداءَ مَا نَوَیْتُ مِنَ الْحَجِّ اَللّٰهُمِّ قَدْ اَحْرَمَ لَکَ لَحْمِیْ وَشَعْرِیْ وَدَمِیْ وَعَصَبِیْ وَمُخِّیْ وَعِظَامِیْ وَحَرَّمْتُ علَی نَفْسِیْ النِسَا ءَ وَالطِّیْبِ وَلُبْس الْمُخِیْطِ اِبْتِغَاءَ وَجْهِکَ وَالدَّارَ الْاٰخِرَهِ.

دعا وقت دیدن عجائب

لَبَّیْکَ اِنَّ الْعَیْشَ عَیْشَ الْاٰخِرَهِ.

دعا وقت دخول حدود حرم

اَللّٰهُمَّ هذا حَرَمُکَ وَاَمْنُکَ فَحرِّمْ لَحْمِیْ وَدَمِیْ وَبُشْرِیْ عَلَی النَّارِ وامِنّیْ مِنْ عَذَابِکَ یَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَکَ وَاجْعَلْنِیْ مِنْ اَوْلِیائِکَ وَاَهْلِ طَاعَتِکَ.

دعا وقت افتادن نظر بر كعبه

لَا اِلهَ اَلّاَاللهُ واللهُ اَكْبَرُ اَللَّهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَام ودَارُكَ دَارَ السَّلَام تَبَارَكْتَ يَا ذَالْجَلَال وَ الاِكْرَام اَللّهُمَّ اِنَّ هذَا بَيْتُكَ عَظَّمْتَهُ وَكَرَّمْتَهٌ وَشَرَّفْته اَللَّهُمَّ تَعْظِيْماً وَزِدْهُ تَشْرِيْفًا وتَكرِيمًا وَزِدْهُ مَهابَهً وَزِدْ مِنْ حَجِّه بِراًّ وَكَرَامَهً اللّهُمَّ افْتَحْ لِى اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَادْخِلْنِى جَنَّتَكَ وَاَعِذْنِىْ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ.

دعا وقت دخول مسجد از باب بنى شيبه

بِسْمِ الله وَبِاللهِ وَمِنَ اللهِ وإِلَى اللهِ وفِى سَبِيْلِ اللهّ وَعَلى مِلَّه رَسُوْلِ الله صلى الله عليه وآله وسلم.

دعا وقت نزديك شدن كعبه

اَلْحَمْدُلله وَسَلَام ٌعَلَى عِبادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفَى اَللّهُمَّ صلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَعَلى اِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلِكَ وَعلَى جَمِيْعِ اَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ پس دست برداشته اين دعا خواند: اَللّهُمَّ اَنّى اَسْئَلُكَ فِى مَقَامِى هذَا فِىْ اَوَّلِ مَنَاسِكِى اَنْ تَقَبَّلْ تَوْبَتَى وَتَجَاوَزْ عَنْ خَطِيْئَتِىْ وَتَضَع عَنِّى وِزْرِى اَلحَمْدُالله الَّذِى بَلَغِنْى بَيْتَه الْحَرَامَ الَّذِىْ جَعَلَه مَثَابه ً لِلنّاسِ وامْنًا وَجَعَلَه مُبارَكًا وَهُدًى لِلْعلِمَيْن اَللهُمَّ اِنّى عَبْدُكَ والْبَلَدُ بَلَدُكَ وَالحَرَمُ حَرَمُكَ وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ اَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَاَسْئَلُكَ مَسْئَلَهَ الْمُضْطَرَّ الخَائِفِ عُقُوبَتَكَ الرّاجِىْ لِرَحْمَتِكَ الطَّالِبِ مَرْضَاتِكَ

دعا وقت بوسه حجر اسود

اَللّهُمَّ اَمَانَتِى اَدَّيْتَهَا مِيثَاقِىْ وَفَيْتَه فَاشْهَدْ لَى بِالمُوافَاهَ

دعا در شروع طواف قبل گذشتن حجر اسود

بِسْمِ الله وَالله اَكْبَرْ اَللّٰهُمَّ ایمانًا بِکَ وَتَصدیقًا بِکِتابَکَ وَوَفا بَعَهْدِکَ وَاتِّبَاعًا لَسُنَّه نَبَّیَکَ مُحَمَّدً صلى الله عليه وآله وسلم .

دعا وقت گذاشتن حجر اسود بمقابله خانه

اَللّهَمَ هذَا البَیْتِ بِیْتّکَ وَهَذا الْحَرَم حَرَمِکَ وَهذَا الاَمْنِ اَمنک وهَذا مَقامُ العَائِذَ بِکَ مِنَ النَار اللَّهم اِنَّ بَیْتِکَ عَظیْم وَوَجْهِکَ کَریم واَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحَمیْنَ فَاعِذْنِی مِن اَلنَّار وَمِنَ الشَیْطَانِ الرَّجیم وحَرِّمْ لَحْمی وَدَمِیْ عَلَی النَّارِ وَاَمِنِّی مِنْ اَهْوَالِ القِیمهِ وَاکْفِنِی مَونَهَ الدُّنْیَا وَالاخِرَه.

دعا نزد رکن عراقی

اَللّهُم اَنّیْ اَعُوذُ بِکَ مِنَ الشَّرْک وَالشَّک وَالْکُفِرْ وَالنِّفَاقِ وَالشِّقَاقَ وسُوءِالاَخْلَاقِ وسُوءِالمَنْظَرِ فِی الْاَهْلِ وَالمَالِ وَالوَلَدِ

دعا نزد میزاب

اَللّهُمَّ اَظْلِلْنَا تَحْتَ عَرْشِکَ یَوْمَ لَاظِلَّ اِلّا ظِلَّ عَرْشِکَ اَللَّهمِّ اسْقِنِی بِکَأسِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وسلم شَرْبَهً لَا اَظْمَأَ بَعْدَهَا ابَدًا

دعا نزد رکن شامی

اَللّهُم اجْعَلَهُ حَجّا مَبْرُوْرًا وَسَعْیًا مَشْکُورًا اَوْذَنْبًا مَغْفُورًا وَتِجَارَهً لَنْ تَبُورًا یَا عَزِیْزُ یَا غَفُوْر اِغْفِرْ وَارْحَم وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمْ اِنَّکَ اَنْتَ الْاعَزُّ الاَکْرَمْ

دعا نزد رکن یمانی

اَللّهمَّ اِنّی اَعُوذُ بِکَ مِن اَلکُفْرِ والفَقْرِ وَمِنْ عَذابِ القَبْرِ مِن فِتْنَهِ الْمَحْیَا وَالْمَمَاتِ وَاَعُوْذُ بِکَ مِنَ الْخِزْیِ فِی الدُّنْیا وَالاخِرَه

دعا در میان رکن یمانی وحجر

رَبَّنا اتِنَا فِی الدُّنْیاَ الخ

دعا وقت رسیدن بحجر در خاتمه شوط

اَللّهمَّ اغْفِرْلِیْ بِرحمَتِکَ اَعُوذُ بِرَبِّ هذاَ الحَجَرِ مِنَ الدَّیْنِ وَالْفَقرِ وضَیْقِ الصَّدْر وعَذَابِ القَبْرِ

وهمچنین تا اشواط هفت گانه

بعداز ختم التزام ملتزم کرده این دعا بخواند:

یَا رَبَّ البَیْتِ الْعَتِیقِ اعْتِقْ رَقْبَتِیْ مِنَ النَّارِواَعِذْنِی مِنَ الشَیْطانِ الرَّجِیْمِ واَعِذْنِی مِنْ کُلِّ سُوءٍ وَقَنِّعْنِی بِمَا رَزَقْتَنِیْ وَبَارِکْ لِیْ فِیْمَا اتَیْتَنِی اَللّهُمَّ اِنَّ هذاَ الْبَیْتَ بَیْتُکَ وَالْعَبْدُ عَبْدُکَ وَهذا مَقَام العَائِذِ بِکَ مِنَ النَّارِ اَللّهُمَّ اجْعَلْنِی مِنْ اَکْرَمِ وَفْدِکَ عَلَیْکَ.

پس هرچه خواهد از دعا ها اینجا کند پس مقام ابراهیم دو رکعت گذارد در اول قل یا ودر ثانی قل هوالله بخواند بعد از دوگانه این را بخواند: اَللّهُمَّ یَسِّرلِی الیُسْرى وَجَنِّبْنِیَ العُسرى واَغفِرْلِیْ فِی الاخِرَهِ وَالْاوْلى اَللّهُمَّ اعْصِمْنِی بِالْطَافِکَ حَتّی لَا اَعْصِیْکَ واَعِنِّیْ عَلَى طَاعتِکَ بِتَوْفِیْقِکَ وَجَنِّبْنِی مَعَاصِیْکَ واجْعَلْنِی مِمَّنْ یُحِبُّکَ وَیُحِبُّ مَلائِکَتَکَ وَرُسُلَکَ وَیُحِبُّ عِبادَکَ الصّلِحِیْنَ اَللّهُمَّ حَبِّبْنِیْ اِلى مَلئِکَتَکْ وَرُسُلِکَ وَاِلى عِبادِک الصّلِحِیْنَ اَللّهُمَّ فَکَما هَدَیْتَنِیْ اِلَى الْاِسْلَامِ فَثَبّتْنِیْ عَلَیْهِ بِالْطَافِکَ وَوَلَایَتِکَ واسْتَعْمِلْنِیْ طَاعتَکَ وَطَاعهَ رَسُولَکَ واَجِرْنِی مِنَ مُعْضِلَاتِ الْفِتَنِ .پس حجر را بوسه داده ختم طواف کند.

وقت ایستادن بر صفا وبقبله کرده این دعا را بخواند

اَللهُ اَکْبَرْ اَللهْ اَکْبَر اَلحَمْدُلله عَلَى مَا هَدينا الْحَمْدُلله لِمُجاهِدِه كُلِّهَا عَلى جِميْع نِعَمِه كُلِهِّا لَا الهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ وَصدَقَ وَعْدَه وَنَصرَ عَبْدَه وَاَعَزَّ جُنْدَه وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَه لَا اِله اِلَّا اللهُ مُخْلِصِيْنَ لَه الدِّيْن وَلَوْ كَرِهَ الْكَافُرُونَ لَا اِله اِلَّا اللهُ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّين الْحَمْدُلله ربِّ العالِميْنَ فَسُبْحَانَ الله حِيْنَ تُمْسُونَ وحِيْنَ تُصبِحُونَ ولَهُ الْحَمْدُ فِى السَّمواتِ وَالاَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِيْنَ تُظْهِرُونَ وَيُخْرِجُ الْحَىَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَىِّ ويُحْى الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذلِكَ تُخْرَجُونَ وَمِنْ ايته اَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرابٍ ثُمَّ اِذَا اَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُوْنَ اَللّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ اِيْمَانًا دَائمًا وَيَقِيْناً صادِقًا وَعِلْمًا نَافِعاً وَقَلْباً خشِعًا وَلِسَانًا ذَاكِرًا وَاسْئلُكَ العَفْوَ وَالعَافِيَهَ وَالْمُعَافَاهَ الدَّائَمَهَ فِى الدُّنْيَا وَالْاخِرَه

دعا وقت سعی بین الصفا والمروه

رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمْ اِنَّكَ اَنْتَ الَاعَزُّ الْاَكْرَمُ اَللّهُمَّ اتِنَا فِى الدنْيَا حَسَنَةً الخ

وقت رسیدن منی

اَللّهُمَّ هذَا اَمِنى فَامْنُنْ عَلَىَّ بِمَا مَنَنْتَ عَلَى اَوْلِيَائِكَ وَاَهْلَ طَاعَتِكَ

دعا در وقت رفتن بر سر عرفات

اَللّهُمَّ اجْعَلْهَا خَيْرَ غَدْوَهٍ غدوتُهَا قط واَقْرِبْهَا مِنْ رِضْوَانِكَ وَابْعِدْهَا مَنْ سَخَطِكَ اللّهُمَّ اِلَيْكَ غَدَوْتُ وَاِيَّاكَ رَجَوْتُ وَعَلَيْكَ اِعْتَمَدْتُ وَوَجْهِكَ اَرَدْتُ فَاجْعَلِنِى مِمَّن تَبَاهى به الْيَوْم مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنِّى وَاَفْضَلُ

دعا در وقت اجتماع برعرفه

لَا اِلهَ اِلّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْکَ لَهُ المُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْی وَيُمِيْتُ وهُوَ حَیٌّ لَا يَمُوْتُ بِيَدِه الْخَيْرُ وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدِيْر ٌ اَللهُمَّ اجْعَل فِیْ قَلْبِی نُوْرًا وَّ فِیْ سَمْعِیْ نُوْرًا اَللّهُمَّ اشْرَحْ لِیْ صَدْرِیْ وَيَسِّرْ لِیْ اَمْرِی اَللّهُمَّ رَبَّ الْحَمْدِ لَکَ الْحَمْد کَمَا نَقُوْلُ لَکَ وخَيْرُ مِمَّا نَقُوْلُ لَکَ صَلَواتِیْ وَنُسُکِیْ وَمَحْيَایَ وَمَمَاتِیْ وَاِلَيْکَ مَا بیْ وَاِلَيْکَ ثَوَابِیْ اَللّهُمِّ اِنِّی اَعُوْذُ بِکَ مِنْ شَرِّ يَلِجُ فِی اللَّيْلِ وَشرِّ مَا يَلِجُ فِی النَّهَارِ وَمِنْ شَرِّ ماَ تَهُبُّ بِه الرِّيَاحُ وَمِنْ شَرِّ بَوَائِقِ الدَّهْرِ اللّهُمَّ اِنِّی اَعُوْذُ بِکَ مِن تَحوُّلِ عَافِيَتِکَ وَفَجْأهِ نَقْمَتِکَ وَجَمِيعَ سَخَطِکَ اَللّهُمِّ اهْدِنِی بِالْهُدی وَاغْفِرْلِی فِی الْاخِرَه وَالاوُلی يَا خَيْرَ مَقْصُود وَاَسْنی مَنْزُولٍ بِه وَاَکرَمَ مَسْئُولٍ مَا لَدَيْه اَعْطِنِی العَشِيَّهَ اَفْضَلَ مَا اَعْطَيْتَ اَحدًا مِنْ خَلْقِکَ وَحُجَّاجَ بَيْتِکَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ اَللّهمَّ يَا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ وَمُنْزِلَ الْبَرکَاتِ وَيَا فَاطِرِ الاَرضِيْنَ وَالسَّموات ضَجَّتْ اِلَيْکَ الْاَصوَاتُ بِصُنُوفِ اللُّغَاتِ نَسأَلُکَ الحَاجَاتَ وَحَاجَتِیْ اَنْ لّا تَنْسَا نِیْ فِی دَارِالْبَلَاءِ اِذَا نَسِيَنِیْ اَهْلُ الدُّنْيَا اَللّهُمَّ اِنَّک تَسْمَعُ کَلَامِیْ وَتَری مَکَانِیْ وَتَعْلُم سِرِّیْ وَعَلَانِيَتِی وَلَا يَخْفی عَلَيْکَ شَیءٌ مِنْ اَمْرِیْ اَناَ الْبَائِسُ الفَقِيْرُ المُسْتَغِيثَ المُسْتَجِيْرُ الْوَجِلُ الْمُشْفِقُ الْمُعْتَرِفُ بِذَنْبِه اَسْئَلُکَ مَسْاَلَهَ الْمِسکِيْنِ وَاَبْتهِلُ اِلَيکَ اِبْتِهاَلَ الْمُذْنِبِ الذَّلِيْل وَاَدْعُوْکَ دُعَاءَ الخَائِفِ الضَّرِيْرِ دُعَاءَ مَنْ خَضعَتْ لَکَ رَقَبَتُه وَفَاضَتْ لَکَ عَبَرَتُه وَذَلَّتْ لَکَ جَسَدُه وَرَغِمَ لَکَ اَنْفُه اَللُّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِیْ بِدُعَائِک رَبِّ شَقِيًّا وَکنْ بِیْ رَءُوفًا رَحِيْماً يَا خَيْرَ الْمَسْئسولِيْنَ وَاکْرَمَ الْمُعْطِيْنَ اَللّهُمِّ مَنْ مَدَحَ لَکَ نَفْسُه فَانّی لَائِمٌ نَفْسِیْ اِلهِیْ اَخْرَسَتِ المَعَاصِیِ لِسَانِی فَمَالِیْ وَسِيْلَهٌ مِنْ عَمَلِیْ وَلَا

شَفِیعَ سِوَی الْاَمَلِ اِلهِیْ اِنّیْ اَعْلَمُ اَنَ ذَنُوْبِیْ لَمْ تَبْقَ لِیْ عِنْدَکَ جَاهًا وَلَا لِلْاِعْتِذَارِ وَجْهًا وَلٰکنَّکَ اَکرَمَ الْاَکْرَمِیْن اِلهِیْ اَنْ لَمْ اَکُنْ اَهْلًا اَنْ اَبْلغَ رَحْمَتَکَ فَاِنّ رَحْمَتَکَ اَهْلٌ اَنْ تَبْلُغَنِی وَرَحْمَتُکَ وَسِعَتْ کُلَّ شَی وَاَنَا شَیِ اِلهِیْ اَنْ ذُنُوبِیْ اِنْ کَانَتْ عِظَامًا وَلٰکِنَّهَا صِغَارٌ فِیْ جَنْبِ رَحْمَتِکَ وَعَفْوِکَ فَاغْفِرلِی یَا کَرِیْمُ اِلهِیْ اَنْتَ اَنْتَ وَاَنَا وَاَنَا، اَنَا الْعَوَّادُ اِلَی الذّنوُبِ واَنْتَ العَوَّادُ اِلَی الْمَغْفِرَه فَاغْفِرْلِیْ اِلهِیْ اِنْ کُنتَ لَا تَرْحَمَ اِلَّا اَهْلَ طَاعَتِکَ فَاِلی من یَفْزَعُ المُذْنِبوْنَ اِلهِی تَجَنّبْتُ عَنْ طَاعَتِکَ عَمَدًا وَتَوجَّهْتُ اِلَی مَعْصِیَتِکَ قَصْدًا فَسُبحَانَک مَا اَعْظَمَ حُجَّتَکَ عَلیَ وَاَکْرَمَ عَفْوُکَ عَنِّی فَبُوجُوْبِ حَجَّتِکَ علَیَّ وَانْقطَاعِ حُجِّتِی عَنْکَ وَفَقْرِی اِلَیْکَ وَغِنَاکَ عَنِّی اِلّا غَفَرْتَ لِیْ یَا خَیْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ واَفْضَلْ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ بُحرمَهِ الْاِسْلَامِ وبِذِمَّهِ مُحَّمدٍ ﷺ اَتَوسَّلُ اِلَیْکَ فَاغْفَرْلِی جَمْیعُ ذُنوُبُیْ واَصرِفْنِی عَنْ مَوْقَفِی هذا مَقْضَی الحَوَائِجِ وَهَبْ لِیْ مَا سَأَلْتُ وحَقّقْ رَجَاِئی فِیْمَا تَمَنَّیْتُ اِلهِیْ دَعَوْتُکَ بالدُّعَاءِ الَّذِی عَلَّمْتَنِیْه فَلَا تَحْرُمْنِی الرَّجَاءَ الَّذِی عَرّفْتَنِیْهِ اِلْهی مَا اَنْتَ صَانِعُ العَشِیَّهِ بِعَبْدٍمُقِرٍّ لَکَ بِذَنْبِه خَاشِعٌ لَکَ بِذِلَّتِه مِسکِیْنٌ بِجُرْمِه مُتَضَرِّعٌ اِلَیْکَ مِنْ عَمَلِه تَائِبٌ اِلَیْکَ مِنْ اقْتِرَافَ ذَنْبِه مُسْتَغْفِرٌ لَکَ مِنْ ظُلْمِه مُبْتَهِلٌ اِلَیْکَ فِی العَفو عَنْه طَالِبٌ اِیَّاکَ فِی نَجَاحِ حَوَائِجِه رَاجٍ اِلَیْکَ فِیْ مَوْقِفِه مَعَ کَثْرَهِ ذَنوبِه فَیامَلْجَأَ کُلَّ حَیٍ وَوَلِیّ کُلُ مُؤمِنٍ مَنْ اَحْسَنَ فَبِرَحْمَتِکَ یَفُوزُ وَمَنْ اَخْطَاَ فَبِخَطِیْئَتِه یُهْلِکَ اَللّهُمَّ اِلَیکَ خَرَجْنَا وَبِفَنَائِکَ اَنَخنْا وَاِیَّاکَ اَمَلْنَا وَمَا عِنْدَکَ طَلَبْنَا وَلِاِحْسَانِکَ تَعَرَّضْنَا وَرَحْمَتَکَ رَجَوْنَاَ وَمِنْ عَذَابِکَ اَشْفَقْنَا وَاِلَیْکَ بِاَثْقَالِ الذّنُوبِ هَرَبْنَا وَلِبَیْتِکَ الْحَرَامِ حَجِّجْنا یَا مَنْ یَملِکَ حَوَائِجَ السَّائِلِیْنَ وَیَعْلَمُ ضَمَائِر

الصَّامِتِيْنَ يَا مَنْ لَيْسَ مَعَه رَبٌّ يُدعى وَيَاَ مَنْ لَيْس فَوْقَه خَالِقٌ يُخْشى وَيَامَنْ لَيْسَ لَه وَزِيرٌ يُوْخى وَلَا حَاجِبَ يُرشى يَا مَن لَا يَزْدَاد عُلى كَثْره السُّوَالِ اِلَّا جُوْدًا وكَرَمًا وَعَلى كَثْرَهِ الحَوَائِجَ اِلَّاتَفَضُّلًا واِحْسَانًا اَللّهُمَّ اِنَّکَ جَعَلْتَ لِکُلِّ ضَعِيْفٍ قُرًى وَنَحْنُ اَضيَافکَ وَفَاجْعَلْ قُرانَا مِنْکَ الْجَنَّه اَللّهُمَّ اِنَّ لِکُلِّ وِفْدٍ جَائِزَهٌ وَلِکُلِّ زَائِرٍ کَرَامَهٌ وَلِکُلِّ سَائِلٍ عَطِيَّه وَلِکُلِّ رَاجٍ ثَوَابًا وَلِکُلِّ مُلْتَمِسٍ جزَاءً وَلِکُلِّ مُتَرَحِّمٍ عِنْدَکَ رَحْمَه وَلِکُلِّ رَاغِبٍ عندک زُلْفى وَلَکُلَّ مُتَوَسِّلٍ اَلَيْکَ عَفْوًا وَقَدْ وَفَدْنَا اِلَى بَيْتِکَ الحَرَامِ ووقفنا بِهَذِه المشَاعِرِ العِظَامِ وَشَهدْنَا هذِه المَشَاهِدِ الکِرَامِ رَجَاءً لِما عِنْدَکَ فَلَا تُخَيِّب رَجَائَنَا .اِلهُنَا تَابَعَتِ النِّعَم حَتَّى اَطْمَاَنَّتْ النَّفْس بِتَتَابُع نِعَمِکَ وَاَظْهَرَتِ العَبَر حَتَّى نَطَقَتِ الصَّوَامِتُ بِحَجَّتِکَ وَظَاهَرَتِ الْمِنَنُ حَتَّى اعْتَرَفَ اَوْلِيَائُکَ بَالتَّقْصِيْر عَنْ حَقِّکَ وَاَظْهَرَتِ الْايَات حَتَّى اَفْصَحَتِ السَّموَاتُ وَالْاَرَضُوْنَ بأُولئِکَ وَقَهَرَتَ بِقُدْرَتِکَ حَتّى خَضَعَ کُلَّ شَيء لِعِزّتک وَعَنَتِ الْوُجَوه لِعَظْمَتِکَ اِذَا اَسَاءَ عِبَادُکَ حَلَمْتَ وَاَمْهَلْتَ وَاِنْ اَحْسَنُوا تَفَضَّلتَ وَقَبلتَ وَاِنْ عَصَوْا سَتَرْتَ وانْ اَذْنَبُوا عَفَوْتَ وَغَفَرْتَ وَاِذَا دَعوْنَا اَجَبْتَ وَاِذَا نَادَيْنَا سَمِعْتَ وَاِذَا اَقْبَلنَا اِلَيْکَ قَرُبْتَ وَاِذَا وَلَّيْنَا عَنْکَ دَعَوْتَ.

اِلهُنَا اِنَّکَ قُلْتَ فَی کِتَابِکَ الْمُبِيْن لِمُحمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّيْنَ قُلْ لِلذِيْنَ کَفَرُوا اِنْ يَنْتَهُوا يَغْفِرْ لَهُمْ مَّا قَدْ سَلَفَ فَارْضَاکَ عَنْهُمُ الْاِقْرَار بِکَلِمَه التَّوْحِيْدِ بَعْدَ الجُحُودُ وَاِنَّا نَشْهَدُ لَکَ بالتَّوحِيْدِ مُخْتَبِيْنَ وَلِمُحمَّدٍ بالرّسَالَه مُخلِصِيْنَ

فَاغْفِرْلنا بِهذِهِ الشَّهَادَهِ سَوالِفَ الاجْرام ولَا تَجْعَلْ حَظَّنَا فِيْهِ اَنْقَصَ مِنْ حَظٍّ مَنْ دَخَلَ فى الاِسْلَامِ

اَلهَنَا اِنّکَ اَجَبْتَ التَّقرُّبَ اِلیک بعِتْقِ مَا مَلَکَتْ اَیْمَانُنا ونَحنُ عَبیْدُک واَنْتَ اَوْلی بِالتَّفُّضلِ فَاعْتَقْنَا واِنَّکَ اَمَرْتَنَا اَنْ نَتَصَدَّقَ عَلی فُقَرَائنَا وَنَحنُ فُقَرَائکَ واَنْتَ اَحَقُّ بِالتطول فَتَصَدَّقْ عَلَیْنا وَوصَّیْنَا بالعَفْو عَمَّنْ ظَلَمَنَا وَقَدْ ظَلَمْنا اَنفُسَنا واَنْتَ اَحَقُّ بِالکَرَمِ فَاعْفُ عَنَّا رَبَّنَا اغْفِرْلَنَا وَارْحَمْنَا اَنْتَ مَوْلَانَا رَبَّنَا اتِنَا الخ

دعای حضر را بسیار بخواندا ین است

یَا مَن لَا یُشغِلُه شَأنٌ عَن شأی وَ لَا سَمعٌ عَن سَمعٍ وَلَا تُشبِهُ عَلَیهِ الاَصواتُ یَا مَن لَا تُغلط المَسَائل وَلَا تَختَلِفُ عَلَیهِ اللُّغَات یا مَن لَا یُبرمُه اِلحاحُ المُلحیّن وَ لَا تَضجرُه مَسئَلَةُ السّائلینَ اَذِقنَا بَردَ عَفوِکَ وَ حَلَاوَةَ رَحمَتِکَ.

دُعاء رسیدن بمزدلفه

اَللّهمَّ انَّ هذه مُزدَلِفَةَ جَمَعت فیهَا سنّةَ مُختلِفَةَ نَسأ لُکَ حَوَائجِ مُؤتَنَفة فَاجعَلنِی مِمَّن دَعَاکَ فَاستَجَبتَ لَهُ وَ تَوکّلَ عَلَیکَ فَکَفَیتهُ.

دُعاء مشعرالحرام

اللّهُمَ بِحقّ المَشعَرِ الحَرام وَ البَیت الحَرام وَ الشَهر الحرَام وَ الرکُنِ وَ المَقام ابَلغ روح مُحمُّد مِنّا التَحیّة وَ السلام وَ اَدخِلنا دارالسَلَام یَا ذَالجَلال وَ الِاکرام .

دعا وقت رجم جمار

اللهُ اَکبَر عَلی طاعَةِ الرَّحمن وَ رَغم الشَیطان اللّهُمّ تَصدیِقنا بِکتابِک وَ اتباعاً بِسُنَةِ نَبیّک.

دعا وقت ذبح

بِسمِ اللهِ وَ اللهُ اکبَر اللّهمَّ مِنکَ وَ بِکَ و اِلَیک تَقبَّل مِنّی کَما تَقبَّلتَ مِن خَلیِلکَ اِبراهِیمَ وَ حَبِیبِکَ مُحَمَّدٍ ﷺ .

فصل در ادعیه وقت دخول مدینه طیبه و بعد آن

اولی تر کثرت درود است در هر حال دعا وقت افتادن نظر بر دیوار های مدینه منوره:بعد از درود این را بخواند:

اَللهّم هذا حَرمُ نَبِیک َو مَهبِطَ وحیک فامنُن عَلیَّ بِالدخُولِ فیه وَ اجعَلهُ وَقایةً لی منَ النارِ وَ اماناً مِن العذابِ وَ اجعَلنی مِن الفائزیَن بِشفاعَةٔ المُصطفی یَوم المَأب

دعا وقت دخول

بِسمِ اللهِ وَعَلی مِلَةٔ رَسُولُ اللهُ ربِّ اَدخِلنی صِدقٍ وَ اخرجنی مُخَرجَ صدقٍ وَ اَجعل لی مِن لَدنکَ سُلطاناً نصیراً اللّهمَ صَلِّ عَلی مُحمّد وَاغفّرلی ذنُوبی وَ افتَح لی ابوابَ رحمَتِک.

دعا وقت سلام

اَلسّلام عَلیکَ یَا رَسولَ اللهَ یَا امَینِ اللهَ اَلسّلام عَلیکَ یَا حَبیبَ اللهَ اَلسّلام عَلیکَ یَا صَفوَةَ اللهَ اَلسّلام عَلیکَ یَا خیرَةَ اللهِ اَلسّلام عَلیکَ یَا اَحمَد اَلسّلام عَلیکَ یَا مُحمدُّ اَلسّلام عَلیکَ یَا اَبالقاسِمِ اَلسّلام عَلیکَ یَا ماحی اَلسّلام عَلیکَ یَا عاقِب اَلسّلام عَلیکَ یَا حاشِرِ اَلسّلام عَلیکَ یَابَشیرَ اَلسّلام عَلیکَ یَا نَذیر اَلسّلام عَلیکَ یَا طاهِر اَلسّلام عَلیکَ یَا اَکرم وُلدَ آدم اَلسّلام عَلیکَ یَا سَیّد المُرسَلین اَلسّلام عَلیکَ یَا خاتَم النَبیّین اَلسّلام عَلیکَ یَا قائِد الخَیر اَلسّلام عَلیکَ یَا فاتِح البَّر اَلسّلام عَلیکَ یَا نَبّی الرَحمَةٔ اَلسّلام عَلیکَ یَا هادی اُلامَةٔ اَلسّلام عَلیکَ یَا

قائِد الغُّر المُحجَلیّن اَلسّلام عَلیکَ یَا شَفیع المُذنِبین اَلسّلام عَلیکَ یَا مُزَّمِّل اَلسّلام عَلیکَ یَا مُدّثُّر اَلسّلامُ عَلیکَ وَ علَی اُصولِکَ الطَیبینَ وَ اَهلِ بَیتِک الطّاهِرین اَلّذین إذهَب اللهُ عَنهم الرِجسَ وطَهّر هُم تَطهیرا اَلّسلامُ عَلیکَ وَ علی اصحابِکَ الطیبّین وَ علی اَزواجِکَ الطّاهرات امّهات الُمومنینَ جَزاکَ اللهُ عَنّا افضل مَا جَزی نَبّیا عَن قوَمه وَ رَسولاً عَن اُمَّتهُ وَ صَلّی عَلیک کَلّما ذِکرِک الذّاکِرون وَغَفل عَنک الغافِلون وَ صَلّی عَلیک فی الاولینَ وَ الاخِرینَ اَفضَل وَ اَکمَلَ و اَعلی وَ اجَلَّ وَ اَطیَب وَ اَطهَر مَا صَلّی عَلی اَحدَ مَن خَلقِه کَما استَنقُذنِا بک مِن الظَلاَلةَ وَ بصَرنا بِک مِن العَمایهٔ وَهَدائنا مِن الجَهالَهٔ اَشهَداَن لااِله اِلا اللهُ وَحدَه لا شَریکَ لَه و اَشهَد اَنّک عَبدَه ُو رَسوَلُه وَ اُمینَه وَ صَفِیی وَ خیرَته مِن خلق هُوَ اَشهَد اَنَّکَ قَد ادّیتَ اَلامَانَهٔ وَ بَلَّغَتَ اَلّرِسالهٔ وَ نَصحَتَ للاُمهٔ وَ اَوضَحَت الحُجَّهَٔ وَ جاهَدتّ ربَّک وَاقَمت الدَّین حتَّی اتاَک الیَقین فَصلَّی اللهُ علیَک وَ علَی اهَل بَیتک الطّیّبین وَ سلّم وَ شرّف وَ کرّم وَ عظّم وَ عَلی اشَرفَ مَکان تشَرُّف بِحلُول جِسمِک الکَریم فیه صلوَهٔ وَ سلاماً مادائمینَ مِن رَبِّ العلمَینَ عَدد مَا کَان وَ عدَد مَا یَکونش بعِلم الله صَلوَهٔ لا انقِضاءِ لامَدّها یَا رَسوُل اللهَ نحنُ وَ فَداک و زَوّار حَرمِک تَشرٌّفَنا بِالحُلول بَین یَدیک وَ قدَ جِئناک مِن بِلاد شاسعهٔ و امکنهٔ بِعیدَهٔ نَقطَعُ السَّهل والوَعر بِقصد زیارتک لِنفُورِ بشفاعَتکَ وَ النَظُّر اِلی مَا ثَرک وَ مَعاهِدک وَ القیامَ بِقضاءِ بَعض حَقِّک وَ الاستشفاعَ بِکَ اِلی ربّنا فَانَّ الخَطایا قَد قَصّمَتَ ظهورِنا و الاوزَارَ قَد اثَقلَت کواَهِلنَا وَ انَت اشّفع المُشَّفِع المُوعُود بِالشّفاعَهٔ العُظمی وَالمَقامَ المَحمُود وَ الوَسیلهَٔ وَ قَد قَال اللهُ تَعالی وَ

لَو اَنّهُم اِذظَلموا اَنفسهم جاءوُک فاستَغفرَوا اللهَ وَ استَغفِر لَهُم الرَّسوُل لَوجَدُوا اللهَ توّاباً رّحيماً و قَد جِئناکَ ظالُمين لِانفِسنا مستُغفَرِين لِذنوبِنا فَاشفَع لَنَا اِلى رَبِّک وَ اَسأله اَن يَميتُنا عَلى سُنَّتُک وَ انَ يَّحشُرنا فى زُمرَتُکَ وَ اِن يَّورِدُنا حَوضُکَ وِ اِن يَّسيقُنا بِکأسک غير خَزايا وَ لِا ندامَى الشّفاعَةَ الشّفاعةَ الشّفاعةَ ياَ رَسوُل اللهَ رَبّنا اغِفرلَنا وَ لاِخوانِنا اَلذينَ سَبَقُونا بِالايمانَ وَ لا تَجْعَل فى قُلوبِنا غَلا لِلذيّنَ امَنوا رَبَّنا اِنّکَ رَئوفٌ رَحيم.

بعد از آن بر منبر صدّيق رفته اين را بخواند:

اَلسّلام عَليکَ يَا خَليفَةَ رسُولِ الله ﷺ اَلسّلام عَليکَ يَا صَاحِبَ رَسوُلِ الله وَ اَنيسِهِ فى الغارِ وَ رِفيقه فى الاسفارِ و امينهِ على الاَسرار جِزاکَ اللهَ عَنّا افضلَ مَا جَزى اماماً عَن اُمّتِهِ نَبيِّه فَلقَد خلَفته بِاحسنِ خَلَف وَ سَلکت طَريقَه وَ مِنْهاجَه خَيرَ مَسلَکٍ و َقاتَلتَ اهلَ الرَّدة و البِدعِ وَ مَهّدتَّ اِلاسلامَ وَ شيَّدتَّ ارکانُهُ فکَنُتَ خَيرُ اِمامٍ وَ صَلتَ الارحامَ وَ لَم تَزَل قائماً بِالحقِّ ناصراً لِلدِينِ وَ لِاهِلهِ حَتّى اَتاکَ اليَقينَ سَلَ اللهُ سبُحانهُ لَنا دَوام حُبُّکَ وَ الحَشرَ مَعَ حِزبکَ وَ قَبُولِ زيارِتنا. اَلسّلامُ عَلَيکَ وَ رَحَمةُ اللهِ وَ بَرکاتُهُ

بعد آن بر سر فاروق آمده اين دعا بخواند:

اَلسّلام عَليکَ يَا اَميرَالمُومنين اَلسّلام عَليکَ يَا مَظهَرالاِسلامِ اَلسّلام عَليکَ يَا مُکَسِّرالَاصنام جَزاکَ اللهُ عَنَّا اَفضَل الجَزاءلَقدَ نَصرُت اِلاسلامَ وَ المُسلِمينَ وَ فَتحتُ مُعظِّمُ البَلِدانِ بعَدَ سَيّد المُرسَلين وَ کفَلّتَ اَلَايتام وَ وَصلتَ الاَرحامَ وَ قوى بِکَ اِلاسلامُ وَ کنُتَ لِلمُسلِمينَ

اَمّاماً مَرضیّاً وَ هادیّاً مُهدیّاً جَمَعت شِملَهُم وَ اعنَتَ فَقیرَهُم وَ جَبَرتَ کَسیرَهُم اَلسّلامُ عَلَیکَ وَ رَحمَةُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ

پس سلام بر هر دو گوید

اَلسِّلامُ عَلَیکُما یَا ضَجیعی رَسولُ الله ﷺ وَ رَفیقَیه وَ وَزیرَیه وَمُشیریه وَ المُعاوِنینَ لَهُ عَلی القیامِ بِالدیّن وَالقائِمینَ بَعدَهُ بِمَصالِحِ المُسلِمینَ جَزاکُما اللهُ عنّا اَحسَنَ اَلجَزاءِ جِئنا کُما نَتوَسّلُ بِکُما اِلی رَسُولِ الله ﷺ یَشفعُ لَنا وَ یَسأَلُ اللهُ رَبّنا انَ یّتقبّلُ سَعینَا وَ یحَیینا عَلی مِلَّهٔ وَ یَمیتُنا عَلیها وَ یَحشُرنا فی زُمرَتِهِ .

پس بر سر نبی آمده این دعا بخواند:

اَللِّهمَ اِنّکَ قُلتَ وَ قَولُکَ الحَقُّ وَ لَو اَنَّهُم اِذظَّلَمُوا اَنفُسَهُم جَاؤوکَ فَاستَغفَروا اللهَ وَ استَغفَرلَهم الَّرسُّولُ لَوَجَدُوا الله تَوّاباً رّحیماً وَ قَد جَئنَاکَ سامِعینَ قَولُکَ طَائِعینَ اَمرکَ مُشفِقِینَ بِنبیِّک اِلَیکَ اللّهُم رَبّنَاَ اغفِرلَنَا وَ لِابائَنَا وَ امّهاتِنا وَاخوانِنا الذّینَ سَبقونا بِالایمانِ رَبَّنَا اتِنا سُبحَانَ رَبَّکَ رَبِّ العِزّهٔ .

سلام بر احد یین

سَلاَمٌ عَلیَکم بِما صَبَرتُ فَنِعمَ عُقبیَ الدَّارُ.

دعا در مسجد قبا

یَا صَریخَ المُستَصرِخینَ یَا غِیاثَ المُستَغیثینَ یا مُفَرِّجَ کَربِ المَکروبِینَ یَا مُجِیبَ دَعوَهَٔ المُضطَرّینَ صَلِّی عَلی سَیِّدِنَا مُحَمَّد وَ آلِه وَ اَکشفُ کُربی و حُزنِی کَما کَشَفتَ عَن رَسُولِکَ حُزنَه وَ کُربَه فِی هذَا المَقامِ یَا حَنّانُ یَا مَنَّانُ یَا کَثیرالمَعرُوفِ وَ اِلاحسَانِ یَا دائِمَ النِّعَمِ

يَا اَرحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ صَلَّى اللهُ علَى سَيِّدنا مُحمَّد وَ عَلَى الِه وَ صَحبِهِ وَسَلّم تَسلِيماً دائِماً اَبَداً يَا رَبَّ العالِمينَ. آمين

ضمیمه احکام حج زاد الحقیر در طبع دوم

مسائل متفرقه

مسئله ۱: دو رکعت احرام را سر پوشیده بخواند ودر رکعت اولی قل ایها الکافرون دوررکعت دوم سوره اخلاص بخواند وبعد نماز نماز رخ بقبله نشسته سر را برهنه کرده نیت کرده لبیک گوید بعد از آن تا احرام باقی است سر را نپوشد نه در نماز ونه در خارج آن.

مسئله ۲: نیت بهر زبان جائز است اگر عربی داند یا داند بعد از نیت سه بار بتکرار وآواز بلند لبیک گوید

مسئله ۳: ووقت خواندن لبیک سلام وکلام نکند وبعد از ان درود شریف خوانده وهر دعا که خواهد بکند واین دعا مستحب است اللهم انی اسئلک رضاک والجنه واعوذ بک من غضبک والنلر

مسئله ۴: همراه نیت لبیک گفتن هم شرط است بغیر لبّیک احرام منعقد نمیگردد واگر ذکری دیگر غیر لبیک درین وقت گفت هم شرط دیده شد وتکرار لبیک مسنون است وهر بار که شروع کند کند تکرار آن تا سه بار مسحب است.

مسئله ۵: لبیک به دل گفتن کفایت نمیکند بلکه به زبان خواندن شرط است.

مسئله ۶: عمره کنند به اول استلام حجرالاسود لبیک را بند کند.

مسئله ۷: اگر کسی لبیک را نداند لااله الا الله الحمد الله اکبر را بخواند وبجای او تکرار کند.

مسئله ۸: بعد از اشواط طواف هر جا ودر نماز اضطباع کردن وشانه را برهنه کردن مکروه است .

مسئله ۹: احرام را بالا پیچ دادن وکمربند بر دورۀ آن بستن مکروه است.

مسئله ۱۰: در حالت احرام کُشتن مار وکژدم وپشته وزنبور ومنگر ودوزغ وموزیها جائز است.

مسئله ۱۱: غیر از سر ورُوگردن وگوش دیگر بدن را در حالت احرام پوشیدن جائز است.

مسئله ۱۲: وقت گرمی سخت وباران استعمال چتر جائز است.

مسئله ۱۳: مرکب دریایی وقتیکه بر کناره دریا ننگر کرده است دران جواز نماز مختلف فیه است پیاده شده نماز کند واگرنگذاشتند دران نماز کند وبعد روانه شدن اعاده کند وبر دیگران سختی نکند که جواز آن مختلف فیه است

مسئله ۱۴: در هواپیما وقت استقرار بر زمین نماز جائز است ودر پرواز اگر خوف قضا باشد ادا کند وبعد نزول اعاده کند استجاباً نی وجوباً.

مسئله ۱۵: در مسجد از خرید زمزم احتیاط کند .مسئله ۱۲: در حالت احرام حجرالاسود را در دست نرساند وبوسه ندهد چرا که او آلود به خوشبوئی است.

مسئله ۱۷: در میان طواف با نتظار بوسه حجر الاسود نه ایستد چرا که در عین طواف یا در خاتمه آن انتظار جائز است.

مسئله ۱۸: وقت بوسه دادن حجر اسود حلقه نقره را دست نرساند.

مسئله ۱۹: در حالت از دحام که خوف رسیدن ضرر بخود یا مال خود یا غیر یا ایصال زن باشد تعرض به بوسه دادن حجر اسود روانیست وزن را درین حالت بوسه دادن حجر حرام است.

مسئله ۲۰: در طواف از بیت اینقدر نزدیک نباشد که کدام حصه حجم او ب بنیاد واسا بیت بگذرد.

مسئله ۲۱: در طواف رکن یمانی را بوسه ندهد وسینه هم بطرف او بگرداند وروبرو اگر هر دو دست یا دست راست را برساند خوب است تنها چپ را نرساند اشاره کند.

مسئله ۲۲: زنان را در ازدحام مردان که انفصال اجسام باشد طواف حرامست.

مسئله ۲۳: زنان را نماز از حرمین در خانه وخیمه خود افضل است .

مسئله ۲۴: در مکه مکرمه برای آفاتی طواف از دیگر نوافل افضل است.

مسئله ۲۵: کثرت طواف از کثر عمره تنعیم افضل است مگر وقت مدت اشتغال عمره بیشتر باشد.

مسئله ۲۶: اقتدا زنان بامام حرمین بقول را حج صحیح نیست چرا که نیت امامت او نها را نمیکنند.

مسئله ۲۷: در عرفات ومزدلفه ومنی پشت امام حرم اقتدا نکند چرا که او قصر میکند بغیر سفر شرعی.

مسئله ۲۸: بر زن بنفس خود رم واجب است اگر دیگر یرا فرمود دم بر او واجب است.

مسئله ۲۹: جمار را چنان سنگ زند که در محوطه آنها به یفتد واگر بیرون محوطه افتاد روانیست دوباره زند.

مسئله ۳۰: هر که در مکه مکرمه ۱۵ روز قبل هشتم ذوالحج ماند او مقیم است بر اوقربانی واجب است.

مسئله۳۱: شروع طواف از غیر حجر اسود حرامست.

مسئله ۳۲: سوای حجر اسود ودهلیز بیت دیگر تمام جوانب را بوسه دادن ممنوعست.

مسئله ۳۲: در عین طواف روبه بیت الله کردن ممنوع است.

مسئله ۳۳:در طواف عمره اضطباع کند چرا که بعد آن سعی بین صفا ومروه واجب است.

مسئله ۳۴: بعد تکمیل هفت شوط قبل ادای دورکعت دیگر طواف شروع کردن مکروهست مگر اوقات مکروه.

مسئله ۳۵: وقت اقامت نماز وخواندن خطبه جمعه طواف شروع کردن مکروه است.

مسئله ۳۶: اگر مفرد یا قارن جلوتر از ظواف قدوم کدام طواف نفلی غیر از نیت این دو کرد هم اینها ادا می شوند احتیاج نیت ندارد.

مسئله ۳۷: برای مفرد سعی بعد طواف زیارت افضل است وبرای قارن در طواف قدوم افضل است.

مسئله ۳۸: بعد هر طواف فرض باشد یا نفل دو رکعت واجب است اما در اوقات مکروه نه کند اگر اعاده کند.

مسئله ۳۹: رکعتین طواف بعد عصر را در میان فرض وسنت مغرب ادا کند.

مسئله ۴۰: رکعتین طواف را اگر ادا نکرد بر گردن او تمام عمر وواجب میمانند .

مسئله ۴۱: وضو وغسل به آب زمزم خوب نیست مگر آنکه بدنش پاک باشد وبحصول بترک وضو وغسل کند استجابه به آن مکروهست

مسئله ۴۲: بعد رکعتین طواف رفته زمزم بنوشد بهتر است

مسئله ۴۳: بردن آب زمزم بسوی غات وتبرک مستحب اس

مسئله ۴۴: ثواب سعی برابر آزاد کردن هفتاد برده است.

مسئله ۴۵: قبل از سعی استلام حجر اسود سنت است.

مسئله ۴۶: چهار شوط سعی فرض اند باقی سنت اند .

مسئله ۴۷: اگر در سعی شک افتاد کمتر را اعتبار کرده تمام کند

مسئله ۴۸: اکر در میان سعی وطواف نماز فرض یا جنازه شروع شد اقتدا کرده بعد آن باقی را تمام کند.

مسئله ۴۹: شرائط دم قران مثل شرائط قربانی اند.

مسئله ۵۰: وقت وقوف قیام مستحب است

مسئله ۵۱: بدست راست رمی کردن ودست را بلند کردن مستحب است .

مسئله ۵۲: هر که نماز ایستاده نمی تواند وبجای رمی رفتن نمی تواند معذور است ودیگری را بفرماید که به اور می کند.

مسئله ۵۳: مقاماتی که حضور اکرم ﷺ در حرم نماز خوانده است :

١- اندرون کعبه.
٢- پشت مقام ابراهیم.
٣- مقابل حجر اسود.
٤- در مطاف (قریب رکن عراقی متصل در کعبه که مقامک امامت جبریل است مقابل در بیت الله).
٥- در حطیم وخصوصا تحت المیزاب.
٦- میان رکن یمانی وحجر اسود.
٧- نزدیک رکن شامی.
٨- نزد رکن یمانی که مصلی آدم علیه السلام است.

مسئله ۵۴: مقاماتی که دعا قبول می گردد این اند:

١- در طواف.
٢- در ملتزم.
٣- زیر میزاب رحمت.
٤- اندرون بیت الله.
٥- نزد چاه زمزم.
٦- در مقام ابراهیم.

٧- بر صفا ومروه.

٨- وقت مسعی.

٩- در عرفات.

١٠-مزدلفه.

١١-در مسجد خيف.

١٢-وقت رمی.

١٣-وقت افتادن نظر بر بيت.

١٤-در حطيم.

١٥-ميان حجر وركن.

١٦-در مستجار ميان ركن وشانمی كه مقام در بيت اول بوده اس .

١٧- مقابل باب بيت

مسئله ٥٥: مقاماتی كه قابل زيارت اند در مكه مكرمه ونزد ائ اين اند:

١- مكان خديجه الكبری رضی الله عنها.

٢- مولد النبی صلی الله عليه وآله وسلم .

٣- خانه صديق اكبر رضی الله عنه .

٤- مولد علی رضی الله عنه .

٥- جنت المعلی.

٦- دارِ ارقم ولی هنوز نيست.

٧- غار حرا.

٨- غار ثور.

۹- جبل ابو قیس.

۱۰-غار مرسلات.

۱۱-مسجدالجن.

۱۲-مسجد الرایه.

۱۳-مسجد الشجره.

١٤-مسجد بلال.

١٥-مسجد تنعیم.

١٦-مسجد جعرانه.

۱۷-مسجد عقبه.

۱۸-مسجد خیف.

۱۹-مسجد کبش.

۲۰-مسجد نمره.

۲۱-مسجد مزدلفه.

۲۲- مسجد الضب.

۲۳-مسجد خالد

مسئله ۵۶: در تمام سال این پنج روز عمره مکروهست وبس نهم ودهم وویازدهم ودوازدهم وسیزدهم ذوالحج وباقی در تمام سال جائز است .

مسئله ۵۷: از همه اوقات رمضان مبارک برای عمره بهتر است چرا که در حدیث است که عمره در رمضان برابر حجستت همراه من وکسانیکه در مکه مکرمه بتکرار در تنعیم رفته عمره میکننند هم همین فضیلت را جمع میکنند.

مسئله ۵۸: آفاتی که درمکه رسید حکم مکی دارد واگر مکه مکرمه بهر طرف از حلّ بیرون رفته رود مثل جده وغیره پس بعد عود به مکه مکرمه احرام جدید او را ضرورت نیست.

مسئله ۵۹: چون هفت شوط را تمام کرد اول در ملتزم رود ودعا کند بعد آن خلف مقام رفته دو رکعت ادا کند وبعد ان بر زمزم رود وبنوشدمگر در طواف وداع که اول در مقام برود ووداع کند.

مسئله ۶۰: در اوقات مکروه دو رکعت طواف مکروه اند اگر ادا کرد جائز است ولی واجب الاعاده است. اوقات مکروه هشت اند که در سه از آنها دو رکعت مکروه تحریمی اند باتفاق ودر پنج دیگر بقبولی تنزیهی اند لهذا اگر شخصی میخواهد بعد طواف وداع که در اوقات مکروه کرده است از مکه برود تا هم اونجا اگر چه شرف مقام ومکان هست ولی بعد بیرون رفتن در غیر اوقات مکروه نماز افضل تر است واگر کرد واجب الاعاده است واوقات این اند وقت طلوع آفتاب ووقت التوأ آن ووقت غروب آن این سه اول اند چهارم بعد طلوع فجر تا طلوع آفتاب پنجم بعد نماز عصر تا وقت زردی آفتاب ششم بعد غروب تا نماز مغرب هفتم وقت خطبه هر خطبه که باشد هشتم وقت شروع امام در فرائض

مسئله ۶۲: در عرفات ودیگر جایها دعا باجتماع بهتر است مگر آنکه در صورت انفراد حضور وجمعی بیشتر رودهد پس تنها بهتر است .

مسئله ۶۳: تقدیم ذبح بر حلق در حققارن ومتمتع واجب است ودر حق مفرد مستحب است چرا که در حق او خود ذبح مستحب است.

مسئله ۶۴: بقولی طواف در جمع افضل است ونزد بعضی بخلوه افضل است.

مسئله ۶۵:در شدت گرمی وبر سر باران طواف تفضل است .

مسئله ۶۶:عمره بر سر صاحب استطاعت سنت موکده است وبقولسی واجب است ودراو طواف وداع وجوباً نیست ونزد بعضی هست.

مسئله ۶۷: بنای بیت الحرام به مرور ایام یازده بار واقع شده است اول بنا ء فرشتگان دوم بناءآدم علیه السلام سوم بناء شیث بن آدم علیهاالسلام چهارم بناء خلیل علیه السلام پنجم بناء عمالقه ششم بناء جرهم هفتم بناء قصیّ بن کلاب هشتم بناء ابن زبیر رضای الله عنهما. دهم بنا ء حجاج بن یوسف یازدهم بناء سلطان مراد خان ابن سلطان احمد خان ترکی در سنه ١٠٤٠ واین بنا موجود همین اخیر است.

مسئله ۶۸: وقت دخول از باب السلام چون دعا می خواند رفع یدین هم درین دعا ثابت است بلکه در فتح القدیر سنت نوشته است.

مسئله ۶۹: در حرم مکه جلو نمازی گذشتن رواست نه در حرم مدینه البته حرج مخفف است .

مسئله ۷۰: در طواف نقل نه اضطباع هس ونه رمل ونه بعد دو گانه استلام حجر اسود موجود است.

مسئله ۷۱: رمی جمار بسنگ ناپاک مکروه است.

مسئله ۷۲: هر که بعد احرام بیهوش شد او را در مطاف برده از خود نیت کرده طواف کند همین یک طواف از هر دو کافی است.

مسئله ۷۳: در طواف زیارت رمل هست اما اضطباع نیست .

مسئله ۷۴: اگر عضوی بزرگ را خوشبوئی مالید اگر چه یک لمحه توقف کرد هم دم لازم میآید مثل ران دست رو وغیره واگر بر کدام حصۀ عضو بزرگ اگر چه حصه او باشد یا عضوی کوچک مثل گوش را خوشبو مالید دم نمی آید بلکه صدقه میآید .

مسئله ۷۵: اگر کسی بر کنار چادر یا مندیل خود خوشبو بست وآن بسیار است بر او دم لازم میگرددد واگر کم است صدقه او را لازم میگردد.

چند مسائل مدینه طیبه :

مسئله ۱: زیارت سیدالمرسلین ﷺ از بزرگترین عباداتست واز موکد ترین سنن است وبعضی بوجوب آن قائل اند.

مسئله ۲: وبرای زنان هم زیارت سیدالعالمین ﷺ مستحب است.

مسئله ۳: در حج نفل تقدیم زیارت اولی تر است .

مسئله ۴: دخول مسجد النبی ﷺ از باب جبریل افضل است.

مسئله ۵: اول مرحله از پشت حجره بر وضته من الریاض الجنت برود ودو رکعت کند تحیه المسجد که در اول سوره کافرون ودر دوم اخلاص بخواند بعد آن خوب توبه کرده پس به سلام برود.

مسئله ۶: مقدار چهار گز ایستاده سلام کند بادب تام.

مسئله ۷: بعد از ان به صدیق وبعد از ان به فاروق رضی الله عنه سلام گوید پس در میان هردو ایستاده بهر دو سلام گوید

مسئله ۸: بعد از آن نزد مقصوره وحی رفته بفرشتگان سلام دهد ودعا کند اونجا وبعد بیاید به مواجه شریفه پس دعا خواند برفع یدین.

مسئله ۹: زیارت در همه اوقات جائز است.

مسئله ۱۰: درمدینه طیبه از همه نوافل درود افضل است وتلاوت قرآن مقدسه.

مسئله ۱۱: حدروضۀ مقدس طولاً از دیوار حجرۀ شریفه تا منبر مبارک است وعرض او از جاتب قبله ظاهر است واز جانب شمالی گفته اند تا اسطوانه علی رض است وگفته اند تا اسطوانه وفود است وهمین را صواب گفته اند.

مسئله ۱۲: بنای مسجد گرامی قدر آنحضرت صلی الله علیه وآله وسلم تا این دو به نه اطوار از تغیر کلی وجزئی دوره کرده است بنای اول از حضور اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در اول سال هجری واقع شد وان وقت مسجد راسه در بود یکی بجانب شمالی دوم بجانب غربی که هنوز باب رحمتست ونام اولش باب عاتکه بود سوم باب جبریل شرقی که نام اولش باب عثمانی بود وآن وقت مساحت مسجد ۷۰ ذراع در

٦٠ بود دوم بنای صدیقی که عین اول بود کم بیشی در ان نه کردند سوم بنای فاروقی که در سنه ١٧ ه کرد ده گز بیجانب قبله که میان رواق عثمانی وروضۀ مقدسه الست ودرجانب شامی ٣٠ گز اضافه کرد واز جانب غربی مقدار دو اسطوانه که ٢٠ئگز میباشد که اسطوانه از منبر میگردد وشش دروازه اش درست کرد.

چهارم بنائی عثمانی در سنه ٢٩ واقع شده از جانب قبله بسیار زیاده کرد واز جانب غربی مقدار یک اسطوانه .

پنجم زیار عمر بن عبدالعزیز به امر ولید بن عبدالملک که در جانب غربی مقدار دو اسطوانه واز جانب شرقی خانهائی ازواج مطهرات را هم داخل مسجد کرد مقدار چهار اسطوانه ودر جانب شامی ١٣ اسطوانه ومسجد را بیست دروازه کرد این واقعه در سنه ٨٨ وفارغ شد در سنه ٩١.

ششم زیارت مهدی پدرهارون در سنه ١٦١ از جانب شامی مقداد واسطوانه که صد گز می شود وفراغ از ان واقع شد در سنه ١٦٥ ودرسنه٦٥٤ شب جمعه اول رمضان مبارک بسبب آتش چراغ تمام مسجدآتش گرفت مگر قبۀ در صحن مسجد بنا کرده بود او را ناصر الدین الله در سنه ٥٧٦ وبود در آن قبه مصحف عثمانی وچیز هائی دیگر.

هفتم پس تعمیر وبنا کرد آنرا مستعصم بالله عبدالله سنه ٦٥٥ وچیزی تجدیدات نورالدین علی مصری وظاهر بیبرس بند قداری کردند ودر سنه ٧٠٥ تجدید کرد سقف مسجد شرقی وغربی را

ملک الناصر محمد بن قلاوون وتجدید بعض عمارات را اشرف برسبا کرد ودر سنه ۸۳۱ وتجدید سقف روضه را ظاجقمق در سیزدهم رمضان سنه ۸٦٦ بوسیلهٔ برق صاعقه تمام مسجد را آتش گرفت فقط همان قبه بالا ماند وحجرهٔ شزیفه پس تعمیر کرد آنرا اشرف قایتبای بوسیلهٔ امیز سنقر الجمالی

ودر سنه ۹۸ چیزی تعمیر کرد سلطان سلیم دوم عثمانی ودر سنه ۱۲۳۳ سلطان محمود قبه شریفه را بنا کرد وبرنگ سبز ملون کرد او را در سنه ۱۲۵۵.

هشتم ودر سنه ۱۲٦۵ الی سنه ۱۲۷۷ سلطان عبدالمجید خان عثمانی تعمیر بزرگ مسجد گرامی را انجام داد این بنای حالی همان بنای سلطان مذکور است البته چیزی ازدیاد ات جانب شامی وغربی ومظلات بزرگ از شاهکار ملک عود واولاد او هستند. این بنای نهم گردید.

مسئله ۱۷: اسطوانها ئیکه متبرک اند ونماز خواندن نزد آنها موجب برکت است وقابل توجه اند در مسجد گرامی (۸) اند اسطوانه حنانه.

اسطوانهٔ عالیشه اسطوانهٔابوالبابه .اسطوانهٔ سریر اسطوانهٔ حرس اسطوانهٔ وفود اسطوانهٔ تهجد اسطوانهٔ جبریل علیه السلام که بر بالای هریک نام آن نوشته است.

اجمال : امتار مسجد نبوی ﷺ از اول روز تا ابتدای بنای ملک وآل او این است.

ابتدای ازدیادات وتعمیرات سعودی از سنه ۱۳۷ شروع شده تا امروز جاریست.

در زمان نبی ﷺ ۲۷۵ متر مربع بود.

زیاده خلیفهٔ دوم رضی الله عنه ۱۱۰۰.

زیاده خلیفه سوم رضی الله عنه ٤۹٦ .

زیاده خلیفه اموی عمزر بن عبدالعزیز با مرولید بن عبدالملک ۲۳٦۹متر مربع بود.

زیاده خلیفه العباسی المهدی ۲٤۵۰متر مربع بود.

زیاده ملک اشرف قایتبای ۱۲۰.

زیاده سلطان عبدالمجید خان ۱۲۹۳.

مساحه کلیه قبل از سعودی ۱۰۳۰۳.

توسعه سعودیه ۱۳۷۳تا٦۰۲٤.

توسعه کلیه تا ۱٦۳۲۷.

مسئله ۱۸: مساجد یکه قابل زیارت وکتبرک اند در مدینه منوره مسجد قبا که زیارت ودورکعت دران ثواب یکعمره دارد:

۱- مسجد الجمعه مصل قبا.
۲- مسجد فَضِیْح که در شرقی مسجد قباست.
۳- مسجد بنی قرنطیه.
٤- مسجد ام ابراهیم در طرف عالیه است.
۵- مسجد ظَفَر در جانب شرقی بقیع است.
٦- مسجد الاجابه که شامی بقیع است.
۷- مسجد فتح در کوه سلع.

۸- مسجد ابوبکر صدیق رضی الله عنه.

۹- مسجد عمرفاروق رضی الله عنه.

۱۰-مسجد علی المرتضی رضی الله عنه.

۱۱-مسجد سلمان فارسی رضی الله عنه. این همه یکجا متصل اند.

۱۲-مسجد قبلتین.

۱۳-مسجد سقیا.

۱٤-مسجد الرایه.

۱۵-مسجد قبیح در کنار کوه احد.

۱٦-مسجد مصلی عید.

۱۷-مسجد صدیق اکبر رضی الله عنه.

۱۸-مسجد فاروق اعظم رضی الله عنه.

۱۹-مسجد علی المرتضی رضی الله عنه.

۲۰-مسجد فاطمه.

مسئله۱۹: چاههای متبرک مدینه طیبه این اند[۱]:

۱- چاه اریس.

۲- چاه غرس.

۳- چاه بضاعه.

٤- چاه بصّته.

۵- بیرحا بیرعهن.

٦- بیر رومه یا بیر عثمان

---

۱ – از حیاه القلوب وارشاد اسلامی ومعین الحجاج ومراه الحرمین وزبده

وَاخِرُ دَعْوَانَا اَنِ الْحَمْدُلِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ وَصَلَّى اللهُ تَعَالٰى عَلٰى خَيْرِ خَلْقِهٖ مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهٖ وَصَحْبِهٖ اَجْمَعِيْنَ

فصل ۹

دعوه جامعه در هر وقت وهر جای برای امور دین ودنیا

اَلْحَمْدُلِلّٰهِ حَمْدًا كَثِيراً طَيِّباً مُبَارَكًا فِيْهِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِهٖ وَصَحْبِهٖ عَدَدَ مَا فِى جَمِيْعِ الْقُرْاٰنِ حَرْفًا حَرْفًا وَبِعَدَدِ كُلِّ حَرْفٍ اَلْفاً اَلْفًا اَللّٰهُمَّ اغْفِرْلَنَا ذُنُوبَنَا وَلِوَالِدَيْنَا وَالْاُسْتَاذِيْنَا وَلِمَشَائِخِنَا وَلِاَهْلِ بَيْتِنَا وَلِمَنْ لَهٗ حَقٌّ عَلَيْنَا وَلِمَنْ اَوْصَانَا بِالدُّعَاءِ وَلَاَصْبَابِنَا وَلِاَصْحَابِنَا وَلِجَمِيْعِ المُؤمِنِيْنَ وَالمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِيْنَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْاَحْيَاءِ مِنْهُم وَالاموَاتِ مِنْ اُمَّهِ مُحَمَّدٍ ﷺ اجْمَعِيْنَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِهٖ وَصَحبِهٖ صَلٰوةً تُنَجِّيْنَا بِهَا من جَمِيْعِ الاَهْوَالِ وَالاٰفَاتِ وَتَقْضِىْ لَنَا بِهَا جَمِيْعِ الحَاجَاتِ وَتُطَهِّرُنا بِهَا مِنْ جَمِيْعَ السَّيِاتِ وَتَرْفَعُنَا بِهَا عِنْدَكَ اَعلَى الدَّرَجات وَتُبَلِّغُنَا بِهَا اَقصَى الغَايَاتِ مِن جَمِيْعِ الخَيْرَاتِ فِى الحَيوهِ وَبَعْدَ المَمَاتِ اِنَّكَ عَلٰى كُل شَيءٍ قَدِيْرٌ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبُّنَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ خَلَقْتَنَا اَنَا عَبْدُكَ وَاَنَا عَلٰى عَهْدِكَ وَوعْدِكَ مَا اسْتَطَعْنَا وَنَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْنَا وَنَبُوءُ لَكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيْنَا وَنَبُوءُ بِذَنْبِنَا فَاغْفِرْلَنا ذُنُوبَنَا فَاِنَّه لَا يَغْفِرَ الذُّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْلِى وَلِوَالِدَىَّ وَارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِىْ صَغِيْرًا اَللهُمَّ اجْعَلْ عَاقِبَتِىْ وَعَاقِبَتَهُمَا خَيْرًا مِن الْاُوْلٰى وَاجْعَلْ خَاتِمَتَنا بِالْخَيْرِ اَللّٰهُمَّ افْعَلْ بِىْ وَبِهِمْ عَاجِلًا وَاجِلاً فِى الدِّيْن والدُّنيَا وَالْاٰخِرَه مَا اَنْتَ لَه اَهْلٌ وَلَا تَفْعَلْ بِنَا مَا نَحْنُ لَه بِاَهْلٍ اِنَّكَ غَفُوْرٌ حَلِيْمٌ جُوَّادٌ كَرِيْمٌ رَءُوفٌ رَحِيْمٌ

اَللّٰهُمَّ افْتَح لَنَا اَبْوَابَ العِنَايَاتِ واَلكَرَامَاتِ وَوَفِّقْنَا لِلطَّاعَاتِ وَالعِبَادَاتِ وَاحْفِظْنَا مِنَ الْافَاتِ وَالبَلِيَّاتِ وَبارِکْ لَنَا فِی الرِّزْقِ وَالْعُمْرِ وَالْحَسَنَاتِ يَا فَيّاضُ مِنَ الْجَمِيْعِ الْبَلَايَا وَالْاَمراضِ رَبنا اِتَنَا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً وَهَيِئْ لَنَا مِنْ اَمْرِنَا رَشَدًا اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی عِلْمًا نَافِعًا وَعَقْلًا كَامِلًا وَفَهمًا مُوَافقًا لِلْكِتَابِ وَالسُّنِّهِ وَعَمَلًا مَقْبُولا وَرِزْقًا حَلَالًا وَاسِعًا وَكَسَبا طَيِّباً وَقَلْباً خَاشِعاً وَفَضْلًا دَائِمًا وَايْمَانًا مُسْتَقِيْمًا

اَللّٰهُمَّ اصلِحْ لِی دِيْنِی الَّذِی هُوَ عَصْمَهُ اَمْرِی وَاصلِحْ لِیْ دُنْيَایَ الَّتِی فِيهَا مَعَاشِیْ وَاصلِحْ لِی اخِرَه الَّتِیْ فِيْهَا مَعَادِی وَاجْعَل الحَيَاه زِيَادَةً لِیْ فِیْ كُلَّ خَيْرٍ وَاجْعَلِ المَوْتَ رَاحَةً لِیْ مِن كُلِّ شرٍّ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ التُّقی والهُدی وَالعَفَافَ وَالغنَا اَللهُمَّ اهْدِنیْ وَسَدِّدْنِی اَللّٰهُمَّ اغفِرْلِی وَارْحَمْنِی وَاهْدِنَی وَعَافِنِی وَارْزُقنی اَللّٰهُمَّ رَبَّنا اتِنَا فِی الدُنْيَا حَسَنَةً وفِی الاخِرَهِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النّار رَبُّ اَعِنِّی وَلَا تُعَنِّ عَلَیَّ وَانْصُرْنی وَلا تَنْصُرنی عَلَیَّ وَامْكُرْلِیْ وَلَاتَمكُر عَلَیَّ وَاهْدِنِی وَيَسِّرِ الْهُدی لِیْ وَانْصُرْنِی عَلی مَنْ بَغی عَلَیَّ رَبِّ اجْعَلنِیْ لَکَ شَاكِرًا لَکَ ذَاكِرًا لَکَ مِطْوَاعًا لَکَ رَاهِبًا لَکَ مُخْبِتًا اِلِيْک اَوَّاهًا مُنِيْبًا رَبِّ تَقَبَّلْ تَوْبَتِی وَاغْسِل حَوْبَتِی وَاَجِبْ دَعْوَتِی وَثَبِّتْ حُجَّتِی وَسَدِّدْلِسَانِیْ وَاهْدِقَلْبِیْ وَاسْلُلْ سَخِيْمَهَ صَدْرِیْ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی حُبَّکَ وحُبَّ مَنْ يَنْفَعُنِیْ حَبُّه عِنْدَکَ اَللهُمَّ ارْزُقنِیْ مِما اَحَبُّ فَاجْعَلهُ قُوَّةً لِیْ فِيْمَا تُحِبُّ اَللّٰهُمِّ مَا زَوَيْتَ عَنِّی مِمَّا اَحَبُّ فَاجْعَل فِرَاغَاتِیْ فِيْمَا تُحَبُّ اَللّٰهُمَّ اقْسِم لَنَا مِنْ خَشْيَتِکَ مَا تَحُولَ بِه بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعَاصِيْکَ وَمِنْ طَاعَتِکَ مَا تُبَلِّغُنَا بَه جَنّتَکَ وَمِنَ الْيَقِيْنِ مَا تَهَوِّنُ بِه عَلَيْنَا مُصِيْبَاتَ الدُّنْيَا اَللهُمَّ مَتِّعْنَا بِاسْمائِنَا وَابْصَارِنَا وَقُوَّتِنَا مَا اَحْيَيْتَنَا وَاجْعَلهُ الوَارِثَ مِنّا

وَاجْعَل ثَأرَنَا عَلی مَا ظَلَمَنَا وَانْصرُنَا عَلی مَنْ عَادَانَا وَلا تَجْعَل مُصِیْبَتَنَا فِی دِینِنَا وَلَا تَجْعَل الدُّنیَا اَکْبَرَ هَمِّنَا وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِنَا وَلَا تسلّط عَلَیْنَا مَنْ لَا یَرْحَمْنَا اَللهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ فِعْلَ الْخَیْرَاتِ وَترک المُنکَرَاتِ وَحُبَّ الْمَسَاکِیْنِ وَاِنْ تَغْفرْلی وتَرْحَمْنِیْ وَاِذَا فِتْنَهً فِی قَوْمٍ فَتَوفّنی غَیْرَ مَفْتُونٍ وَاَسْئَلُکَ حَبَّکَ وَحُبَّ حَبِیْبِک وحُبَّ حَبِیبِکَ یُحِبُّکَ وَحُبَّ عَمَلٍ یُقَرِّبُنی اِلی حُبِّک وَحُبِّ تِلَاوَهِ قُرْاٰنِکَ وَاشْغِلْنِیْ بَجمَالِکَ اَللّهُمَّ یَا مُصَرِّفَ القُلُوْب صرِّفْ قَلْبیْ عَلی طَاعتِکَ اَللّهُمَّ یَا مُقَلِّبَ القُلُوْبِ ثَبِّتْ قَلْبی عَلی دِینِکَ اَللّهُمَّ نَوِّر قَلْبِی بِعِلْمِکَ وَاسْتَعْمَل بَدَنی بطَاعَتُکَ اَللهُمَّ نَوِّر قَلْبی بِنُوْر مَعْرِفَتِکَ وَزَیِّن اَخْلَاقِیْ بِالقُرْاٰنِ اَللّهُمَّ اَلْفَنِی بَحلالِکَ عَنْ حَرَامِکَ وَبِطَاعَتِکَ عَنْ مَعْصِیَتِکَ وَبِفَظْلِکَ عَمَّنْ سِوَاکَ اَللّهُمَّ اجْعَل فِیْ قَلْبِیْ نُوْرًا وفی بَصَرِیْ نُوْرًا وفِی جَسَدِیْ نُوْرًا وَفِی مُخِّی نُوْرًا وَفِی عَظْمِی نُوْرًا وَفِی بُشْرَتِیْ نُوْرًا وَعَنْ یَمیْنی نُوْرًا وعَنْ شِمِاَلِیْ نُوْرًا وَمِنْ اِمَامِیْ نُوْرًا وَمِنْ خلفی نُوْرًا وَفِی تَحْتِی نُوْرًا وَعَنْ فَوْقِیْ نُوْرًا وَاجْعَلْنِی نُوْرًا وَاَعْطِنِی نُوْرًا وَارْزُقْنِی نُوْرًا اَللّهُمَّ اَسئِلُکَ رِضاکَ وَاتِّبَاعَ سُنَّهَ نَبِیکَ وَاَنْ اَدْخِلْنِی الجَنّهَ بِغَیْرِ حساب واَعُوذُ بِرَضَاکَ مِنْ سَخَطِکَ وَالزَّیْغ عَنْ سُنَّه نَبِیِّکَ وَمِنَ العَذَابِ عِنْدَ المَوْتِ وَفِیْمَا بَعْدَ المَوْتِ وَاَعُوذُ بِکَ مِنَ الفَضِیْحَه فِی الحَشْرِ وَاَعوْذ بِکَ مِنْ اَنْ یَمَسَّنِی النَّارُ اَللّهُمَّ اجْعَلْ حَیَاتِیْ مَصْرُوفًا فِی اَرْضَی العِبَادَاتِ عِنْدَکَ وَاجْعَلْ مَوْتِی عَلی اَقْرَبِ الحَالَاتِ مِنْکَ،

اَللّهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِکَ مِنْ جُهْدِ البَلَاءِ وَدَرْکِ الشِّقَاءِ وسُوءِالقَفَاءِ وشَمَاتهِ الْاَعْدَا ا اَللّهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِکَ مِنَ الهَمِّ وَالحُزْنِ وَالعِجْزِ وَالْکَسْلِ وَالجَبْرِ وَالبُخْلِ وَضلَعَ الدَّیْنِ وَغَلَبَه الرِّجَالِ اَللّهُمَّ اَنّی اَعُوذُ بِکَ مِنَ الکَسْلِ

وَالْهَرَم وَالمَأثَمِ وَالْمَغرَمِ اَللّٰهُمَّ اَنّی اَعُوذُ بِکَ مِنْ عَذاب النَّار ومِن فِتْنَه النَّارِ وَفِتْنِه القَبْر وَعَذَابِ القَبْرِ وَمِنْ شَرِّ فِتْنَه الغِنی وَمِنْ شَرِّ فِتْنَه الفَقْر وَمِنْ شر فِتْنَه المَسِيْح الدَّجَّال ومِنْ شرِّ فِتْنَه الْمَحْيَا وَالمَمَاتِ اَللّٰهُمَّ اغْسِلْ خَطَايَایَ بِمَا الثَّلْجِ وَالبَرَدِ وَنَقِّ قَلْبی کَمَا نَقَّيْتَ الثَّوْبَ الْاَبْيَضَ مِنَ الدَّنَسِ وَبَاعِدْ بَيْنِیْ وَبَيْن خَطَايَایَ کَمَا بَاعَدْتَ بَينَ المَشْرِقِ وَالْمَغرِبِ اَللّٰهُمَّ اتِ نَفْسِیْ تَقْوئهَا وَزَکّهَا اَنْتَ خَيْر مَنْ زَکّهَا اَنْتَ وَلِيُّها وَمَوْلَهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوذُ بِکَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعْ وَمِنْ قَلْب لَا يَخْشَعَ وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَع وَمِنْ دَعْوَهٍ لَا يُسْتَجَابُ لها اَللّٰهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِکَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتکَ وَتَحَوُّلِ عَافِيَتِکَ وَفَجْاءَ نَقْمَتِکَ وَجَمِيْعِ سَخَطِکَ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِکَ مِنَ الفَقْرِ وَالقِلَّهِ وَالذِّلَهِ وَاَعُوْذُ بِکَ مِنْ اَنْ اَظْلِمَ اَوْاُظْلَمَ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِکَ مِنْ فتنه الصَّدْر وَمِنْ شَرِّ سَمْعِی وَبَصَرِیْ وَمِنْ شَرِّ لِسَانِیْ وَ شَرِّ قَلْبِی وشَرِّ مَنِّی وَاَعُوْذُ بِکَ مِنْ اَنْ اُرَّدَ اِلی اَرْذَلِ العُمْرِ وَفِتْنَهِ الدُّنْيَا وسُوْءِالعُمْر وفِتْنَه الْمَحْيَا وَالمَمَاتِ اَللّٰهُمّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَ مِن الشِّقاقِ والنِفَاقِ وَسُوءِ الْاَخْلَاقِ وَاَعُوْذُ بِکَ مِنَ الْجُنُونِ وَالجذَامِ الْبَرَصِ ووَسَيِئ الاَسْقَامِ وَمِن عَيْنِ الاِنْسِ والجَانِّ وَمِنْ سُوءِ الكِبْرِ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَکَأبَه المَنْظَرِ وَسُوءِالمُنْقَلَبِ فِی الْمَالِ وَالْاَهْلِ وَاَعُوْذُ بِکَ مِنَ الحَوْر بَعْدَ الکَوْرِ وَمِنْ دَعوَهِ المَظْلُوْمِ وَجَارِ السُّوءِ وَاَعُوذَ بِکَ مِنْ شَرِّ مَا عَمِلتُ وَ منْ شَرّ مَا لَمْ اَعْمَلْ وَاَعُوْذَ بِکَ وَ مِنَ الخَسَفِ وَالتَرَدّی والهَدَمِ وَالْغَرِيْقِ وَالحَرِيق وَاَعُوْذُ بِکَ مِنْ اَنْ يَتَخَبَّنِی الشَّيْطَانُ عِنْدَ الْموْت وَا وَاَعُوْذُ بِکَ منْ اَنْ ان امئو فی سبيلک مدبرا وَاَعُوْذُ بِکَ منْ اَنْ اَمُوْتَ لَدِيْغاً وَاَعُوْذُ بِکَ من شَرِّ جَمِيْع مَا اسْتَعَاذَکَ مِنْهُ عَبْدُکَ وَنَبِيُّکَ مُحَمَّدٌ ﷺ وَاسئَلُکَ خَيْرَ

جَمِیع مَا سَاَلَکَ مِنْهُ عَبْدُکَ وَنبِیُّکَ مُحمّدٌ ﷺ .رَبَّنَا لَا تُوَاخِذْنا اِنْ نسینا اَوْ اَخْطَأنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَیْناَ اِصرًا کَمَا حَمَلْتَهُ عَلَی الّذِیْنَ مِنْ قبلنا رَبَّنَا ولا تُحمِّلْنَا مَا لَا طَاقَهَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْلَنَا وَارْحَمْنَا اَنْتَ مَولینَا فَانْصُرْنَا عَلَی القَوْمِ الکَافِرِیْنَ

رَبَّنَا لَاتُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَیْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَه اِنَّکَ اَنْتَ الوَهَّابُ رَبَّنَا ظَلَمْنَا اَنْفُسَنَا وَاِنْ لم تَغْفِرْ لَنَا وارْحَمْنَا لَنَکُونَنَّ مِنَ الْخاسِرِیْنَ رَبِّ اَعُوْذُ بِکَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّیَاطِیْن وَاَعُوذُ بِکَ رَبِّ اَنْ یَحْضُرُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ ازْوَاجِنَا وَذُرِّیّتِنَا قُرَهَ اَعْیُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلمُتَقِّیْنَ اِمَامًا رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ اِنَّ عَذَابَهَا کَانَ غَرَامًا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مِنَ الَّذِیْنَ ضَلَّ سَعْیُهُمْ فِی الحَیوهِ الدُّنْیا وَهُمْ یَحْسَبُوْنَ انَّهُمْ یُحْسِنُوْنَ صُنْعًا، رَبِّ انّی مَسَّنِیَ الضُّرُّ وَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِیْنَ ط رَبِّ لَا تَذَرْنِی ْ فَر ْداً وَّ اَنْتَ خَیْرُ الوَارِثِیْنَ ط لَآ اِلهَ الّا اَنْتَ سُبْحنکَ اِنّیْ کُنْتُ مِنَ الظّلِمِیْنَ ط رَبَّنا اَغْفِر لَنَا وَلِاخْوَاننا الَّذِیْنَ. سَبَقُونَا بالْاِیمَانِ وَ لَا تَجْعَل ْ فِیْ قُلوْبنَا غِلّاً لِلَّذیْنَ امَنُوْا رَبَّنآ اِنَّکَ رَءُوفٌ رَّحِیمً ط رَبَّنَا عَلَیْکَ تَوکَّلْنَا وَ اِلَیْکَ اَنَبْنَا وَ اِلَیْکَ الْمَصیرُ اَللّهُمَّ احْیِنَا مُسْلِمِیْنَ وَ تَوَفَّنَا مُسْلِمِیْنَ وَ اَلْحِقْنَا بالصَّالِحِیْنَ اَاللّهُمَّ حَبِّبْ اِلَیْنَا الکُفْرَ وَالفُسُوقَ وَالْعِصْیَانَ وَاجْعَلْنَا مِنَ الرَّاشِدِیْنَ المَهْدِیّیِیْنَ اَللّهُمَّ اِنکَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَفاعْفُ عَنَّا یَا غَفُورُ رَبَّنَآ اَفْرِغْ عَلَیْنَا صَبْراً وَثَبّتْ اَقْدامَنَا وَاْنصُرنَا عَلَی القَوْمِ الْکفِرِیْنَ اَللّهُمَّ اِنَّا نَجْعَلُکَ فِیْ نُحُورِهِمْ وَ نَعُوْذُبِکَ مِنْ شُرُورِهِمْ رَبِّ اجْعَلِنی مُقِیْمَ الصَّلوهَ و من ذُرِیَّتی رَبَّنا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءَ رَبَّنَا اغْفِرْلِیْ وَ لِوالِدَیَّ وَ لِلْمُومِنیْنَ وَالْمُومِنَاتِ یَوْمَ یَقومُ الْحِسَابُ ط

اَللّٰھُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّد وَّعَلٰی الِ مُحُمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ عَلٰی اِبْراھِیْمَ وَ عَلٰی اِبْراھِیْمَ وَ عَلٰی الِ اِبْرَاھِیْمَ اِنْکَ حَمِیْدٌ مَّجِیدٌ.

اَللّٰھُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُبِکَ مِنَ الشَّکِ والشِّرکِ وَالْکِذْبِ وَالبُھْتَانِ وَالْمَعَاصِیْ کُلِّھا وَ اَعُوذُبِکَ مِنْ اَنْ اُشْرِکَ بِکَ شَیْئًا وَ اَنَا اَعْلَمُ بِہ وَ اَسْتَغْفِرُکَ لِمَا لَا اَعْلَمُ بِہ اِنّکَ اَنْتَ عَلّامُ الْغُیُوبِ وَ سَتّارُالعُیُوبِ وَ غَفّارُالذّنُوبِ وَکَشَّافُ الْکُرُوبِ وَلَا حَولَ وَلَا قُوَّۃَ اِلّا باللہ العَلِیِّ العَظِیْم.

اَللّٰھُمَّ اغْفِرْ لِاُمَّہ مُحمَّدٍ ﷺ اَجْمَعِیْن وَتَجَاوَزْ عَنْ اُمَّتَہٗ وارحَمْ عَلٰی اُمّتِہ یَاغَفُورُ یَا رَحِیْمُ اَللھُمَّ اِنِّی اَسئَلُکَ العَفْوَ وَالعافِیَۃَ وَالْمُعَافَاۃُ الدَّائِمَۃَ فِی الدِّیْن وَالدُّنْیَا وَالْآخِرَۃِ اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیءٍ قَدِیْرٌ اَللھُمَّ اصلِحْ الرَّاعِیَ وَالرَّعِیَّہ اَللّٰھُمَّ اَللّٰھُمَّ انْصرُالْاِسْلامَ وَالْمُسلِمِیْنَ وَاخْذُلِ الْکَفَرَۃَ وَالْمُبْتَدِعَۃَ وَالمُشْرِکِیْنَ اَللّٰھُمَّ شَتِّتْ شَمْلَھُمْ اَللّٰھُمَّ مَزِّقْ جَمْعَھُمْ اَللّٰھُمَّ دَمِّر دِیَارَھُم وَ خَرِّبْ بُنْیَانَھُمْ اَللّٰھُمَّ انْصرُمَنْ نَصرَ دِیْنَ سَیَّدِنَا مُحمَّدٍ ﷺ وَاجْعَلْنَا مِنْھُمْ وَاخْذَلْ مَنْ خَذَلَ دِیْنَ مُحَمَّدٍ ﷺ وَاجْعَلْنَا مِنْھُمْ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَ دِیْنَ محمّدٍ ﷺ وَلاَ تَجْعَلْنَا مِنْھُمْ اَللّٰھُمَّ اجْعَلْ امِنَہ مُطمَئِنَّہ سَائِرَ بُلْدَان الْمُسْلِمِیْنَ عَامَّۃً وَاکْتُبِ الّٰھُمَّ السُتْرَ وَالسَّلَامَۃَ وَالعَافِیَہ عَلَیْنَا وَ عَلٰی عَبِیْدِکَ الحُجّاَج وَالغُزَاۃِ وَالمُسَافِرِیْنَ فِیُ برِّکَ وَ بَحُرِکَ مِنُ اُمَّہِ مُحَمَّدٍ ﷺ اَجْمَعِیْن اَللّٰھُمَّ اَرِنَا اَلْحَقَّ حَقًّاً وَّارْزُقْنَا اتّبَاعَ الحَقّ وَ اَرِنَا البَاطِلَ بَاطِلاً وَارْزُقْنَا اجْتِنَابَ البَاطِلِ اَللّٰھُمَّ وَفّقْنَا لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضی اَللّٰھُمَّ اَلھِمْنَا رُشْدَنا وَ اَعِذْنَا مِن شُرُوْرِ اَنْفُسِنَا اَللّٰھُمَّ صَغِّرِ الدُّنْیَا فِی اَعْیُنِنَا وَ عَظِّمُ ھَیْبَتَکَ وَ جَلاَلِکَ فِیْ قَلوبَنَا ط اَللّٰھُمَّ اجْعَلْ ھُمُومِیْ ھمّا واحدًا ھمّ الْآخِرہ وَاَلْفِنِیْ ھُمُوْم الدُّنْیَا اَللّٰھُمَّ ان کُنْتَ کَتَبْتَنَا مِنْ اَھْلِ الشَّقَاوَۃِ فَاکْتُبْنَا

بِجَاهِکَ من السَّاعِدِیْنَ اَللّٰهُمَّ هبْ لَنَا مِنْ عِنْدِکَ مَوْهَبَه عَظِیْمَةً اَللّٰهُمَّ بِبَابِکَ نَقِفْ فشلاً تَطْرُدنَا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِیْ مِنَ التَّوَّابِیْنَ وَاجْعَلنِیْ مِنَ المُتَطشهِّرِیینَ وَاجْعَلْنِی مِنْ عِبَادِکَ الصَّالِحِیْنَ اَلَّذِیْنَ لاَ خَوفٌ عَلَیْهِمْ وَلاَهُمْ یَحْزَنُون اَللّٰهُمَّ اشْفِنِی بِشفَائِکَ وَدَاوِنِی بِدَوَائِکَ وَاعْصِمْنِی مِنَ الاهْوَالِ وَالْاَمْرَاضِ وَالْاَوْجَاعِ الظَّاهِرِیَّه والبَاطِنِیَّهِ اَللّٰهُمَّ اهْدِنَا فِیْمَنْ هَدَیْتَ وَ عَافِنَا فِیْمَنْ عَافَیْتَ وَ تَوَلَّنَا فِیْمَنْ تَوَلَّیْتَ وَ بَارِکَ لَنَا فِیْمَا اَعْطَیْتَ وَ قِنَا بِجَاهِ نَبِیِّکَ شَرَّ مَا قَضَیْتَ فَاِنَّکَ تَقْضِیْ وَلاَ یُقْضی عَلَیْکَ فَاِنَّهُ لاَ یَعِزُّ مَنْ عَادَیْتَ وَلاَ یَذِلُّ مَنْ وَّالَیْتَ نَسْتَغْفِرُکَ وَ نَتُوْبُ اِلَیْکَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فی عَیْنِیَّ صَغِیْرًا وَ فِیْ اَعْیُنِ النَّاسِ کَبِیْرًا یَا حَیُّ یَا قَیومُ بِرَحْمَتِکَ اَسْتَغِیْثُ فَاَصْلِحْ لِیْ شَاَنِی کُلَّهُ وَلاَ تَکِلِنیْ اِلی نَفْسِیْ طُرفَهَ عَیْنٍ یَا عُدَّتِی عِنْدَ شِدَّتِی وَ یَاغَوْثِیْ عِنْدَ کُرْبَتِی احْرِسْنِیْ بِعَیْنِکَ الَّتِی لاَتَنَامُ وَاکنُفْنِی بِکُنْفِکَ الَّذِیْ لاَ یُرَامُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَعَلی الِ مُحَمَّدٍ اِنِّیْ اَسْتَغْفِرُکَ بِعَدَ دِالْقَطْرِ وَالْمَطَرِ وَوَرَقِ الشَّجَرِ وَنَبَاتِ الْاَرْضِ وَ اَنْفَاسِ الْخَلَائقِ وَ اَیَّامِ الدُّنْیَا وَالْاَرضِ وَالْآخِرَهِ یَا ذَالجَلَالِ وَالاِکْرَامِ یَا مَنْ لاَ یُشْغِلُهُ شَانٌ عَنْ شَانٍ وَلاَ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ وَلاَ تَشْتَبِهُ عَلَیْهِ اللُّغَاتُ یَا مَنْ لاَ یُبْرِمُهُ اِلْحَاحُ الْمُلِحِّیْنَ وَ لاَ تَضْجُرُه مَسْئَلَهُ السَّائِلِیْنَ اَذِقْنَا بَرْدَ عَفْوِکَ وَ حَلاَوَهَ رَحْمَتِکَ یَا قَاضِیَ الْحَاجَاتِ فَاقْضِ حَاجَاتِیْ فی الدِّیْنِ وَالدَّنْیا وَالْآخِرَهِ یَا مُحِلَّ المُشْکِلَاتِ

حَلِّ مُشْکِلَاتِی فی الدَّیْنِ وَالدُّنْیَا وَالْاخِرَهِ یَا کَافِی المُهِمَّاتِ اِلْفِنْی هَمِّی وَغَمِّی فی الدّیْنِ وَالدُّنیا وَالاخِرَه یَا دَافِعَ البَلِیَّاتِ اِدْفَعْ عَنَّا البَلَاءَ وَ الوَبَاءَ وَالقَحْطَ وَالمَرَضَ وَالْاَلَمَ یا مُجِیبَ الدَّعْوَاتِ اَجبْ دَعْوَاتِی فِی

الأُمُورِكُلِّهَا يَا رَفيْعَ الدَّرَجَاتِ اِرْفَعْ دَرَجَاتِیْ فی الدَّیْنِ وَالدُّنْیَا وَ الْاخِرَہِ.

اَللّٰهُمَّ استُرنیْ بِستْرِکَ الجَمِیْلِ فِی الدُّنیا وَالاخِرَہِ وَلَا تَفْضِحْنی یَومَ القِیامَہِ فِی حُضُوْرِ انْبیائِکَ وَاولیاَ ئِکَ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنا الصَّبْرَ وَالاستَقَامَہَ وَالْاخْلَاصَ فِی الْامُور کلها اَللّٰهُمَّ یَا خَفِیِّ اللُّطْفِ اَدْرِکْنِی بِلُطْفِکَ الْخَفِّی یَا غِیَاثَ کُلِّ صَرِیْخ وَمَکْرُوبِ وغیَاثه ومعاذه یَا رَحِیمُ اِلهی بِحُرمَہِ جَمیْعِ اسْمَائِکَ الحُسْنی وَبحُرمَہِ جَمیْعِ کُتُبِک المُنزَلَیْنَ وَمَلائِکَتِکَ المُقَرَّبِیْنَ وَرُسُلِکَ المُرْسَلیْنَ وبِحُرمَہِ عِبَادَک الصَّالِحِیْنَ وَ بِحُرمَہِ البَدْرِییِّنَ وَالْاُحُدیِّیْنَ وَصعَالِیْکِ المُهَاجِرِیْنَ وَبِحُرمَہِ اَصْحَابِ الْکَهفِ وَالرَّقیْمِ اَغْنِنِیْ وَلِوَالدیَّ غِنَی القَلْبِ وَاجْعَلْ خَاتِمَتَنَا بالخَیْرِ وارْزُقْنا العَدَالَه الکَامِلَہَ والسَمَاحَه لَلْکَامله والطّهارَہَ الکَامِلَه وَالخُضُوعَ الکَامِلَ

اَللّٰهُمِّ اغْفِرْ لِحَیِّنا وَمیِّتِنا وغَائِبنَا وَشَاهِدِنَا وَصَغِیْرِنَا وکَبِیْرِنَا وَذَکِرِنَا واُنثَانَا اَللهُمَّ مَنْ اَحْیَیْتَه مِنَّا فَاَحْیِه عَلَی الْاِسلَامِ وَمَنْ تَوَفَّیْتَه مِنَّا فَتوَفَّه مِنَّا فَتَوَفَّهْ عَلَی الْایْمَانِ.

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ هذِهِ الایَادِیْ مُتصِلَه ًبِحبْلِکَ المَنیْعِ الذی لَا یَنْقَطِعُ وَمُحْصَنَہً بِحِصنِکَ الَّذِیْ لَا یَنْصَدِعُ ویُثَّبِتُ الله ُ الُذِیْنَ امَنُوا بالقول الثَّابتِ فِی الدُّنْیا وَالْاخِرَہِ اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْنَا اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْنَا اَللّٰهُمَّ اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْنَا فِی الدُّنْیَا وَالاخِرَه اَللّٰهُمَّ اهْدِنَا الصِرَّاطَ المُسْتَقِیْمَ صِراَطَ الَّذِیْنَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِینَ وَالصِّدِّیْقِیْنَ وَالشّهَدَا والصَّالِحِیْنَ غَیْرِ المَغْضُوبِ عَلَیْهِمْ وَلَا الضَّالِینَ آمین آمین آمین

اَللّٰهُمِّ ارْزُقْنِیْ شَهَادَہً فِی سَبِیلِکَ وَاجْعَلْ قَبْرِیْ فِیْ جَوَار نَبَیِّکَ اَللّٰهُمِّ سَلَّطْتَ عَلَیْنَا شَیْطَانًا عَدُوٌ لَنَا بَصِیْرًا بَعُیُوبِنَا مُطّلِعًا عَلی عَوْرَاتِنَا یَرانَا

هُوَوَ وَقَبِيْلَه مِنْ حِيْثُ لَانَرَاهُمْ فَايِسْهُ مِنّا كَمَا ايَسْتَه مِنْ رَحْمَتِکَ وَقنِّطَّه مِنْ كَمَا قَنَّطَّه مِنْ عَفْوُکَ وَبَاعِدْ بَيِنَنَا وَبَيْنَه كَمَا بَاعَدْتَّ بَيْنَه وَبَيْنَ جَنّتِکَ اَللّهُمِّ رَبَّ كُلَّ شَىءٍ وَاِلهَ كُلَّ شَىءٍ وَوَلِىَّ كُلَّ شَىءٍ وَخَالِقَ كُلَّ شَىءٍ والْقادِرُ عَلى كُلِّ شَىءٍ والقَاهِر بِكُلَّ شَىءٍ اِغْفِرْلِى كُلَّ شَىءٍ وَهَبْ لِىْ كُلَّ شَىءٍ واَعْطِنِىْ كُلَّ شَىءٍ وَاقْضِ لِىْ وَلَاتَسْألنِىْ عَنْ كُلَّ شَىءٍ ولا تُحَاسِبْنى شَىءٍ.

اَللهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمّدٍ وَّعَلى الِه وَصَحْبِه وَسَلِّمْ اَللهُمَّ انْتَ مَقْصُودِى ومَحْبُوبىْ ورِضائُکَ مَطْلوبىْ تَركْت الدُّنْيَا والْاخِرَهِ لَکَ اتمم عَلى نِعْمَتِکَ وَارْزُقْنىْ وصولک التّامه اَللّهُمَّ حَرِّق قَلْبِىْ بِنارِ عِشْقِکَ وَاخْرُجْ مِنْ قَلبِىْ حُبَّ مَا سِوَاکَ.

جد بلطفک یاالهی مَنْ له زادٌ قَلِيْل

مفلسٌ بالصِّدق یاتی عند بابک یا جلیل

ذَنبُه ذَنْبُ عَظِيمُ فَاغِفِر الذّنْب العَظِيم

انه شخصٌ غريبٌ مُذنبٌ عَبدٌ ذليْل

الهی واقفی بر حال زارم — تو میدانی که جز تو کس ندارم

الهی کرده ام بسیار تقصیر — از ان حضرت بغایت شرمسارم

الهی بر غریب ایمان نگهدار — که اینست حاصل جان اعتبارم

دارم دلکی غمین بیامرزمپرس — دارم گنهی بس عظیم بیامرز مپرس

خدایا بعزت که خوارم مکن — بذلّ گنه شرمسارم مکن

مرا شرمساری ز روی تو بس — دگر شرسارم مکن پیش کس

سالها در بند عصیان مانده ام — همقرین نفس وشیطان مانده ام

بیگنه نگذشت بر من ساعتی — با حضور دل نکردم طاعتی

پادشاها جرم ما را در گذر — ما گنهکاریم وتو آموزگار

اندران دم کزبدن جانم بری — وز جهان بانو را یمانم بری

الهی از خود برهانم مرا بغیر خود مگذار الهی خیال ما سوایت از وجودم دور گردان الهی سوای از کوی تو بکوی که پویم الهی رازِ خود را بجز رزا بجز از تو بکه گویم الهی مقصود خود را بغیر از تو زکه جویم

هرآن که دشمن که باشد در پی ما

به تیغ قهر خود مغلوب گردان

الهی باده عشقت بنوشان

بتیغ عشق خود مارا فنا کن

الهی قطره فیض رحمت تو بس است شستن نامه سیاه من وهمه

الهی زبانی ده که شایان ذکر تو باشد وگوشی ده که شایان استماع کلام تو باشد وبینی ده که شایان نسیم تو باشد وچشمی ده که شایان دیدار تو باشد وسری ده که شایان سجده تو باشد وبدنی ده که شایان طاعت تو باشد ودلی ده که شایان محبت تو باشد.

الهِی اصْنَعْ بِنَا مَا انْتَ لَه اَهْلٌ وَلَا تَصْنَع بِنَا مَا نَحْنُ لَه بِاهْلٍ سُبحَانَ رَبّک رَبِّ العِزّهِ عَمَّا يَصِفُوْنَ وَسَلَامٌ عَلَى المُرْسَلِينَ وَالحَمْدلِلهِ رَبِّ العالَمِيْنَ وَصلَى اللهُ تعالى عَلى خَيْرِ خَلْقِه مُحَمَّدٍ وَاله وَصَحْبِه اَجْمَعِيْن آمين آمين آمين برحمتک يا ارحم الرَّاحِمِيْنَ

ضَمُيمَةٌ مُفيدة في الدَّعوات الجَليلة

اسماء حسنی مع اسماء منضمه

لَا اِلهَ اللهُ وَحْدَه لَا شَرِيکَ لَه لَهُ المُلکُ وَ لَهُ الْحَمدُ بِيَدِهِ الَخيرُ وَ هوَ عَلى كُلِّ شَىٍ قَدِيرُ لَا اِلهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الاَسْمَاءُ الحُسنى هُوَ الله الَّذِى لَا اِلهَ

اِلَّا هُوَ الَّرحمنُ الَّرحِيمُ المَلِکُ القُدَّوسُ السَّلَامُ المُومِنُ اَلمُهيمنُ اَلعِزيزُ اَلجبَّارُ اُلمتکَبِّرُ الخَالِقُ اَلبارِئُ اُلمصَوِرُ اَلغفَّارُ القَّهّارُ الوَهَّابُ الرّزَّاقُ الفَتّاحُ العَلِيمُ القَابِضُ الباسِطُ الخَافِضُ الَّرافِعُ المُعِّزُ المُذِّلُ السَّمِيعُ البَصيُر الحَکَمُ العَدَلُ اللَّطيفُ الخَبِيرُ الحَلِيمُ العَظِمُ الغَفُورُ الشَّکُورُ العَلِیُّ الکَبِيرُ الحَفِيْظُ المُقِيتُ الحَسِيبُ الجَلِيلُ الکَرِيمُ الرَّقيْبُ الْمُجِيْبُ الوَاسِعُ الوَدُوْدُ الحَکِيْمُ المَجِيدُ البَاعِثُ الشَّهيْدُ الْحَقُّ الوَکِيلُ القَوِیُّ الْمَتِينُ الْوَلِیُّ الْمُحْصِیُ الْمُبْدِئُ الْمُعِيْدُ الْمُحْیِ المُمِيْتُ الْحَیُّ الْقَيّومُ الْوَاجِد الْمَاجِد الوَاحِيدُ الْاَحَدُ الْصَّمَدُ الْقَادِرُ الْمَقْتَدِرُ الْمُقَدَّمُ الْمُؤَخِّرُ الأوَّلُ، الآخِرُ، الظَّاهِرُ، الْبَاطِنُ، الْوَالِی، الْمُتَعَالِی، الْبَرُّ، التَّوَّابُ، الْمُنْتَقِمُ، الْعَفُوُّ، الرَّءُوفُ، مَالِکُ الْمُلْکِ، ذُو الْجَلالِ وَالإِکْرَامِ، الْمُقْسِطُ، الْجَامِعُ، الْغَنِیُّ، الْمُغْنِی، الْمَانِعُ، الضَّارُّ، النَّافِعُ، النُّورُ، الْهَادِی، الْبَدِيعُ، الْبَاقِی، الْوَارِثُ، الرَّشِيدُ، الصَّبُورُ.

برَحْمَتِکَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ط اَللّهُمِّ يَا سَرِيْعُ المَلِکُ اَلجَمِيلُ الْمُحِيطُ القَدِيمُ الْکَافِیُ الشَّاکِرُ الْقَائِمُ الفَاطِرُ القَاهِرُ المَولَی النَّصِيْرُ الفَعَّالُ الَّدافع القَاضِیُ الشَّافِیُ الْمُحِلُّ الْمُعَافِی الْغَافِرُ الْقَابلُ الشَّدِيْدُ ذِی الطّولِ الصَّادِق الرَّاشد الولقِی الوَافِی الدَّائمُ النَّاظِرُالَا بَدالاصدَقُ المُنيرُ الاَعْظَمُ الفَردُ الْوِتْرُ المُعَلِّمُ المِقُرُّ الْمُتُعَوَّذُ الْخَلَّاقُ الحَنَّانُ المَنَّانُ الَّديَّانُ السُّلْطَانُ الْسُّبْحَانُ البُرْهَانُ الحَامِدُ المَحْمُودُ المَوْجُوْدُ الاَکْبَرُ الطَّاهِرُ المُطَهِّرُ الرَّافِعُ الّرفِيعُ المُرتَفعُ ذُو الْقُوَّةَ الْمَتِينُ الدَّهْرُ الدَّيْهَارُ الدَّيْهُور اَللّهُمَ سَلِّمْنِیْ وَ سَلِّمِ الْمُسْلِمِينَ

دعای دلبند و زبان برای امور دینی و دنیوی

یَا الله یَا رَحمنُ یَا رَحِیمُ یَا عَلِّیُ یَا عَظِیمُ یَا اَعظَمُ یَا صَمَدُ یَا فَرْدُ یَاوِترُ یَا وَاحِدُ یَا اَحَدُ یَا سَمِیعُ یَا بَصِیرُ یَا عَلِیمُ یا مُعَلِّمُ یَا جَلِیْلُ یَا حَمِیْدُ یَا حَکِیْمُ یَا قَوِیُّ یَا مَتِینُ یَا عَزِیزُ یَا مُتَعَوِّذُ یَا حَنَّانُ یَا مَنَّانُ یَادَیَّانَ یَا سُلْطَانُ یَا سُبْحَانُ یَا بُرهَانُ یَا تَوَّابُ یَا وَهَّابُ یَا بَاعِثُ یَا وَارِثُ یَا حَامِدُ یَا مَحْمُودُ یَا مَوْجُودُ یَا کَرِیمُ یَا اَکْبَرُ یَا بَاطِنُ یَا ظَاهِرُ یَا طَاهِرُ یَا مُطَهِّرُ یَا اوَّلُ یَا اخِرُ یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ یَا رَافِعُ یَا رَفِیعُ یَا مُرتَفِعُ یَا ذُوالْقُوَّةِ المَتِیْنِ یَا عَدَلُ یَا لَطِیفُ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ اَللّٰهُمَّ سَلِّمْنِیْ وَ سَلِّمِ الْمُسْلِمِیْنَ لَا اِلهَ اِلّا اللهُ مُوسی کَلِیْمُ الله لَا اِلهَ اِلَّا اللهُ عِیْسی رُوْحُ اَللهِ لَا اِلهَ اِلّا اللهُ از قلم تا لوح لَا اِلهَ اِلّا اللهُ از لوح تا قلم لَا اِلهَ اِلّا اللهُ از عرش تا کرسی لَا اِلهَ اِلّا اللهُ از کرسی تا عرش لَا اِلهَ اِلّا اللهُ از زمین تا آسمان لَا اِلهَ اِلّا اللهُ از آسمان تا زمین لَا اِلهَ اِلّا اللهُ از بهشت تا دوزخ لَا اِلهَ اِلّا اللهُ از دوزخ تا بهشت لَا اِلهَ اِلّا الله الملک الحق المبین لَا اِلهَ اِلّا اللهُ الملک الحق الیقین لَا اِلهَ اِلّا اللهُ بستم زبانِ بدگویان لَا اِلهَ اِلّا الله بستم دلِ بدگویان و بداندیشان، مهر کردم بنام محمَّد علیه السَّلام و مهر کردم بنام هریک ای ابابکر صدیق رضی الله عنه و عمربن خطاب رضی الله عنه و عثمان بن عفّان رضی الله عنه و علی بن ابی طالب رضی الله عنه و صلی الله تعالی علی خیر خلقه محمّد و اله وصحبه اجمعین ط

دعا وقت نهادن پهلو بخواب: بِاسمِکَ اللّٰهُمَّ اَحْیَا وَ اَمُوْتُ

دعا وقت بیدارشدن: اَلحَمدُلله الَّذِی اَحْیَانَا بَعْدَ مَا اَمَاتَنَا وَ اِلَیْهِ النُّشُرُ ط

دعا وقت پوشیدن لباس جدید: اَلحَمْدُ للهِ الَّذِی کَسَانِی هذاَ مِنْ غَیْرِ حَولٍ مِنِّی وَ لَا قُوَّةٍ

دعا وقت بیرون کردن لباس برای نوم و غسل: بسمِ اللهِ الَّذی لَا اِلهَ اِلَّا هُوَ

دعا وقت بیرون شدن از خانه: بِسمِ اللهِ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللهِ وَلَا حَولَ وَلَا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ

دعا وقت دخول خانه: اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ خَیْرَ المَولَجِ وَ خَیْرَ المَخْرِجِ بِاسمِ اللهِ وَلَجْنَا و باسمِ اللهِ خَرَجْنَا وَعَلَی اللهِ رَبِّنَا تَوَکَّلْنَا – **بعد** از آن سلام گوید

دعا وقت بیداری در میانه شب: خواتیم آل عمران را از اِنَّ فیِ خَلْقِ الَّسمواتِ وَ الاَرض الخ سورهٔ بخواند.

دعا وقت دخول بیت الخلا: اَللّهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِکَ مِنَ الخُبثِ وَالْخَبَائِثِ

دعا وقت خروج ازو: غُفْرَانَکَ اَلْحَمْدُ لِلهِ الَّذِیْ اَذْهَبَ عَنِّی الاَذی وَعَافَانِی

دعا در شروع وضو: بعد تسمیه اَشهَدُ اَنْ لَّا الهُ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًاعَبْدُه وَرَسُولُه

دعا وقت مضمضه: اَللّهُمَّ لَقِّنْ حُجَّتِی

دعا وقت استنشاق: اَللّهُمَّ اَرِحْنِی رَائِحَةَ الجَنَّةِ

دعا وقت شستن رو: اَللّهُمَّ بَیِّضْ وَجْهِی یَومَ تَبْیَضُ وُجُوهُ وَلَسوَدُّ وُجُوه

دعا وقت شستن دست راست: اَللّهُمَّ اعْطِنِی کِتَابِی بِیَمِیْنِیْ

دعا وقت شستن دست چپ: اَللّهُمَّ لَا نَعطِنیِ کِتَابِیْ بِشِمَالِیْ وَ لَا تَجْعَلهَا مَغْلُولَةً اِلی عُنُقِیْ

دعا وقت مسح سر: اَللّهُمَّ غَشِّنَا بِرَحمَتِکَ فَاِنَّا نَخْشی عَذَابَکَ وَلَا تَجْمَع بَیْنَ نَوَاصِیْنَا وَاَقْدَامِنا



دعا وقت مسح گردن: اَللّٰهُمَّ اعْتِقْ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ

دعا وقت مسح گوش: اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی اُذُناً وَاعِیَةً

دعا وقت شستن پای راست: اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْ قَدَمَیَّ عَلَی الصِّراطِ یَوْمَ تَزِلُّ فِیْهِ الاَقْدَامُ

دعا وقت شستن پای چپ: اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ ذَنْبِیْ مَغْفُوراً وَ سَعْیِی مَشْکُوراً وَ تِجارَتِی لَنْ تَبُوْراً

دعا در خاتمه وضو: اَشْهَدُ اَنْ لَّا الهَ الخ اَللّٰهُمَّ اجْعَلِنی مِنَ التَّوابِیْنَ وَاجْعَلْنِی مِنَ المُتَطَهِّرِیْنَ سُبْحَانَکَ اَللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِکَ اَشهَدُ اَنْ لَّا اِلهَ اِلَّاَ اَسْتَغْفِرُکَ وَاَتُوْبُ اِلَیْکَ – پس سه بار انّا انزلنه–

دعا وقت دخول مسجد: أعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ، وَبِوَجْهِهِ الْكَرِيمِ، وَسُلْطَانِهِ الْقَدِيمِ، مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ اَلحَمدلله اللهم صل علی محمد وعلی ال محمد اللهم اغفرلی ذنوبی وافتح لی ابواب رحمتک .پای راست داخل کند

دعا وقت خروج از مسجد:پای چپ مقدم کرده ایندعا بخواند: اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئلُکَ مِنْ فَضْلِک

دعا در سجده تلاوت:

سَجَدَ وَجهِیَ لِلَّذِیْ خَلَقَه وَ شَقَّ سَمْعَهْ وَبَصرَه بَحْولِه وَقُوْتِه فَتَبَارَکَ اللهُ اَحْسَنُ الْخَالِقِیْنَ

دعا بعد الصلوة: سُبحَانَ الله ٣٣ بار، الحمد الله ٣٣ بار، اَللهُ اَکْبَرْ ٣٤ بار – کلمه توحید یک بار.

دعا بعد صلوة صبح: لَا اِلَه اِلَّا اللهُ وَحْدَه لَاشَرِيكَ لَه لَه لَهُ المُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيْتُ وَ هُوَ عَلى كُلِّ شَيِى قَدِيْرٌ. ده بار قبل گشتن از قبله و ۷ بار این را بخواند اَللّهُمَّ اَجِرنِى مِنَ النَّارِ

دعا بعد نماز مغرب: ده بار کلمه توحید بالا و ۷ بار اَللّهُمَّ اَجِرنِى الخ

دعا وقت اذان مغرب: اَللّهُمَّ هذَا اِقْبَالُ لَيْلِکَ وَاِدْبَارُ نَهَارِکَ وَاَصْوَاتُ دُعَاتِکَ فَاغْفِرلى

دعا بعد وتر: سُبْحَانَ الملِکِ القُدّوسِ سه بار

دعا وقت طلوع آفتاب: اَلْحَمْدُ لِلهِ الَّذِیْ وَهَبَ لَنَا هَذا الْيَومَ وَاَقَالَنَا فِيْهِ عَثَرَاتِنَ

دعا وقت صبح: یک بار یا سه بار سیّد الاستغفار بخواندااین است:
اَللّهُمَّ اَنْتَ رَبِیّ لَا اِلهَ اِلَّا اَنْتَ خَلَقْتَنِى وَاَنَا عَبْدُکَ وَاَنَا عَلى عَهْدِکَ وَوَعْدِکَ مَا اسْتَطَعْتُ اَبُوْءُ بِذَنْبِیْ فَاغْفِرلْى فَاِنَّه لَا يَغْفِرُ الذّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ اَعُوْذُبِکَ مِنْ شَرِّمَا صَنَعْتُ وَسُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِه صدبار بهمراه سُبْحَانَ اللهِ العَظِيم وَبِحَمْدِه.

و این را یک بار: اَللّهُمَّ بِکَ اَصْبَحْنَا وَبِکَ اَمْسَيْنَا وَبِکَ نَحْيَا وَ بِکَ نَمُوتُ وَاِلَيْکَ النُّشُورُ

دعا در وقت شام وصبح: دعای مذکور را ولیکن بجای اَصْبَنْنَا اَمْسَيْنَا گوید.

و این را یکبار: اَمْسَيْنَا وَاَمْسِى المُلْکُ لِلهِ وَالحَمْدُ لِلهِ لَا اِلَه اِلَّا اللهُ وَحْدَه لَاشَرِيکَ لَه لَه لَهُ المُلْکُ وَلَهُ الحَمْدُ هُوَ عَلى كُلِّ شَيِى قَدِيْرٌ، رَبِّ اَسْئَلُکَ خَيْرَ مَا فِى هذِهِ اللَّيْلَةِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهَا وَاَعُوذُبِکَ مِنْ شَرّ

هذِهِ اللَّيْلَةِ وَ شَرِّ مَا بَعْدَهَا رَبِّ اَعُوذُبِکَ مِنَ الْکَسَلِ وَالهَرَمَ وَسُوْءِ الْکِبْرِ وَاَعُوْذُبِکَ من عَذَابِ النَّارِ وَ عَذَابِ القَبْرِ

و سه بار این را بخواند: اَعُوْذُبِکَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْ

و سه بار این را: بِسْمِ اللهِ الَّذِی لَا یَضُرُّ مَعَ اِسْمِه شَئیٌ فِی الْاَرْضِ وَلَا فِی السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ.

و این را سه بار: رَضِیْتُ بِاللِهِ رَبّاً وَّ بِالاِسْلَامِ دیْناً وَ بِمُحَمَّدٍ ﷺ نَبیاً

دعا در وقت صبح و شام: چهار بار صبح و شام این را بخواند از جهنّم آزاد گردد: اَللّٰهُمَّ اِنُی اَصْبَحْتُ اگر صبح است، وَاَمْسَیْتُ گوید اگر شام است، اُشْهِدُکَ وَاُشْهِدُ حَمَلَةَ عَرْشِکَ وَمَلَائِکَتَکَ وَجَمِیعِ خَلْقِکَ اِنَّکَ اَنْتَ لِلهِ لَا اِلَه اِلَّا اَنْتَ وَاَنَّ مُحَمدً اعَبْدُکَ وَرَسُوْلُکَ و این را یک بار: فَسُبْحَانَ اللهِ حِیْنَ تُمْسُوْنَ وَحِیْنَ تُصْبِحُوْنَ وَلَهُ الحَمْدُ فِی السَّموت وَالَارْضِ وِّعَشِیًّاً وَحَیْنَ تُظْهِروُنَ یُخْرِجُ الحَیَّ مِنَ الْمَیّتِ وَیُخْرِجُ الْمیتَ مِنَ الحَیِّ وَیُحْیِ الاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَکَذلِکَ تُخْرَجُوْنَ.

و سه بار: اَعُوذُبِاللهِ السَّمِیعِ الْعَلِیْمِ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ خوانده و آخر سوره حشر از هو الله تا آخر سوره بخواند، هفتاد هزار فرشته بر مؤکل کرده می شود که دعا خواند و اگر دران شب بمیرد درجه شهادت یابد.

این را یک بار : اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسئلَکَ بِاَنَّک اَنْتَ اللهُ لَا اِلَه اِلَّااَنْتَ الحَنَّانُ المَنَّانُ بَدِیْعُ السَّموَاتِ والْاَرضِ یَا ذَالجَلَالِ وَالَاکْرَامِ

این را یکبار : اَللّٰهُمَّ یَا وَدُوْدُ اَللّٰهُمَّ یَا وَدُوْدُ یَا مُبْدِءُ یَا مُعِیْدُ یَا ذُوالعَرْشِ المَجِیدُ یَا فَعَّالٌ لِمَا یُرِیْدُ اِسْئَلُکَ بِنُوْر وَجْهِکَ الّذِی مَلَأت

اَرکَانَ عَرْشِکَ بِقُدْرَتِکَ الَّتِی قَدَّرْتَ بِه عَلی جَمِیع خَلَقِکَ وَبِرَحمَتِکَ الَّتِیْ وَسِعْتَ کُلَّ شَیءٍ لا اله اِلَّاانْتَ بِرَحْمَتِکَ اسْتَغِیْثُ

این را یکبار: سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِه عَدَدَ خَلقِه وَرضَا نَفْسِه وَزِنَه عَرشِه وَمدَادَ کَلمَاتِه .

این را یکبار : سُبْحَانَ الله مِلْأ المِیزَانِ وَمُنْتَهَی الْعلمِ وَمَبْلَغَ الرَّضَا وَزِنَهَ الْعَرْشِ الحَمْدُلله مِلْأ المِیزَانِ وَمُنْتَهَی الْعلمِ وَمَبْلَغَ الرَّضَا وزنه العرش الله اکبر مِلْأ المِیزَانِ وَمُنْتَهَی الْعلمِ وَمَبْلَغَ الرَّضَا وَزِنَهَ الْعَرشِ لَا اِله اِلَّا اللُه مِلأ المِیْزَانَ وَمُنْتَهَی الْعلمِ وَمَبْلَغَ الرَّضَا وَزِنَهَ الْعَرْشِ

واین را یکبار: سُبْحَانَ الله یَا اعْظَمَ شَانُکَ سُبحَانَ سَیِّدِیْ مَا اَعْلَی مَکَانُکَ سُبحَان سَیِدِی مَا ارْحَمَ بِخَلَقِکَ

واین را یکبار: سُبْحَانَ الْاَبَدیِّ الْاَبَدُ سُبْحَانَ الوَاحِدِ الاَحَدُ سُبْحَانَ الفَرْدِ الصَّمَدُ سُبْحَانَ مَنْ رَفَع السَّمَاءَ بِغَیْرِ عَمَدٍ سُبْحَانَ مَن بَسَطَ الاَرْضَ علی مَاءِ جَمَدٍ سُبْحَانَ مَنْ خلق الخَلْقَ فَاحْصهُمْ عَدَدًا سُبْحَانَ مَنْ قَسَّمَ الرِّزْقَ وَلَمْ یَنْسَ اَحَدْ سُبْحَانَ مَنْ لَم یَتَّخذ صَاحِبَهً وَلَا وَلَد سُبحَانَ مَن لَمْ یَلِد وَلَمْ یُولَد وَلَمْ یَکُنْ لَه کُفُوًا اَحَد

وسه صد بار: درود شریف صبح وشام

خصوصاً این درود،اللّهُمَّ صلِّ عَلی مُحمَّدٍ وَعَلی ال مُحمد کما تُحِبُّ وتَرضی عَدَدَ مَا تُحِبُّ وَتَرضی

دعاها در اوقات متفرقه

وقت غم وامور مهمه این را بخواند لَا اِلَه اِلَّا اللهُ العَظِیمِ الْحَلِیمَ لَا اِلَه اِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ العَظِیمِ لَا اِلَه اِلَّا الله رَبِّ السَّمَواتِ وَرَبِّ الْاَرْضِ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْکَرِیْم

وبعد عصر صد بار دعای یونس علیه السلام را بخواند الله تعالی او را از هر کرب ومصیببت دینی ودنیوی نگهدارد واینست.
لَا اِلَه اِلَّا انْتَ سُبْحَانَک اِنِّی کُنْت مِنَ الظَالِمِیْن
دعا ودر وقت ترس از چیزی اَعُوذُ بِکَلِماتِ الله التَّامَات مِنْ غَضَبه وَشَرِّ عِبادِه وَمِنْ هَمَزات الشیاطین وان یحضرون
اگر روزانه صد بار لَا حَولَ وَلَا قوه اِلَّا بِالله العَلِّی العَظِیمِ بخواند الله تعالی اورا از هر مهلکه وبلا دینی ودنیوی در امان دارد وثواب اخروی هم میرسد
دعاءوقت ترس از قومی این را بسیار بخواند اَللهُمَّ اِنَّا نَجْعَلَک فِی نُحُورهِمْ وَنَعُوذُ بِکَ مِنْ شُرُورُهِمْ
دعا قوت دیدن دشمن خود: یَامَالِکَ یَومِ الدِّینِ اِیَّاکَ نَعبَدَ وَاَیَّاک نَسْتَعِیْن
دعا وقت ترس از جنّی وشیطانی : بعد از اعوذ آیه الکرسی سه بار بخواند
دعا وقت غلبه کردن امری براو: پنج صد بار حَسبِیَ الله وَنِعمَ الوَکِیْل بخواند آسان گردد
دعا وقت تنگی معیشت: بِسْمِ الله عَلَی نَفسِی وَمَالِی وَدِیْنِی اُللهُمَ رَضِّنْی بِقَضَائِکَ وبَارِک لِیْ فِیمَا قُدِّرَ لِیْ حَتّی لَا اُحِبّ تَعْجیلَ مَا اَخَّرْت وَلَا تَاخِیْر مَا عَجَّلْتَ
دعا برای ادای قرض : اَللهُمَّ اکفِنِی بِحَلَالِکَ عَنْ حَرَامِکَ واغْنِنِی بِفَضْلِک عَمَّنْ سِوَاکَ

برای دفع وساوس این را بسیار بخواند: هُوَالْاوَّل والْاخِرُ والظَّاهِرُ والْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شيِءٍ عَلِيْم

برای دفع آفات : وقت خواب سه بار سوره اخلاص ومعوذتین خوانده کف را دم زده بر بدن بمالد.

دعا برای هر درد ومرض وزخم : این را سه یا هفت بار خوانده دم زند : بِسمِ الله تُربَةُ ارْضِنَا بِرِيْقَةِ بَعضِنَا يُشْفِى بِه سَقِيْمُنَا بِاذْنِ رَبِّنَا.

یا این را بخوانده ودست بر هما نجا بمالد.اللّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ اذْهِب البَأسَ اَشفِ اَنْتَ الشَّافِي لَاشِفَاءَ الّااشِفَا ءُکَ شِفَاءً لَا يُغَادِرُ سَقَمًا

یااین را هفت بار بخواند: اَسأَلُ الله العَظِيْمَ رَبَّ العَرْشِ العَظِيم اَنْ يَشْفِيکَ

دعاءوقت تغميض ميّت: بِسْمِ الله وَعلى مِلَّه رَسول اله ﷺ

دعا وقت مردن قریب خود: اِنَّالله وَاِنَّا اِلَيْه رَاجِعُونَ اَللّهُمَّ اَجِرْنى فى مُصِيبَتِىْ وَاخْلُفْ لِیْ خَيراً مِنْهَا.

دعا وقت خبررسیدن موت مسلمانان : انا لِلّه الخ وَانا اِلَى رَبِّنا لَمُنقَلُبُون اَللّهُمِّ اكْتُبْهُ عِنْدَکَ فِي المُحْسِنِينَ وَاجْعَل كِتَابَه فى عِلِّيِيْنَ وَاخْلفْهُ فِي اهْلِه فِي الغَابِرِيْنَ وَلَا تَحرِمْنا اجْرَه وَلَا تَفْتِنَّا بَعْدَه

دعا وقت رسیدن خبر موت دشمن اسلام

اَلحْمدُلِله الَّذى نَصرَ عَبدَه وَاَعَزَّ دِينَه

دعا وقت تعزیه: اَعْظَمَ الله اجْرَکَ واَحْسَنَ عَزاک وغَفَر لِمَيِّتِکَ

دعا وقت دیدن جنازه: سُبْحَانَ الحَىِ الَّذِى لَا يَمُوتُ

دعا وقت داخل کردن میّت در قبر: بِسْمِ الله وَعَلى سنَّه رَسُولَ الله ﷺ

دعا وقت ریختن خاك برقبر: در قبضه اولی گوید مِنْها خَلَقْنکُمْ ودردوم گوید نُعِیْدُکُمْ ودرسوم گوید مِنهَا نُخْرِجُکُمْ تَارَهً اخْری

دعا وقت رسیدن بقبور: اَلسَّلامُ عَلَیْکم اَهلَ الدِّیَارِ مَن المُوْمنیْنَ واِنَّا انْشَا اللهُ بِکُم لَاحِقُونَ اَسألُ اللّهَ لَنَا وَلکُم العَافِیَه بعد از آن هر چه خواهد بخواند

در شب وروز جمعه خواندن سوره کهف مستحب است هر که بعد از نماز جمعه اخلاص ومعوّذتین را هفت بار بخواند الله تعالی او را تا جمعهٔدیگر از هر افت نگهدارد

دعا در وقت وزیدن باد تند: اَللّهُمَّ انّیْ اَسْئَلُکَ خَیْرَها وخَیْرَ مَا فیهَا وخَیرَ مَا ارسلَت بِه واعُوذُ بِکَ مِن شَرِّها وَشَر مَا ارْسِلَت بِه

دعا در وقت انتشار ستارگان : مَاشَا اللهُ لَا قُوّهَ الَّا بِالله

دعا در وقت آواز رعد:

سُبْحَانَ الَّذی یُسَبّح الرَّعْد بِحَمدِه وَالمَلائِکهِ مِنْ خِیْفِه

دعا در وقت آواز صاعقه: اَللّهُمَّ اَللّهُمَّ لَا تَقْلُنَا بِغَبْضِک وَلَا تُهْلِکَنا بِعَذابِکَ وَعَافِنا قَبلَ ذَلِک

دعا وقت نزول باران : اَللّهُمَّ صَیِّباً نَافِعاً   سه بار

دعا وقت رویت ماه اول: اَللّهُمَّ اَهلِه عَلَیْنا بِالْامْن وَالایمانِ وَالسَّلامَه وَالْاِسلَامِ رَبِّی وَرَبُّک الله

دعا بعد افطارروزه: ذَهَبَ الظما ءُ وَابتَلَت العُرُوق وَثَبِّت الْاَجْر اِن شَاءَ الله تَعالَی

دعا وقت افطار برزق غیر: اَفْطَر عِندَکُم الصَّائِمُون وَاَکَل طَعامَکُم الْابْرارَ وَصَلَتُ عَلَیْکُم المَلائِکَه

دعا در شب لیله القدر: اَللّهُمَّ انک عفو تحب العفو فاعف عنی

دعا ابتداء افطار: اللهم اَللّهُمَّ لَکَ صُمْتُ وَبِکَ امَنْتَ وَعَلَیْکَ تَوکَّلتُ وَعَلَی رِزقِکَ اَفطَرْتُ

اعمال وقت خروج سفر: دو رکعت قبل از خروج خانه بخواند در اولی قل یا ایها الکافرون ودر دوم اخلاص ،یا در اولی وثانیه معوذتین بعد سلام آیه الکرسی یکبار بخواند ویکبار لایلاف قریش یا سه بار _الله تعالی او را زا هر آفات نگهدارد.

وچون برخیز از جای خود بخروج ایندعا را بخواند:

اَللّهُمَّ اِلَیکَ تَوَّجَهْت وَبِکَ اعتَصَمْتُ اَللّهُمَّ الْفِنِی مَا هَمَّنی وَمَالَا اهْتِمَ لَه اَللّهُمَّ زَوِّدنِی التَقْوی وَاغْفِرلِی ذَنْبِی وَوَجِّهنِی لِلخَیْرَ اَینَمَا تَوَّجَهْتُ

وچون برادران را وداع کند ایندعا بخواند

اِسْتَودِعُکُمْ الله الَّذی لَا تَضیعِ وِدائعَه

چون بر سواری سوار گردد این دعا را بخواند:

اولا بِسْمَ الله کرده سه بار کلمه تمجیدبخواند یعنی سُبْحَانَ الله وَالحَمْدُالله الخ خوانده پس بخواند سُبْحَانَ الَّذِی سَخَّرلَنَا هذَا وَمَاکُنَّا لَهُ مُقرِنیْن وَاِنَّا اِلی رَبِّنا لَمُنقَلَبُون

سُبحَانَک انِّی ظَلَم نَفْسِی فَاغفِرلِیْ اِنَّه لَا یَغْفِر الذُنُوب اِلَّااَنْتَ اَللّهُمَّ انْت الحَامِلُ عَلَی الظُهر و اَنْتَ المُستَعَانِ عَلَی الُامُور اَللّهُمَّ اِنا نَسئَلُکَ فِی سَفَرنَا هذَا البَرّ والتَقْوی وَمِنَ العَمی مَا تَرْضَی اَللّهُمَّ هَوِّن عَلَیْنَا سَفَرنَا هذا واطو عنا بعده اَللّهُمَّ اَنْتَ الصاَحِبِ فِی السَّفَر والخَلَیْفَه فِی

الاَهْل اَللّهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِک مِنْ وعَثَا السَّفَر وکَابَه المُنْظَر وَسُوءالمُنْقَلَب فِی المَالِ والاَهْل

دعا وقت سواری کشتی

بِسمِ الله مَجريَهَا مُرسَاهَا اِنَّ رَبی لَغفورٌ رَحيْمٍ

دعا وقت دویدن الاغ از بند خود

يَا عِبَادَالله اَحْبِسُوا   سه بار

دعا وقت تندی الاغ در سواری

در گوش اوبخواند اَفَغَيرَ دينِ الله يبَغُون ولَه اَسْلَم مَنْ فِی السَّموَاتِ وَالْاَرض طَوْعًا وكَرْهًا وَاليَه تُرْجَعُون

دعا در وقت ظاهر شدن منزل فرودگاه

اَللّهُمَّ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْع وَمَا اَظلَلْن والْاَرَضينَ اَسبْع وَمَا اَقْلَلنَ وَرَبُّ الشَيَاطِينَ وَمَا اَظلَلْنَ وَرَبُّ الرِّياحِ وَمَا ذَرَيْنَ اَسأَلُکَ خَير هذِه القَريَه وَخَيْرَ اَهْلَها وَخَير مَا فيهَا وَنَعُوذَ بِکَ مِنْ شَرِّها وَشَرِّاَهلِهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا

دعا در وقت نزول در منزل

اَعُوْذُ بِكَلمَاتِ الله التَّامَاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَق

دعا در وقت شب در سفر

يَااَرْض رَبِّی وَرَبُّکَ الله اَعُوذُ بالله مِن شَرِّک وَشرِّ مَا فِيْکَ وَشَرِّ مَا خَلَق فِيْکَ وَشَرَّ مَا يَدُّب عَلَيکَ اَعُوذُ بِک مِنْ اَسَدٍ واَسْوَد ومِنالِحِيه وَالْعقْرَب وَمِنْ سَاكِن البَلَد وَمِنْ وَالِدٍ وَمَا وَلَد

دعا وقت رسيدن بمقام خود

ائبُونَ تَائبَونَ سَائحُونَ عَابدُونَ لِرِّبنَا حَامِدُونَ

دعا در وقت رجوع از سفر جهاد وتبلیغ که اهل شهر برای آینده کنند

اَلْحَمدُلله الذِی نَصرَکَ واَعزَّکَ وَ اَکْرَمَکَ

دعا در وقت شروع طعام

اَللّهُمَّ بَارکَ لَنَا فِیمَا رَزَقتَنا وِقِنَا عَذابِ النَّار بِسم ِالله الخ

دعا وقت فراغت از طعام : اَلْحَمْدُلله الذِی امِّنا وَشِقَانا وَجَعَلْنا مِنَ المُسلِمِیْنَ

دعا بعد طعام خوردن دیگران: اَللّهُمَّ بَارکَ لَهُم فیِمَا اطْعَمتَهُم وَاغفِر لَهُم وَارحَمْهُم

دعا آنکه ترا طعام یا آب خوراند: اَللّهُمَّ اطعم من اطعمنی واسق من سقانی

دعا وقت عطسه : اَلحَمْدُلله _شنونده گوید _یَرحَمکَ الله وپس عطسه زننده گوید یَهدِئکَم الله وَیُصلِحَ بَالَکُم

دعا برای عروس بعد نکاح: بَارَکَ اللهُ لَکَ وَجَمَعَ بَیْنَکُمَا فِی خَیْرٍ

دعا وقت دخول در خانه منکوحه

پیشانی زن را گرفته ایندعا را بخواند اللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ خَیْرَهَا وَخَیرَ مَا جَبَلَتَهَا عَلَیهِ وَاعُوذُ بکَ مِن شَرَّهَا وَشَرِّ مَا جَبَلْتَها عَلَیْه _وچون چیزی از غلام وکنیز وحیوان بخود نیز همین دعا بهمین طور بخواند

دعا وقت صحبت با زن

بَسْم الله اللهُمَّ جَنِّبْنَا الشّیطَانَ وَجَنّبِ الشَّیْطَانَ مَا رَزَقَتَنا وسوره اخلاص یکبار بخواند

در وقت آواز دادن خر اَعُوذَ بِالله بخواند

در وقت آواز خروس از خدا چیزی سوال کند

در وقت دیدن آتش سوزان تکبیر گوید

دعا در وقت برخاستن از مجلس که دران لغو وغیره گفته است

سُبْحَانَکَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِکَ اَشْهَدُ اَن لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ استغفِرُک واتُوبُ اِلَیکَ

ودر وقت خشم اعوذ باللّه خواند خاموش گردد

چون در بازار داخل شود کلمه توحید سه بار بخواند

دعا در وقت نظرکردن در آئینه: اَللّٰهُمَّ کَمَا حَسَنتْ خَلقِی فَحَسِّن خَلْقِی

در وقت رگ زدن آیه الکرسی خواند:

دعا در وقت شکستن بت وزیارت ودیگر منکرات

جَاءَالحَقُّ وَزَهَقَ البَاطِلَ اِنَّ البَاطِلَ کَانَ زَهوقًا جَاءَ الحَقُّ وَمَا یُبْدِیءُ البَاطِل وَمَا یُعیدُ

دعا برای کسیکه هدیه آرد: بَارکَ الله فِیکُمْ

دعا برای کسیکه از تو اذیتی دور کند: مَسَحَ الله عَنْکَ مَا تَکْرَه

دعا وقتیکه اول ثمره تازه بیند

اَللهُمَّ بَارِکَ لَنَا فِیْ ثَمَرنَا وَبَارکُمْ لَنَا فِیْ مَدینَتِنا وَبَارِکَ لَنَا فِیْ صَاعِنَا وَبَارکَ لَنَا فِیْ مُدّنَا اَللّٰهُمَّ کمَا اَریْتَنَا اَوَّلَه فَارنَاه آخِرَه اول آنرا بر چشم نهاده پس بر لب وپس بر اصغر قوم بدهد

دعا وقتیکه چیزی خوب به بیند وخطره دارد که اورا ضرر نظر میرسدمَا شَا الله لَا قُوه اِلَّا بِالله

دعا وقتیکه چیزی محبوب به بیند

اَلْحَمدُلله الذِی بِنِعمَتِه تِم الصَّالِحَات

دعا وقتیکه چیزی مکروه بیند

اَلْحَمدُلله الذِی عَلَی کُلِّ حَال

دعا وقتیکه بجانب آسمان بنگرد

رَبَّنا مَا خَلَقتَ هذَا بَاطِلاً سُبحَانَک فَقِنَا عَذابِ النَّار یا تا آخر آیات

مأخذ این اعیها احیا اما غزالی واذکار نوی وشامی است.

در خامه نبذی از معمولات مشائخ یاد کرده اید

بعد از هر نماز اگر یازده بار این آیه خوانده بکف دم زده بر وبمالد در قیامت انشاءالله روی او مثل ماه چهاردهم روشن میگردد.این است انه هوا البَرُّ الرَّحِیم

واگر بعد از هر نماز یکبار این آیه خواند انشاءالله پیغمبر شفاعت او خواهد کرد ،ایست لَقَد جَاءکُم رَسُول مِنْ اَنفُسِکُم عَزِیزٌ عَلَیه مَا عَنِّتُم حَرِیْصُ عَلیکُم بِالمُومِنینَ رَوءفُ رَحِیمٍ

واگر بعد از هر نماز یکبار این آیه را خواند اولاد او صالح میشوند،رَبَّنا هَبْ لَنَا مِن اَزوَاجِنَا وَذریتَنَا قُره اَعْیُن وَاجْعَلْنَا لِلمُتَقیْنَ اِمَام واگردر آخر تشهد این آیه خواند امید که از دنیا با ایمان خارج میگردد رَبَّنَا لَاتُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَیْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَه اِنَّکَ اَنْتَ الوَهَّابُ .

واگر بعد از هر نماز سه بار این آبهرا بخواند بر انگشتان دم رده بر چشمان بمالد چشمهای اواز آفات وکمزوری خلاصی یابند فَکَشَفْنا عَنکَ غَطاءَک فَبَصُرکَ الیَومَ حَدیْد

واگر کسی این استغفار را یکبار بخواند واورا بقدر تمام اشجار ونباتات واوراق شان وعدد انفاس خلائق وغیره ثواب میرسد.

اَللهُمَّ اِنّی اَستَغفِرُکَ بِعَدَد القَطَر وَالمَطَر وَنَباتِ الْاَرضَ وَوَرق الشَّجَر وَانْفَاس الخَلَائق وَايَّام الدُنيَا وَالاَرْضِ والْاٰخِرَه يَا ذَالجَلال وَ الِاكرام بِرَحْمَتِکَ يا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

این دعای خضر است فائده بسیار دارد

بِسْمِ الله مَاشَآءَاللهُ لاَ يسوق الخَيْرَ اِلاَّ اللهُ بِسمِ الله مَاشَآءَاللهُ لاَ يَصْرِفُ السُّوءَ اِلاّالله بِسْمِ الله مَاشَآءَاللهُ وَ مَا بِکُمْ مِّنْ نِعْمَهٍ فَمِنَ اللهِ بِسْمِ الله مَاشَآءَاللهُ لاَ حَوْلَ وَلاَ قُوَّهَ اِلاّ بِالله الْعَلِيِّ الْعَظِيْم

این دعا را اگر صبح یکبار بخواند شکریه تمام شب ادا می شود و اگر شام یکبار بخواند شکریه تمام نعماءِ روز ادا میشود اَللّهُمَّ مَا اَصْبَحَ بِیْ مِن نِعمَهٍ اَوْ بِاَحَدٍ مِّنْ خَلْقِکَ فَمِنْکَ وَحدَکَ لاَ شرِيک فَلَکَ الحَمْدُ وَ لَکَ الشُّکْرُ- و در شام بجای ما اصبح ما امسی گوید.

برای هر بلا ومصیبت که این دعا خوانده شود صبح و شام دعا کرده شود آن مصیبت دفع و آسان گردد و مجرب است این از تعلیمات خضر است به بعض اکابر و بر دشمن ظفریاب خواهد شد و شهید خواهد مرد

اَللّهُمَّ کَمَا لَطَفْتَ فِیْ عَظمَتِکَ دُوْنَ اللُّطَفَاءِ وَ عَلَوتَ بِعَظْمَتِکَ عَلَی الْعُظَمَاءِ وَعَلِمْتَ مَاتحتَ اَرْضِکَ کَعِلْمِکَ بِمَا فَوقَ عَرْشِکَ وَکَانَتْ وَسَاوِسُ الصُّدُوْرِ کَالْعَلاَنِيَهِ عِنْدَکَ وَعَلاَنِيَهُ القُوْلِ کَالسِّرِّ فی عِلْمِکَ وَاَنْقَادَ کُلَّ شَیْءٍ بِعَظْمَتِکَ وَ خَضَعَ کُلُّ ذِیْ سُلْطَانٍ لِسُلْطَانِکَ وَصَارَ امرُالدنيا وَ الاخِرَهِ کُلّه بِيَدِک اِجْعَلْ لّی مِنْ کُلِّ همٍّ اَصْبَحْتُ، اگر صبح است وَ اَمْسَيْتُ اگر شام است فيْهِ فَرَجًا وَ مَخْرَجًا. اَللّهُمَّ انَّ

عَفوُکَ عَنْ ذُنُوبی وَتجَاوُزُکَ عَنْ مَعْصِیبَتِیْ وَسِتْرِکَ عَلی قبیْحِ عَمَلِیْ اَطْمعَنِی اَنْ اَسْئَلَکَ مَا لاَ اَسْتَوجِبُه لِمَا قَصرُتْ فِیْهِ اَدعُوکَ اَمِنًا وَ اَسْاَلِکَ مُسْتَاْ نِسًا فَاِنَّکَ المُحْسِنُ اِلَیَّ وَ اَنَا المُسِیُ اِلی نَفْسِیْ فِیْمَا بَیْنی وَ بَیْنَکَ تَتَوَدُّ اِلَیَّ بَالنَّعِمِ وَ اَبتَغِضُ اِلَیْکَ بِالمَعَاصِیْ وَلَکِنَّ الثِّقَه بِکَ حَمَلْتَنِی عَلَی الجُرْاَهِ عَلَیْکَ فَجُدْ بِفَضلِکَ وَ اِحْسَانِکَ عَلیَّ اِنَّکَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ

ایندعا را اگر صبح یکبار بخواند تا شام شیطان از او نااميد گشته نزد او نمی آید واگر شام خواند تا صبح همچنان گردد. اَللّهَمَّ سَلَّطْتَّ عَلَیَّ شَیْطَانًا عَدُوّاً لّنَا بَصِیراً بعُیُوبِنَا مُطَّلِعًا عَلی عَوُرَاتِنَا یَرَانَا هُوَ وَقَبِیْلُه مِنْ حَیْثُ لاَ نَرَاهُمْ فَآیِسْهُ مِنَّا کَمَا آیَسْتَه مِنْ رَّحْمتِکَ وَ قَنِطْهُ مِنَّا کَمَا قَنَّطْتَّه من عَفْوِکَ وَ بَاعِدْبَیْنَنَا وَ بَینَه کَمَا بَاعَدْتَّ بَیْنَه وَ بَیْنَ جَنَّتِکَ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ

ایندعا را اگر صبح و شام سه سه بار بخواند اورا در قیامت انشاء الله حساب کرده نخواهد شد- منقولست که حضرت سفیان ثوری را بعد از وفات بخواب دیدند و پرسیدند که خدا با توچه کرد جواب دادند که مرا حکم کردند که همان دعا که ورد شما بود بخوانید یعنی دعای ذیل، چون خواندم فرمودند بی حسنای داخل جنّت شوید، اینست:

اَللّهُمَّ رَبَّ کُلَّ شَیءٍ وَ اِلهَ کُلَّ شَیءٍ وَ خَالِقَ کُلَّ شَیءٍ وَالقَاهِرُ بِکُلِّ شَیءٍ وَ خَالِقَ کُلَّ شَیءِ وَالقَادِرُ عَلی کُلِّ وَالقاهِرُ بِکُلِّ شَیءٍ اغفِرلِیْ کُلَّ شَیءٍ وَاقْضِ لِیْ کُلَّ شَیءٍ وَلاَ تَسْئَلِنِیْ عَنْ وشَیءٍ وَ لاَ تُحَاسِبْنِی بِشَیءٍ.



ایندعا را اگر کسی در صبح خواند تا شام از هر بلا در امان ماند و اگر شام خواند همچنان تا صبح ان است

بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللهِ وَلاَ حَوْلَ وَلاَقُوَّہَ اِلاَّ بِاللهِ الْعَلِیِ الْعَظِیْمِ مَا شَآءَ اللهُ کَانَ وَمَا لَمْ یَشَأ لَمْ یَکُنْ وَ اَشْهَدُ اَنَّ اللهَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدِیْرٌ وَ اَنَّ الله قَدْاَحَاطَ بِکُلِّ شَیءٍ عِلْماً وَ اَ نَّ اللهَ یَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ اَللهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُبِکَ مِنْ شَرِّ نَفْسِی وَ مِنْ شَرِّ غَیْرِیَ وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ دَآبَّهٍ اَنْتَ اخِذُ بِنَا صِیَتِهَا اِنَّ رَبِّیْ عشلی صِرَاطٍ مُّسْتَقِیْمٍ وَ اَنْتَ عَلی کُلِّ شَیءٍ حَفِیظٌ فَاِنْ تَوَلَّوُا فَقُلْ حَسْبِیَ اللهُ لآ اِلهَ اِلاَّ هُوَ عَلَیْهِ تَوکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ العَظِیْم.

حضرت مولانا رشید احمد گنگوهی رح فرموده اند که ایندرود ذیل نزد بنده از افضل و جامع ترین کلیمات درود است برای هر نفع دینی و دنیوی، اینست.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَعَلی اٰلِه وَصَحْبِه وَ بَارِک وَسَلِّم عَلَیْهَ عَدَدَتُحِبُّ وَ تَرضی-

سَیّدنا حضرت شیخ عبدالقادر در گیلانی فرمودند ایندرود ذیل برابر هفتاد هزار درود است اگر یکبار کسی خواند گویا که هفتاد هزار بار درود خوانده است، این است اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِکْ عَلی مُحَمَّدٍ وَّعَلی اٰلِ محمَّدٍ بَحْرَ اَنْوارِکَ وَ مَعْدنَ اَسْرارِکَ وَلِسَانَ حُجَّتِکَ وَ اِمَامَ حَضْرَتِکَ وَطَرَازِ مُلْکِکَ وَطَرِیق شَرِیْعَتِکَ اَلْمُتَلَذّذِ بِتَوْحِیْدِکَ اَنْسَانِ عَیْنِ الوُجُودِ وَالسَّبَبُ فِی کُلِّ مَوْجودٍ عَیْنِ اَعْیَانِ خَلْقِکَ الْمُتَقَدِّمِ مِنْ نُّوْرِ ضِیَائِکَ صَلٰوةً تَحِلُّ بِهَا عَثْرَتِیْ وَ تَقْضِیْ بَهَا حَاجَتِیْ صَلٰوةً تُرْضِیْکَ وَ تَرضی بِهَا عَنَّا یَا رَبَّ الْعلَمِیْنَ عَدَدَ مَا

اَحَاطَ بِه عِلمُ اللهِ وَ اَحْصهُ كِتَابَ اللهِ وجَرى بِه قَلَمُ اللهِ وَ نَفَذَ بِه حُكمُ اللهِ وَ وَسِعَه عِلمُ اللهِ عَدَدَ كُلِّ شَىءٍ واَضْعَافَ كُلِّ شَىءٍ وَزِنَةَ كُلِّ شَىءٍ عَدَدَ خَلْقِ اللهِ وَ رَضَا نَفْسِ اللهِ وَزِنَةَ عَرشِ اللهِ وَمِدادَ كَلِمَاتِ اللهِ المَكْنُونِ صَلوةً تَسْتَغْرِقُ الحَدَّ وَ تُحِيْطُ بِالحَدِّ صَلوةً دَائِمَةً بِدَوَامِ مُلکِ اللهِ بَاقِيَةً بِبَقاءِ ذَاتِ اللهِ تعالى ماخذِ اين ادعيها خاتمه اعمال قرآنى مولانا تهانوى و مجّرياتِ شيخ احمد ديربى وقول الجميل شاه ولى الله دهلوى است

چيزى از معمولات متفرقه ذكر كرده ايد

براى غناى ظاهرى و باطنى روزانه يكهزار يكصد مرتبه يَامُغْنِى ورد كند مجرّب است.

كلمه تمجيد روزانه صد مرتبه براى مقاصد دينى و دنيوى مفيد ثابت گرديده است.

صدبار روزانه استغفار براى كفاره گناهان و مصائب مجرّب است-

و اگر روزانه ده مرتبه اينرا بخواند ملائكه تمام آسمانها براى او هزار هزار مرتبه مغفرت ميخواهند اينست لَآ اِلٰهَ الاّ اللهُ قَبْلَ كُلِّ اَحَدٍ لَآ اِلٰهَ اِلاَّ اللهُ بَعْدَ كُلِّ اَحَدٍ لَآ اِلٰهَ اِلاَّ اللهَ ط

و اگر كسى اينرا روزانه بيست يكبار بخواند در قيامت او را حساب نگيرند و بدرجه شهادت خواهد مرد-

اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لِىْ فِى الْمَوْتِ وَ فِى مَا قَبْلَ الْمَوْتِ وَ فيمَا بَعدَالْمَوتِ واگر كسى اينرا روزانه ۲۰ بار بخواند تمام گناهانِ او بخشيده شوند

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ قَبْلَ كُلِّ اَحَدٍ وَالحَمْدُ لِلّٰهِ بَعْدَ كُلِّ اَحَدٍ وَالحَمْدُ لِلّٰهِ يَبْقى رَبُّنَا وَيَمُوْتَ كَلُّ اَحَدٍ وَالحَمْدُ لِلّٰهِ عَلى كُلِّ اَحَدٍ

بَعْدَ كُلِّ اَحَدٍ وَالحَمْدُ لِلّٰهِ يَبْقى رَبُّنَا وَيَمُوتُ كَلُّ اَحَدٍ وَالحَمْدُ لِلّٰهِ عَلى كُلِّ اَحَدٍ.

و اگر در وقت خواب سوره یس یکبار بخواند ثواب ده ختم قرآن یابد و ازتمام آفات و بلیّات مامون گردد تا صبح و اگر صبح خواند همچنان تا شام. و اگر در وقت خواب سوره ملک و سوره المّ تنزیل سجده خواند از عذاب قبر مامون گردد و در حشر شافع او گرد ند. و اگر در وقت خواب سوره طارق خواند از جمیع شرور جن و شیاطین تا صبح محفوظ گردد- و اگر سوره اعلی خواند ثواب تورات و انجیل و زبور یابد و اگر سوره زلزلت دوبار خواند ثواب ختم قرآن بدو میرسد و اگر سوره تکاثر یکبار خواند ثواب خواندن هزار آیه بدو میرسد و اگر سوره اخلاص صدبار بخواند در حشر او را بیمین جنت داخل می کند و اگر سوره واقعه یکبار بعد از مغرب خواند از فقر و تنگی معاش مصون گردد. و این طریق ذیل را اگر کسی برخود لازم گیرد مراتب عرفان براولائح گردد امام غزالی فرموده است هر چه حاصل کردیم از این طریق حاصل کردیم – اینست روز جمعه هزار بار یا الله گوید و روز شنبه لَا اِلٰهَ إلّا الله هزار بار و روز یکشنبه یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ هزار بار و روز دوشنبه لَا حُوْلَ وَ لَا قُوَّہ اِلَا بِالله هزار بار و روز سه شنبه درود شریف هزار بار و روز چهارشنبه ،إسْتَغْفُرالله العظیم هزار بار وروز پنجشنبه سُبْحانَ اللهِ العَظِیْم وَ بِحَمْدِہ هزار

بار – و اگر کسی روزانه صدبار لا اِلٰهَ إلّا اللهُ مَلِکُ الْحَقِّ الْمُبِینْ خواند هرگز محتاج خلق نگردد و هرکه روزانه بعد نماز فجر و قبل نماز فجر نیز چهل یا چهل یکبار اینرا بخواند از دنیا بهمراه ایمان میرود- یَا حَیُّ یا قَیُّومُ یَا بَدِیعَ السَّموتِ وُ الْاَرْضِ یَا ذَالْجَلالِ وَ الْاِکْرامِ یا اَللهُ اینرا هر مرتبه سه سه تکرار کند و اگر بعد از نماز صبح آیه الکرسی وَ آمَنَ الرَّسولُ تا آخر و آیه شَهِدَاللهُ تا للاسلام و آیه قُلِ اللّهَمَّ مِلِکَ الْمُلْکِ تا بغیر حساب بخواند از جهنم او را براءت می رسد و اگر خوانده بر مرده به بخشد هم آزاد کرده شود.

شیخ یحی مغربی فرموده است که هر که در شباروزی دو صد مرتبه ایندرود بخواند اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدِنِ النَّبِیِّ الْاُمِّیِ وَ عَلی اِلهِ وَ صَحْبِهِ وَ سَلِّم و دو صد مرتبه حَسْبُنَا اللهُ وَ نَعْمَ الوَکِیْل و دوصد مرتبه وَ اُفَوِّضُ اَمْرِیْ اِلَی اللهِ اِنَّ اللهَ بَصِیْرٌ بِالعبَادِ

خواند او را از جمیع مهمات دینی و دنیوی کفایت است .

و از ابن عمر مرویست که از سرور عالم ﷺ سوال کردم که مرا جیزی بیاموز تا خاتمه ام بخیر گردد فرمودند هر روز بعد سنت مغرب قبل کلام کردن دو رکعت باینطور بخوان در هر رکعت بعد فاتحه سوره قدر یکبار و اخلاص شش بار و معودتین یک یکبار-

از علامه ابن جوزی و تمام مشائح اومروی است که هر که در شروع سال تا شش ماه هر شب و روز، در روز اول سه بار و در باقی یک یکبار این دعا را بخواند شیطان می گوید که این

شخص در باقی عمر از من و لشکر من امان یافت و دو فرشته مقرر کرده شود که او را از ایشان نگهدارند اینست ، بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ وَ صَلّى اللهُ عَلَى سَيِّدنا مُحَمَّدٍ وَّ على الِه وَ صَحْبِه وَ سَلَّم اَللّٰهُمَّ انتَ الاَبَدِىّ الْقَدِيْم الْاَوَّلُ وَ عَلى فَضْلِكَ الْعظِيْمُ وَ كَرِيْمُ جُوْدِكَ الْمُعَوّلُ وَ هذَا عَامٌ جَدِيدٌ قَدْاَقبَلَ اَسْئَلُكَ الْعِصْمَةَ فِيْهِ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ اَوْليَا ئِه وَ العَوْنَ عَلى هذِهِ النّفْسِ الْاِمّارَهِ بالسُّوءِ وَالْاِشتِغالَ بِمَا يُقرّبُنْى اِلَيْكَ زَلفى يَا ذَالجَلالِ وَ الْاِكْرامِ وَ صَلّى اللهُ عَلى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَّ عَلى الُه وَ صَحبُه وَسَلِّمْ

و اگر در روز عاشورا حَسْبِىَ اللهُ وَ نِعْمَ الوَكِيْلُ نِعْمَ الْمَوْلى وَ نِعْمَ النَّصِير را هفتاد بار خوانده و ۷ بار اینرا بخواند سُبْحانَ اللهِ مِلْأالْمِيزاَنِ وَ مُنْتَهَى الْعِلمِ وَ مَبْلَغَ الرِّضى وَزِنَةَ الْعرشِ لَا مَلْجَا وَ لَا مَنْجَا مِنَ الله اِلَّا اِلَيْهِ سُبْحانَ اللهَ عَدَد الشَّفْعِ وَالوَتْرِ وَ عَدَدَ الرَّاحِمِيْنَ وَلَا حَوْلَ وَ لَا قَوَّةَ اِلَّا باللهِ العَلِىِّ الْعظِيْم وَ هُوَ حَسْبِىْ وَ نِعْمَ الوَكِيْلُ نِعْمَ الْمَوْلى وَ نِعْمَ النَّصِير وَ صَلّى اللهُ عَلى نَبِيّنا خير خَلقِه وَ عَلى الِه وَ صَحْبِه وَ سَلِّم پس دعا کند که خداوند امسال مرا موت مده او را در آنسال موت نمیرسد بحکم خدا لیکن جناب سید محمد مشهور بغوث الله فرموده است که اگر در آنسال موت او مقدّر است او را توفیق خواندن نمیرسد، واحقر نیز بهمین یقین دارم.

بعضی از عرفاء اهل کشف فرموده اند که در هر سال سه لاک بلا از آسمان نازل میگردد و بیست هزار تنها بروز چهارشنبه اخیر در صفر پس در آنروز اگر کسی چهار رکعت نماز کند و در هر رکعت بعد فاتحه سوره کوثر ۱۷ بار و اخلاص ۵ بار و معوّذتین

یک یکبار بخواند و بعد از سلام ایندعا را یکبار با اخلاص بخواند و در آن تمام سال از بلاها مصون گردد. باذن الله سبحانه و تعالی ، دعا اینست بسْمِ الله الرحمنِ الرحیم اَللّٰهُمَّ یا شَدِیْدَ الْقوی و یا شَدِیْدَ المِحَالِ یَا عَزِیزُ یَا مَنْ ذَلَّلْتَ بِعِزَّتِکَ جَمِیْع خَلْقِکَ اَکفِنِیْ مِنْ شَرِّ جَمِیْعِ خَلْقِکَ یَا مُحْسِنُ یَا مُجْمِلُ یَا مُتَفَضِّلُ یَا مُنْعِمُ یَا مُکْرِمُ یَا مَنْ لَّا اِلٰهَ الَّا اَنْتَ اِرْحَمْنِی بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحمِیْنَ اَللّٰهُمَّ بِسِرِّالْحَسَنِ وَ اَخیْهِ وَجَدِّه وَاَبِیْهِ وَاِمِّهِ وَبَنِیْهَ اِکْفِنِیْ شَرَّ هذَا الیَوْمِ وَمَا یُنزل فِیْهِ یَا کَافِیَ المُهِمَّاتِ فَسَیَکْفِیْکَهُمُ اللهُ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیْمُ وَ حَسْبُنَااللهُ وَ نِعْمَ الوَکِیْل وَلاَ حولَ وَلاَ قُوّهَ والخ وَصلَی الله عَلی سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ وَ عَلی آلِه وَصَحْبِهِ وَسَلِّم

لیکن احقر می گوید اگر او را چیزی مقدر است قدرت خواندن این ندارد.

از احیاء و مجّربات دیربی و غیر هما

هر که روزانه ده بار بگوید. اَللّٰهُمَ اَصْلِحْ اُمَّهَ مُحُمَّدٍ ﷺ اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ الکُربَ عَنْ اُمَّهِ مُحَمَّدٍ ﷺ اَللّٰهُمَ ارْحَمْ عَلی اُمَّهِ محمّدٍ ﷺ .

او را در زمره ابدال حشر خواهند کرد. او رسائل شامی

الحقت بآخرها اربعین حدیثا لتتّم الفائده

بسْمِ الله الرحمنِ الرحیم

۱) عَنْ انس رض قال قال رسول الله ﷺ لا یومن احدکم حتی اکون احبّ الیْه من والده رولده والنّاس اجمعین متفق علیه

روایت است از انس ﷺ که فرمود پیغمبر خدا ﷺ مومن نمیشود هیچ احدی از شما تا آن وقت که باشم زیاده دوست نزد او از والدین و اولاد او و تمام مردمان روایت کرد این را بخاری و مسلم

۲) عن عبدالله بن عمرو رض قال قال رسُول الله ﷺ الکبائر الاشراک بالله و عقوق الوالدین و قتل النفس و الیمین الغموس، رواه البخاری وفی روایه انس رض و شهاده زور بدل الیمین الغموس متفق علیه

روایت است از عبدالله بن عمر گفت که فرمود رسول خدا ﷺ گناه های بزرگ این هستند شریک کرد با خدا دیگری را و نافرمانی والدین و کشتن نفس مسلم و قسم دروغ خوردن، روایت کرد اینرا بخاری و در روایت انس بدل قسم دروغ گواهی دروغ آمده است.

روایت کرد بخاری و مسلم

۳) و غنه قَالَ قَال رَسُول الله ﷺ اربع من کنّ فیْه کان منا فقاً خالصاً و من کانت فیه خصله منهن کانت فیه خصله منهن کانت فیه خصله من النفاق حتی یدعها اذَائتُمِنَ خَانَ و اذا حدّث کذب و اذا عاهد غدر و اذا خاصم فجر متفق علیه

روایت است از او نیز گفت که فرمود پیغمبر خدا ﷺ چار عادت اند که در هر شخص دیده شون او منافق خالص است

یعنی منافق عملی نه اعتقادی و اگر یک خصلت دیده شود درو پس هست درو یک عادت از نفاق وقتیکه ترک کند او را آن چار عادت است چون امانت نهاده شود و نزد او خیانت میکند و چون سخت کند دروغ گوید و چون وعده کند میشکند و چون جدال کند با کسی دشنام میدهد. روایت کرد اینرابخاری و مسلم

٤) وعن جابر رض قال قال رسولُ الله ﷺ امّا بعد فان خير الحديث كتاب اللهَ و خير الهدی هدی محمّد وشرّ الامور محدثاتها و كلّ بدعه ضلاله – رواه مسلم.

روایت است از جابر گفت که فرمود رسول خدا ﷺ اما بعد پس تحقیق بهترین سخنان کتاب خداوندی است و بهترین راهها راه محمد است و بدترین چیزها آن است که نو پیدا کرده شده است و هر چه بدعت است گمراهیست،

روایت است از ابن مسعود گفت که پرسیدم من از پیغمبر خدا ﷺ را کدام کار محبوب تر است نزد خداوند تعالی فرمودند که نماز در اوقات خود گفتم پستر کدام فرمودند نیکی با پدر و مادر خود گفتم پستر کدام فرمودند جهاد در راه خدا گفت ابن مسعود رض که بیان کرد با من پیغمبر ﷺ اینها را و اگر من زیاده پرسیده بود می البته زیاده می گفتند مرا. روایت کرد اینرا بخاری و مسلم

٥٠) عن معاويه رض قال قال رسُول الله ﷺ مَنْ يُّرِدِاللهُ به خيراً يُّفَقههُ فِی الدّين و انّما انا قاسمٌ والله يعطی متفق عليه

روایت کرد اینرا مسلم روایت است از معاویه رض گفت که فرمود پیغمبر خدا ﷺ هر شخص که بخواهد الله تعالی در حق او خوبی فهم می دهد اورا در دین یعنی در احکام شریعت وعلم و طریقت و حقیقت جز این نیست که من قاسم و دهنده و عطا کننده

٦) عن ابن مسعود رض قال سألت النّبی ﷺ ایّ الاعمال احبّ الی الله تعالی قال الصلوه لوقتها قلت ثم ایّ قال برّ الوالدین قلت ثم ایّ قال حدثنی بهن ولواستْتَزَدتّه لزادنی، متفوتی علیه

روایت است از ابن مسعود گفت که پرسیدم من از پیغمبر خدا ﷺ را کدام کار محبوب تر است نزد خداوند تعالی فرمودند که نماز در اوقات خود گفتم پستر کدام فرمودند نیکی با پدر و مادر خود گفتم پستر کدام فرمودند جهاد در راه خدا گفت ابن مسعود رض که بیان کرد با من پیغمبر ﷺ اینها را و اگر من زیاده پرسیده بود می البته زیاده می گفتند مرا. روایت کرد اینرا بخاری و مسلم

٧) عن ابن عبّاس رض قال قال رَسُول الله ﷺ اشراف امّتی حَمَلَه القرآن و اصحاب اللیل رواه البیهقی فی شعب الایمان

رویات است از ابن عباس رض گفت که فرمود پیغمبر ﷺ که بزرگ قدران از امّه من حافظان و حاملان قرآن اند وشب خیز تهجد گذران اند.

٨) عن ابن مسعود رض قال قال رَسُول الله ﷺ لیس منّا من ضرب الخدود و شقّ الجیوب و دعا بدعوه الجاهلیه متفق علیه

روایت کرد اینرا بیهقی در شعب ایمان روایت است از ابن مسعود رض گفت که فرمود پیغمبر ﷺ نیست از اهل طریقه و اهل سنّت من آن شخص که بزند وقت موت یکی از اقرباء خود رخسار خود را و بدرّد گریبان راوندا کند بندای جاهلیت یعنی وقت گریه کردن سخنانی .

۹) عن ابی هریره رض قال قَالَ رَسُولُ الله ﷺ غُفر لامرأه مومسه مرّت بکلب علی رأس رکیّ یلهث کاد یقتله العطش فنزعت خفّها فاو ثقته بخمارها فنزعت له من الماء فغفر لها بذالک قیل انّ لنا فی البهائم اجرا قال فی کل ذات کبدر طبه اجر. متفق علیه

روایت است از ابی هریره رض گفت که فرمود پیغمبر خدا ﷺ بخشیده شد زنی زانی را بسبب یک سگی که گذشت بر او همان زن و ایستاده بود همان سگ بکنار چاهی و زبان از تشنگی بر آورده بود و قریب بهلاک بود از تشنگی پس برآورد همان زن موزه خود را و عوضِ ریسمان بست در او سر بند خود را پس برآورد آب برای همان سگ پس بخشیده شد او بسبب همین صدقه گفته شد که آیا دراحسان کردنِ هر صاحب جگر تر یعنی ذی روح ثواب است. نقل کرد اینرا بخاری و مسلم-

فائده: ازین حدیث چند چیز معلوم شد یکی اینکه فضیلت صدقه چندان نزد خداوند

بزرگ است که گاهی گناه کبیره بغیر توبه بسبب او بخشیده می شود، دوم معلوم شد که در احسان هر حیوان ثوابست سوای

موذیات که مامور بقتل اند مثل مار و غیره. سوم معلوم شد که در احسان میمخلوقات حتی الوسع سعی ضروریست. چهارم معلوم شد که احسان و صدقه چون بر حیوانی چندان ثواب دارد پس برینی نوع خود که انسانست چه قدر فضیلت دارد.

ع قیاس کن ز گلستان من بهار مرا

۱۰) عن ابی هریره رضی الله عنه قال قال رَسُوْل الله صلی الله علیه وآله وسلم اذا دخل رمضان فتحت ابواب السّماء و فی روایه فتحت ابواب الجنّه و غلّقت ابواب جهنّم وسلسلت الشیاطین وفی روایه فتحت ابواب الرحمه- متفق علیه

روایت است از ابی هریره رضی الله عنه که فرمود پیغمبر خدا صلی الله علیه وآله وسلم چون داخل گردد رمضان کشاده کرده می شوند درهای آسمان و در روایتی دیگر کشاده کرده می شوند درهای جنت و نبد کرده می شوند درهای جهنم و حبس کرده می شوند شیاطین و در روایتی دیگر کشاده کرده می شوند درهای رحمت. روایت کرد اینرا بخاری و مسلم

فائده: یعنی رحمت الهی پی بی پی می آیند و اعمال بغیر مانع بالا می روند و دعا قبول می شود و او را توفیق عبادت می رسد و از موانع عبادت دور می ماند و قوای شیطانی مضمحل و ضعیف می شوند و صغائر بخشیده می شوند و درین ماه نفلی ثواب فرض دیگر ماه ها دارد و فرض او بمقابله هفتاد فرض دیگر شهور باشد

۱۱) عن عثمان رض قال قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم خیر کم من تعلّم القرآن و علمه رواه البخاری

روایت است از عثمان رض گفت که فرمود پیغمبر خدا ﷺ بهترین شما آنست که آموخت قرآن را و آموزانید دیگران را- نقل کرد اینرا بخاری

فائده: ازین حدیث معلوم شد که بهترین مردمان از حیث عبادات معلمان و متعلمان قرآن مجیدند و علومیکه بقرآن تعلق دارند اَللّٰهُمَّ ارزقنا هذاَ العَمل واستقمنا علی ذالک)

۱۲) عن ابی هریره رض ان النبیّ ﷺ سمع رجُلاً یقرأ قل هو الله احد فقال وجبت قلت و ما وجبت قل الجنّه رواه مالک و الترمذی و النسائی

روایت است از ابی هریره رض که شنید نبی ﷺ شخصی را که میخواند سوره اخلاص را فرمودند واجب شد، گفتم چه چیز واجب شد فرمودند که بهشت. روایت کرد اینرا مالک و ترمذی و نسائی

فائده: سه بار خواندن اخلاص ثواب ختم قرآن دارد، در روایتی آمده است که اگر بخواند او را دو صد بار بخشیده شود گناه دوصد ساله او در روایتی آمده است که اگر کسی هزار بار اینرا بخواند محبوب تر است این عمل او نزد خدا از دادن هزار اسپ بازین و لگام در راه جهاد و در بعض روایات آمده است که اگر کسی او را پنجاه بار بخواند بلند می کند الله تعالی برای او پنجاه هزار درجه و دور می کند از او پنجاه هزار بدی و مینویسد برای او پنجاه هزار نیکی.

۱۳) عن ابی الدرداء رض قال قال رسول الله ﷺ الا انبّئکم بخیر اعمالکم وازکها عند ملیککم وارفعاها فی درجاتکم و خیر لکم من انفاق الذهب والورق و خیر لکم من ان تلقوا عدوکم فتضربوا اعناقهم ویضربوا اعناقکم قالوا بلی قال ذکرالله رواه مالک واحمد والترمذی وابن ماجه الا ان ملکا وقفه علی ابی الدرداء.

روایت است از ابی الدرداء گفت که فرمود پیغمبر خدا ﷺ ایا خبرند هم شما را از بهترین تمام اعمال شما و پاکیزه ترین اعمال شما نزد خداوند شما و بلندترین اعمال شما در میان درجهای شما و بهتر است برای شما از خرج و صدقه کردن زر و نقره و بهتر است برای شما از آنکه ملاتی شوید شما با دشمنان خود یعنی کفار پس بزنید شما گردن ایشانرا او بزنند اوشان گردن شما را گفتند آری. فرمود این چیز ذکر خداوند قدّوس است .

روایت کرد اینرا مالک و احمدو ترمذی و ابن ماجه، مگر آنکه مالک اینرا موقوف بابی الدرداء رض کرده است.

فائده: ازین حدیث معلوم شد که ذکر زبان و دل هر دو مراد است و نیز معلوم شد که از تمام اعمال خیر ذکر خدا فوقعیت دارد بلکه روح و رونق تمام عبادات است.

ذکر کن ذکر تاتر اجانست پاکی دل ز ذکر رحمن است

ذوق نامش عاشق مشتاق را از بهشت جاودانی خوشتر است

ع ذوق این می نوند انی بخدا اتا نچشی

۱٤) عَنْ اَبِیْ هُرِیْرَہَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ الله ﷺ لَاَنْ اَقُولَ سُبْحَانَ الله وَالْحَمْدُ لِلّٰہِ وَ لَآ اِلٰہَ اِلّآ اللهُ وَ اللهُ اَکْبَرُ اَحَبّ اِلَیَّ ممّا طَلَعَتْ عَلَیْہِ الشَّمْسُ رواه مسلم

روایت است از ابی هریده که فرمد پیغمبر خدا ﷺ گفتن این کلمات نزد من محبوب تر است از تمام دنیا و مافیها.

۱٥) وَ عَنْہُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ الله ﷺ مَنْ قَالَ سُبْحَانَ الله وَ بِحَمْدِه فِی یَوم مِائَہ مَرَّۃً حُطّتْ خَطَایاهُ وانکانت مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ. متفق علیه

و مرویست نیز از ابی هریره که و مرویست نیز از ابی هریره رض که فرمود پیغمبر خدا ﷺ هر که روزی صدبار سبحان الله و بحمده گوید دور کرده میشوند گناهان او اگر چه مث کف و حباب دریا باشند بخاری مسلم

۱٦) عَنْ اَبی هُرَیْرَہَ رض قَالَ قَالَ رَسُولُ الله ﷺ مَنْ قَالَ لَآ الٰہَ اَلاّ اللّٰہُ وَحُدَہ لا شَرِیکَ لَہُ لَہُ الْمُلْکَ وَ لَہُ الحَمْدُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ فی یَوْمٍ مِائَہَ مَرَّۃً کَانَتْ لَہَ عَدْل عَشَرَ رقَابٍ وَ کتبتْ لَہُ مِائَہ حَسَنُہ وَ مُحِیُتْ عَنْہ مِائَہ سَیّئَہ وَ کَانَتْ لَہ حِرْزا مِنَ الشَّیْطَان یَوْمه ذالِکَ حَتّی یُمْسِی وَ لَمْ یَات احد بِافْضَل ممَّا جَاءَ بِہ اِلارَجُل عَمِلَ اکْثَرْ منه متفق عَلَیْہ

مرویست از ابی هریره رض که فرمود پیغمبر خدا ﷺ هر که در روزی صدبار این را بخواند لا اله الخ رسد او را ثواب آزاد کردن ده برده و صد ثواب نوشته کرده می شوند برای او و صد گناه دور کرده می شود و می شود ایندعا در تمام روز برای او

امانی از شیطان نمی آید در قیامت هیچ احدی بعملی بهتر از او مگر آنکه عمل کرده است زیاده از او

بخاری و مسلم .

۱۷) عن ابی هریره رض قال قَالَ رَسُوْلُ اللهِ ﷺ اَلْعُمْرَةُ اِلَی العُمْرَہِ کَفَّارَۃٌ لِمَا بَیْنَہُمَا وَالْحَجِّ الْمَبْرُوْرُ لَیْسَ لَہُ جَزَاءٌ اِلاَّ الْجَنَّۃُ . متفق علیه

مرویست از ابی هریره رض که فرمود پیغمبر خدا ﷺ عمره تا عمره دیگر کفاره می کند گناهان در میانی راو حجّ پاک را نیست جزائی مگر جنّت بخاری و مسلم

۱۸) عَنْ جَابَرٍ رض قَالَ لَعَنَ رَسُوْلُ اللهِ ﷺ اکِلَ الرِّبو وَمُو کله وکاتبه وَشاهِدَیُه وَ قَالَ هُم سَوَاءٌ – مسلم–

مرویست از جابر گفت که لعنت کرد رسول خدا ﷺ خورنده و خواننده و نویسنده و دو شاهد رار او فرمود که این همه برابراند یعنی در اصل گناه ، ملسم

فائده: مسلمان را باید که از معاملات ربا آمیز بترسد زیرا که قرآن و حدیث بر حرمت قطعی او صریح و بنابر و عید شدیدیکه درین معامله آمده است در هیچ معامله حرام نیامده است و از خوردن ربو نسل انسانی و تمام عبادات اسلامی در خطره می افتد – نعوذ بالله منه .

۱۹) عَن سَهْل بن سَعْد رض قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ ﷺ رِباطُ یَومٍ فِیْ سَبِیْلِ اللهِ خَیْرٌ مِنَ الدُّنْیَا وَمَا عَلَیْهَا– متفق علیه–

مرویست از سهل بن سعد رض که فرمود پیغمبر خدا ﷺ نگهبانی کردن یکروز در راه خدا (یعنی راه جهاد یا تبلیغ) بهتر است از تمام دنیا و آنچه بر سر اوست. بخاری و مسلم

۲۰) عَنْ ابی عبس رض قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ ﷺ مَا اغْبَرَّتْ قَدَ مَا عَبدٍ فِی سَبَیْلِ اللهِ فَتَمَسَّهُ النَّارُ رواه البخاری

مرویست از ابی عبس که فرمود پیغمبر خدا ﷺ گرد آلود نمیشود قدم هیچ کسی در راه خدا یعنی در جهاد و تبلیغ پس برسد او را آتش جهنّم (یعنی نمیرسد او را آتش جهنم) (نقل کرد اینرا بخاری و مسلم)

۲۱) عَنْ اَبِی مُوْسَی الْاَشعَرِی رض اَنَّ النَّبِیِّ ﷺ قال ثَلاثَه لَا تَدْخُلُ الْجَنَّهَ مُدْمِنُ الخَمْرِ وَ قَاطِعُ الرَّحْمِ وَ مُصَدِّقٌ بِالسِّحْرِ رواه احمد رض

مرویست از ابی موسی اشعری رض که فرمود نبی ﷺ سه نفر داخل جنّت نمیشوند همیشه شراب نوشنده و قطع رحمی کننده و تصدیق کننده سحر

یعنی در اول مرحله داخل جنّت نمیشوند یا اینهار اگر حلال دانسته اند گاهی داخل نمیشوند زیرا که کافر می شوند یا که مرا در زجر و تهدید است.

۲۲) عن ابن عمر قال قال رسول الله ﷺ من اقتنی کلبا الاکلب ماشیه او ضارنقص من عمله کل یوم قیر اطال متفق علیه

مرویست از ابن عمر رض که فرمود پیغمبر خدا ﷺ هر شخص که به پرورد سگی را مگر سگ برای حفظ مواشی یا برای

شکار کم کرده می شود از ثواب عمل او هر روز دو قیراط نقل کرد اینرا بخاری و مسلم

فائده- بی عرض خاص مثل ضرورت برای حفظ مواشی و کاشت و برای شکاربدیگر صورت پرورش سگ مناسب نیست بلکه قتل او مامور به است و اگر نه از عمل او روزانه دو قیراط (که دانگی می شوند) کم کرده میشود در بعض احادیث یک قیراط واقع است (و دانگ آن عالم را بمثل کرده احد این دنیا گفته اند)

۲۳) عن ابی هریره رض ان رسول الله ﷺ قال لا ینظرالله یوم القیمه الی من جرّازاره بطرأ متفق علیه

مرویست از ابی هریره رض که فرمود پیغمبر خدا ﷺ نظر نمی کند الله تعالی در روز قیامت یعنی بنظر رحمت بجانب شخصی که دراز کند از اروپا جامه خود را از شتالنگ پائین تر از راه تکبر (بخاری و مسلم)

فائده: از قید تکبر معلوم شد که در صورت عدم تکبر حرام نیست ولیکن مکروه تنزیهی است واگر بسبب عذر مرضی یا سردی دراز شد و دراز کرد مکروه نیست- در روایت دیگر لفظ ثوب آمده است عموما هر لباس که باشد از قمیص و غیره و این قدر دراز کند جائز نیست غرض هر لباس که از قدر سنت تجاوز کند در این وعید داخل است-

در روایتی آمده که یک شخص ازار دراز کرده به تبختر رفت زمین او را فرو برد و او میرود در زمین تا قیامت و در روایتی

دیگر آمده است که آنچه از ازار شتالنگ پائین تر است در جهنم انداخته می شود-

و در روایتی دیگر است که شخصی با ازاری دراز نماز می خواند پیغمبر خدا ﷺ او را باعاده وضو و نماز امر فرمود- و در روایتی دیگر است که در شب پانزدهم شعبان بخشیده می شوند تمام گنهکاران مگر نافرمان والدین و شراب خوارد دائم و دراز کننده ازار-

۲٤) عن ابن عمر رض قال قال رسول الله ﷺ انما یلبس الحریر فی الدنیا من لاخلاق له فی الآخره – متفق علیه-

مرویست از ابن عمر رض که فرمود پیغمبر خدا ﷺ جز این نیست که می پوشد ابریشم را در دنیا آنکس که نیست او را هیچ حصه در آخرت (بخاری و مسلم)

فائده- این حدیث زجر و تهدید است برای پوشندگان لباس ابریشمی که در آخرت ایشان را نمیرسد یعنی داخل جنت نخواهند شد زیرا که لباس جنت همه ابریشم است- غرض بر مردان ابریشم مطلقا حرام است بالغ باشند یا صغیر بهر رنگ که باشند-

۲۵) عن ابن عمر رض قال قال رسول الله ﷺ من تشبّه بقوم فهو منهم راه احمد وابوداود)

مرویست از ابن عمر رض که فرمود قال رسول الله ﷺ من تشبه بقوم فهو منهم رواه احمد وابوداود)

رسول خدا ﷺ هر که مشابهت اختیار کند بقومی پس او از همان قوم است.

فائده: مشابهت با کدام شخصی نه قسم است تقریبا مشابهت در اخلاق و در افعال و در لباس و در خوردن و در نوشیدن و در اقوال و در نشستن و در بنای مکان و در سواری اینکه در عادات مشابهت کسی کند یا در کارها و رسوم یا در لباس پوشیدن ودوختن یا در خوردینهاد نوشیدنیها و نشستگاه ها یا در گفتار یا در مکان بناء کردن یا در سواری مراکبها – الحاصل اگر این مشابهت با بنده صالح باشد خوبست و اگر با کافران و فاسقان باشد حرام است-

مثلا اگر در اخلاق مثل عالمان و صوفیان رفتار کند یا در دیگر مذکورات محمود است-

و اگرریش می تراشد و بروت دراز میکند و لباس زنانه و کفش زنانه می پوشد یا کوت و پتلون فرنگیان می پوشد و سر را تاپ می کند و در باقی مذکورات مثل ارشان می کند حرام است یا مکروه شرح این حدیث طولی دارد که درین مختصر نمی گنجد

٢٦) عن ابن مسعود رض قال سمعت رسول الله ﷺ يقول اشد الناس عذاباً عندالله المُصورون متفق عليه

روایتست از ابن مسعود رض گفت که شنیدم از پیغمبر خدا ﷺ فرمودند سخت تر از تمام مردمان از روی عذاب نزدیک الله تعالی عکّاسان اند –

فائده- یعنی از اشخاصیکه برایشان عذاب سخت می رسد یکی ایشانند بعضی علماء فرموده اند که این و عید در حق کسانیست که بت تراشیده برای عبادت می نهند که کافرند و در بعضی گفته

اند مراد آنانند که بقصد مشابهت و مقابله با خدا عکس کشی می کنند این نیز کافر است و اگر باین قصد نمی کند و بضرورت شرعی نمی کند فاسق است نه کافر و بضرورت شرعی که واجبی و فرضی و شرعی موقوف بعکس باشد مثل حج درین زمانه حائز است و مراد تصویر حیوانان است نه تصویر اشجار و غیر ذی روح که جائز است زیرا که در عرف مصور این حیوان کش را گویند و اشجاری را نقاش می گویند نه عکاس و مجاهد تصویر درخت باردار را هم مکروه گفته اند و نزد محققین نیز خالی از کراهت نیست زیرا که در لهو ولا یعنی داخل است- و در روایتی آمده است که ظالم ترین مردمان عکّاسان اند، و در روایت دیگر آمده است که در خانه که عکس و سگ دران باشد فرشته رحمت داخل نمی شود- غرض همان عکس و سگ است که استعماله آنهاست نباشد نه سگ صید و ماشیه و عکس ضرورت شرعی و عکس پولان و بعضی مطلقا منع کرده اند هر قسم صورت و هر قسم سگ را مراد از فرشته فرشته اعمال و محافظین نیستند دیگر فرشته رحمت وغیره مراداند. و در روایت دیگر آمده است که هر قدر تصویر که عکاس کشیده است الله تعالی در قیامت همین قدر اشخاص پیدا می کند که عکّاس را در جهنم عذاب کنند- و در روایتی دیگر که عکّاس امر کرده می شود که عکس را روح بیند ارو ندارد او قوّت آن –

۲۷) عن عبدالله ابن مسعود رض قال قال رسول الله ﷺ سباب المسلم فسوق وقتاله کفر متّفق علیه.

روایت است از ابن مسعود رض گفت که فرمود رسول خدا ﷺ که بد گفتن و دشنام دادن مسلمان فسق است کشتن او کفر است-

فائده: این تغلیظ و تشدید است درباره منع از اذیت مسلمانان بهر نوع که باشد-

۲۸) عن ابی هریره رض قال قاَل رسول الله ﷺ تجدون شرّ النّاس یوم القیمه ذالوجهین الذی یأتی هوءلاء بوجه وهولاء بوجه مُتّفق علیه.

روایت است از ابی هریره رض که فرمودند رسول خدا ﷺ که بدترین مردمان در روز قیامت دوزخ است که آید بنزد جماعتی بقصد فساد بطوری دیگر و بنزد جمعتی دیگر بطرزی دیگر یعنی مطابق رضای هر قوم سخن می گوید

قطع نظر از آنکه که حقّ و موافق حق باشد کلام او یا نه-

۲۹) عن حذیفه رض قالَ سمعت رسول الله ﷺ یقول لایدخل الجنّه قتّات مُتّفق علیه وفی روایه مُسلم فمّا م ط.

روایت است از حذیقه گفت که شنیدم از رسول خدا ﷺ که فرمود داخل نمیشود در جنّت سخن چین و او آنست که سخن یکی با دیگری رساند و از اونجا باین رساند برای پیدا کردن فساد

۳۰)عن جبیر بن مطعم رض قال قال رسول الله ﷺ لایدخل الجنّه قاطع متفق علیه-ط

روایت است از حبیربن مطعم رض که فرمود رسول خدا ﷺ داخل جنّت نمی شود قاطع رحم-

فائده- مراد اینست که اگر کسی قطع تعلّق خویش واقر بار ابغیر سبب و شبهه حلال دانسته با وجود علم تحریم آن او داخل بهشت نمیشود- یا مراد این است که اول در زمره سابقین داخل نخواهد شد اگر چه بعد از عذاب امکان دارد -

۳۱) عن عمران بن حصیلپن رض ان رسُول الله ﷺ قال مقام الرجل بالصمت الصمت افضل من عباده ستین سنه رواه البیهقی فی شعب الایمان ط

روایت است از عمران بن حصین رض که به تحقیق رسول خدا ﷺ فرمود مرتبه شخص بسببِ خاموشی افضل است از عبادت شصت ساله-

فائده- یعنی عبادت شصت ساله او که با کثرت سخن بوده است و عدم استقامت دین سکوت دائم بی عبادت اولی تر است-

بعضی فرموده اند که مراد اینست که سکوتیکه به مراقبه حقائق و ذکر خفی با حضور قلب باشد اگر چه ساعتی لطیف باشد تا هم از عبادت زبانی شصت ساله که مشوب با سخنهای لغو باشد اولی تر است- کذا قال المحدث الدّ هلوی (اقول و هو ذوقی)

۳۲) عن جریر بن عبدالله قال قال رسول الله ﷺ لایرحم الله من لایرحم الناس متّفق علیه-

روایت است از جریر بن عبدالله که فرمود رسول خدا ﷺ رحم نمیکند برحمت کامل و خالص الله تعالی هر آنکه رحم نمیکند بر بندگان خدا-

۳۳) عن انس رض قال قال رسول الله ﷺ لايدخل الجنّه من لايومن جاره بوائقه رواه مسلم ط

روایت است از انس رض که فرمود رسول خدا ﷺ که داخل نمی شود در جنّت با فائزان آن شخص که ایمن نه باشد همسایه او از بدیهای او-

۳٤) عن ابی امامه رض قال قال رسول الله ﷺ ما احبّ عبد عبدًالله الاکرام ربّه عزّوجل رواه احمد

روایت است از ابی امامه رض که فرمود رسول خدا ﷺ دوست نمیدارد هیچ بنده دیگر بنده را خاص برضای خدا مگر اینکه که تعظیم کرد او پروردگار بزرگ خود را-

فائده: یعنی دوستی دوستان خدا خاص برضائی خدا نه برغبت و طمع دنیوی گویا که تعظیم خداوند جل قدّوس است-

۳٥) عَنْ اَبِیْ هُرَیْرَه رض اِنَّ رَسُوْلَ اللہِ ﷺ قَالَ لَا یحل لمسلم ان یهجر اخاه فوق ثلثه فمن هجر فوق ثلث فمات دخل النّار رواه احمد

روایت است از ابی هریره رض که به تحقیق رسول خدا ﷺ فرمودند حلال نیست برای هیچ مسلمانی که ترک کند ملاقات برادر مسلمان خود را زیاده از سه روز پس هر که ترک کند ملاقات را زیاده از سه روز پس بغیر توبه بمیرد داخل آتش می شود-

و در روایتی آمده است که اگر رسالی قترک ملاقات برادر مسلم کند قریب کشتن اوست یعنی گناه ترک ملاقات و کشتن قریب قریب اند ودریگر روایتی است که افضل از درجه روزه و زکوه و

نماز است صلح کردن در میان دو شخص مخالف و فساد در میان دو شخص تراشنده و خلل اند ازنده در دین است –

و در روایتی دیگر است که حسد نیکی ها را چنان می خورد یعنی بر باد میک ند چنانچه آتش هیزم را می سوزد و خاکستری می کند –

فائده– اگر قطع تعلق و حسد با مخالفان شریعت بغرضی شرعی باشد جائز بلکه واجب است و بناء بر ضرری دنیوی در صورتیکه بدل قاطع نباشد صرف برای تنبیه صورت هم جائز است

۳٦) عن ابن عمر قال قال رسول الله ﷺ ان الرّجل لیکون من اهل الصّلوه و الصّوم و الزّکوه والحج و العمره حتّی ذکر سهام الخیرِ کلّها و ما یجزی یوم القیمه الابقدر عقله رواه البیهقی فی شعب الایْمان– ط

روایت است از ابن عمر رض که فرمود رسول خدا ﷺ به تحقیق می باشد یک شخصی از نمازیان و روزه داران و زکوه دهندگان و حج کنندگان و عمره کنندگان حتی که ذکر کرد تمام اقسام خیر را و جزا داده نمیشود آن شخص در قیامت مکر بقدر عقل او–

فائده: مراد از عقل این جا دریافت کردن اشیاء است و صلاح وفساد آنها از روی مبدا و معاد و تمیز کردن است در میان خیر وشر و احتراز کردن است از ضلالت و آفات نفس و اختیار کردن راه نیک و مقام قرب است و واصل شدن بحق است و مراد از عقل

معاد همین است – علماء اختلاف دارند که علم افضل است یا عقل بر هر طرف جماعتی رفته است.

۳۷) عن عبدالله بن عمر رض قال قال رسُول الله ﷺ من خیارکم احسنکم اخلاقاً متفق علیه ط

روایت است از ابن عمر رض که فرمود رسول الله ﷺ که به تحقیق بهترین شما آنست که اخلاق او خوبتر باشد.

فائده: حسن خلق این که اتباع کن دآن چیز را که آورده است او را محمّد ﷺ از احکام شریعت و آداب طریقت و احوال حقیقت و متّحمل باشد ایذای خلق را به نسبت خود نه بنسبت شرع و در گذرد از ظالم و استغفار و شفقت کند براو–

۳۸) عن ابی هُریره رض قال قال رسول الله ﷺ یقول الله تعالی الکبرباء ردائی و العظمه ازاری فمن نازعنی واحداً منهما ادخلته النار فی روایت قذفته فی النار رواه المُسلم ط

روایت است از ابی هریره رض که فرمود رسول خدا ﷺ که الله تعالی می فرماید بزرگی ذاتی چادرمن است و بزرگی صفاتی ازار من است– یعنی بمنزله چادر و از ارند نزد شما پس هر شخص که بگیرد

از من یکی از آنها داخل می کنیم او را در جهنّم یعنی اگر تکبّر کند در ذات یا باعتبار صفات و میخواهد که یک قسم شرکت کند با من در ذات و صفات من داخل جهنّم می کنم او را الحاصل گویا که تکبّر شرک است و این قدر وعید دارد

۳۹) عن بهزبن حکیم عن ابیه عند جده قال قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم ان الغضب لیفسد الایمان کما یفسد الصبر العسل رواه البیهقی فی شعب الایمان

روایت است از بهزبن حکیم از در خود از جد او که فرمود رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بتحقیق خشم ضرور فاسد می کند ایمان را چنانچه فاسد میکند شهد را شیره درخت فقیرا –

فائده– یعنی کمال ایمان را یا نورا و یا ذات او را باطل می کند نعوذبالله من ذالک–

۴۰) عن ابن عمر رض ان النّبی صلی الله علیه وآله وسلم قال الظلم ظلمات یوم القیمه متّفق علیه–ط

روایت است از ابن عمر رض که فرمود رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم که ظلم کردن سبب تاریکی است در روز قیامت یعنی ظالم را تاریکی در روز قیامت از هر جانب احاطه می کند محروم ماند از نویکی نصیب مومنانست یاشدائد و مصائب جهنم او را احاطه کنند .

ختامه مسک

عن ابی سعید الخذری عن رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم قال من رای منکم منکر فلیغیره بیده فان لم یستطع فیلسانه وان لم یستطع فبقبله وذلک اضعف الایمان رواه مسلم

روایت اسست از ابی سعید خدری که از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم که فرمودند هر شخص که از شما به بیند کدام امری خلاف شرع باید ک تغیر دهد اورا بدست خود اگر قوت دارد مثلا رادیو وباجه ودهل وطبل وشیشهای شراب وبت وگنبد ذریات گاه ودرخت



معبود را بشکند اگر خطر فتنه نیست وقوت دارد .واگر نتواند وقوه ندار پس بزبان منع کند وتغیر دهد یعنی آیات وعید خوانده بلیغ کند ووبه پندار واندرز به ترساند پس اگر طاق بزبان هم ندارد بدل تغیر دهد ومکروه داند وسوزش دل باشد واراده تغیّر داشته باشد بوقت فرصت واین تغیر وئلی ضعیف ترینن درجه ایمانست .

فائد: یعنی این سست زین زمانه ایمانست ازین سبب که اگر بودی اهل زمانه قوی پس قادر می بودند به انکار قولی وفعلی ومحتاج نمی شدند بطرف اختصار صرف به انکار قلبی یا مراد اینست که همین شخص انکار کننده بدل از ضعیف ترین اهل ایمانست ازین سبب که اگر بودی او از اصحاب ایمان قوی اکتفا نمی کرد صرف به تغیر قلبی واین حدیث موید این معنی است افضل الجهاد کلمه حق عندسلطان جابر واین آیه نیز وَلَا یَخافُوْنَ فِی الله لَومَه لَائِم وفرموده اند بعضی ازعلمای گفته اند که معنی اینست که انکار کردن بدل ازین سبب ایمانست که چون بیند چیزیکه خلاف شرع است که معلوم است دردین بالضرور ومکروه نداند اورا راضی باشد به آن وخوب داند اورا کافر میگردد.

پس بداند اگر همان عمل خلاف شرع چیزی حرام باغشد واجب است منع آن ومکروه است مستحب است منع کردن –وشرط امر معروف ونهی از منکر اینست که موجب فتنه نباشد ودیگر شرط اینست که گمان قبول اغلب باشد واگر اغلب گمان آنست که قبول نمی کند –پس واجب نیست تبلیغ مگر خوبست برای اظهار شعائر اسلام.

ولفظ من شامل میگیرد مردوزن را فاسق وعامل را غلام وآزاد را
-_واز شرائط تبلیغ نیست عاملبودن خود زیرا که عمل کردن
واجبی دیگر است وزسانیدن بادیگران واجبی دیگر اگر یکی بکند
از ذمه از آزاد گردد واگر نه بالی ونهی منکر بر حاکمان وعالمان
بیلکه عوام هم بقدر علم خود ماموراند که کنند _ومناسب انست که
امر معروف ونهی منکربنرمی وخاص برضای خدا او بصبر
وثبات و تحمل کند از مصیبت واعتراضات مخالفین متغیر
وپزیشان نگردد وموافق مقام امر معروف ونهی منکر کند. اگر
مصلحت خلوتست خلوت کند واگر مصلحت جلوتست ئر جلوت
کند واگر مصلحت نرمی است بنرمی کند واگر مصلحت تندیست
بتندی کند.

توفیق راز خدادانسته خود را بیش از آله کار تصوّر نکند اگر در
تبلیغ خود اثر بیند عجز بیشتر کند واز خدا داند نه از خود که
شرکست واز استدراج الهی غافل نباشد .

ودر حدیثی دیگر موجود است که فرمود رسول خدا ﷺ که
قسم است مرا با آن ذات پاک که روح من در اختیار اوست ضرور
امر معروف ونهی منکر بکنید واگر نه قریب است که می فرستند
الله تعالی بر شما عذاب پس اگر هر قدر دعا بکنید قبول نمی گردد
برای شما دعای شما.

ودر حدیثی دیگر موجود است که چون بنی اسرائیل گرفتار
معاصی گردیدند علماءایشان را منع کردن چند بار وباز نیامدند
از اعمال خود پس همنشین شدند بایشان علمای شان در مجالس

معاصی شان وهم لقمه وهم کاسه شدند ومداهنت اختیار کردند پس خلط کرد ایشان را خداوند تعالی ومخلوط کرد دل های ایشان را که با اوشان پس لعنت کرد واوشان را که گانه کردند واوشانرا که ساکت ومصاحب بودند بزبان عیسی بن مریم وبزبان داوود بسسب همان معاصی وتجاوز از حدود شرائع وفرمودند هرگز چنان نیست که شما فهیمده یند قسم بخدا ضرور امر معروف ونهی منکر کنید وبگیرید دست ظالم را واورا بحق مائل کنید یاکه مخلوط میکند الله عالی دلهای شما را با دلهای اوشان پس لعنت کنید شما را چنانکه لعنت کرد بنی اسرائیل را (عزیزان من از وعید این حدیث خیلی بترسید که چه قدر وعید وشدید فرموده است)

عن ابن عباس قال روایت است از ابن عباس قال رسول الله علیه گفت که فرمود رسول خدا ﷺ دخل الجنه من امی ﷺ داخل میشود در جنت سبعوی الفاً بغیرٍ حساب هم از امّت من هفتاد هزار بغیر الذین لا یستوفون ولا یتطیرون حساب وایشان آنانند که در وعلی ربّهم یتوکلون متفق علیه وقت مصائب وامراض طلب نکردند وسائل از خلق از قسم تعویذات معالجت ونه فال بد گرفتند وبه پروردگار خود اعتماد میکنندددر هر کار .

فائده: یعنی هفتاد هزار بجز از تابعین شان زیرا که درحدیثی دیگرآمده است که بهمراه هر یکی ازینها نیز هفتاد هزار باشد.

مراد از ینکه تعویذ وغیره نمی کردند یا مطلقا ً هیچ گونه عوید نمکی گرفتند یا بعغیر کلمات قرانی واسمائ الهی بر دیگر چیزها

اعتماد نمیکردند یا راد تعویذ هائیکه دران او همه شرک وبد عات موجود بود نکردند.

مراد ازین اشخاص نزد بعضی هرآن شخص است که از ین چیزها به پرهیزد وبعضی فرموده اند مراد آنانند که غافل اند از الحوال دنیا وآنچه دروست از اسباب مقده برای دفع عوارض کذا قال الحلیمی وبعضی فرموده اند که این درجه خواص اولیاست نه هر کس.

ومراد ازینحدیث توکل در ترک اسبابست که در شریعت منع است نی ترک اسبابیکه خداوند جل قدوس جاری داشته است بر بندگان کَذَاقَاَل الشیخ الاَجَل وَلِی الله الدهْلوِی

وبعضی فرموده اند مراد بترک رقی وغیره اعتماد علی الله است در دفع امراض ورضاست بتقدیر او نی قدح در جواز آن.

توکّل اینست که غلبه کند بر او یقین حتی که ضعیف کند سعی او را در جلب منافع ودفع مضار از جانب اسباب ولیکن میرود بر آنچه جاری داشته است الله تعالی بر بندگان از قبیل اسباب و اکساب با وجود عدم اعتماد بر آن ها کذا قال الدهلوی وهو قول احمد وجمهور الصوفیه وکثیر من غیرهم .

وتوکل با توحید رفاقت دارد هر قدر که مرد در وحید قوی تر باشد در توکّل نیز تر گردد کذا قال ابن القیّمْ.

وصوفیه در راه توکّل دو قسم اند جماعتی ازواصلان اند که بکلی باسباب التفات ندارد با وجود استعمال آنها وجماعتی از سالکان اند که گاهی ایشان را التفات میزفتند.



وجماعتی از محققّین توکل را بکلی ترک الاسباب انگاشته واز ایشانست کشمیری وخطابی تابعان او وفرموده اند که این توکل اخص الخواص است از طبقۀ اولیاء.

الحاصل توکّل هر شخص جدا است وسعتی درین باب موجود است همه بحق رفته اند ولیکن فرقی در مراتب موجود است وگر فرق مراتب نکنی زند یقی)

وتوکّل در لغت بمعنی ترک کار کسی ودر شریع سپرد کرد نست بنده را کار خود بخدا وبرآمد نست از حول وقوّت خود.

وتوکّل در هر چیز جاری مسشود نه تنها در طلب زرق بلکه در هر کار دینی ودنیوی توکل اختیار کند.

واسباب نیز مختلف اند در عالمگیری نوشته است که اسباب دور کننده ضرر سه قسم اند یکی مقطوع به یعنی یقینی چنینی آب بدفع تشنگی وطعام بدفع گرسنگی دوم طبی چنانچه فصد واحتجام واستعمال ادویه.

سوم موهوم مثل داغ وتعویذ ودعا پس تفصیل اینست که ترک کردن قسم اول از توّکل نیست بلکه خلاف توکل است وحرام در صورت خطره موت.

وکردن قسم دوم هم مناقض توکل نیست ولی ترک آن اولی است قسم سوم را مطلقا ترک اولی ست مگر در محل ضرورت هم جواز دارد.

ولی ردقسم اول توکل ترک اوست وقت بودن او معصیه وحرام _ودر قسم دوم ترک مطلقاً ضرروی نیست مگر وقتیکه خطرهٔ فساد اعتقاد باشد _ودر قسم سوم مطلقاً ترک اولی است.

فائده _می گویم آنچه درین زمانه از قسم دار گیر تعویذات که مروج است وتعویذ دهنده هر یکی تعریف واظهار کمال خود وتعویذ خود میکنند واکثر کتب تعویذ شان از قسم طلسمات ونیز نجات وپر از کفریات وشرکیات وعوام اعتماد کلّی بنا برنفع وضرر بر همین اشخاص وتعویذان ایشان کرده همه خلاف توکل واز محرّمات ومکروهات اند که مسلمان را از اینها اجتناب لازم است _مگر تعویذ یکه خاص از آیه قرآنی واسمائ خداوند ی باشد _وتا هم اعتماد نفع وضرر راز خدا کند نه ازاو و این عمل را کسب وصرفهٔ روزگار خود کنند وآنچه ملّایان در کتب دیده بدروغ عوام را میگویند که این مرض از فلان چیز وفلان مکان پیدا شده است در فلان رمان بر سر او افتاده است. کدام نوعی خاص از گوسفند واشیاء تعّن کرده میدهند بنوعی خاص وبطرزی مخصوص این ترویج خلاف توکل وکفزیات وشرکیات است این ملاها در درجهٔ فسّاق جاهدین داخل نمازند ونماز خلف شان مکروه تحریمی است بر ایشان اعتماد حرام است.

فائده این سوال که در خواص وعوام امروز جاریست هم حرام وخلاف توکل که رزّاقیّت خداوند جل علی فراموش کرده در بدر میگردند.

آنرا که تو هبری کسی گم نکند

آنرا که توگم کنی کسی رهبر نیست

سوال از خلق سوائ از ذلّت نتیجه مزید نمی بخشد هر که دس بر کاسه دیگران دراز کرد تا مدّت حیات اوذلیل گردد –چون سوال آورد گردد خوار مرد.

ماند تنها هرکه استخفاف کرد _ سیّدنا شیخ عبدالقادرگیلانی طمع را زا خلق شرک باطن فرموده اند وایشان دادن هم حرامست.

سوال آن را جائز است بنزد فقها که قوت یک روزه داشته نباشد وخود هم چیزی نداشته باشد.

از هیچ قسم اموال وقوت کاو خدمت به مزدوری هم نداشه باشد امّا آنانکه این عللها دارند برایشان حرامست سوال ودادن ایشان نیز حرام.

فائده: وآنچه ائمه مساجد ومدرسین مدارس اعتماد کرده اند که اگر اموال ومزد کثیر درین مسجد ومدرسه برسد از خلق نماز ودرین خوب وبشوق می دهند واگر کدام وقتی کمنی شد در همان خدم دینم خلل می اندازد وگله وشکایت مقتدیان واهل مدرسه را شروع میکنند شمۀ از خلاف توکل دارد.

وبعضی از ائمه مساجد غنی هستند وتا هم تمیز نمیکنند اگر عشر وزکوه وصدقه فطر به ایشان بدهند بردارند حالا نکه به ایشان این اشیا وهر چه از صدقات واجب است حرام وکوه وعشر وصدقه دهندگان هم ادانمی شود .ففکروا

فائده: وآنچه علما كدام از اظهار حق در محل غير مخطور فتنه وفساد بلكه تسامح ومداهنت واتباع رسم وكسالت طبع وخوف ملامت خلق چشمم پوشی ميكنند جزئيت از خلاف توكّل ميكنند جزئيت از خلاف توكّل بلكه اگر تواننده بدست اظهار حق كنند واگر نه بزبان گويند واگر نه بدل تعلق اين چنين اسشخاص ومجالس را قطع كردن واجب است يعنى در آن مجلس وبا چنان اشخاص صحبت نكند كه مخالفان حق ودين قديم اند.واگرنه در وعيدهای سخت كه در حديث بنابر عدم اظهار حق واردادند داخل خواهد شد.
مگرآنكه صحبت بغرض تبليغ دين باشد

(۳) عن ابی هريره قال روايت است از ابی هريره قال رسول الله ﷺ گفت كه فرمود رسول خدا ﷺ وسلكم امرنی ربی بتسع خشيه الله عليه وسلم كه حكم فرمود مرا الله فی السر والعلانيه وكلمه پروردگار من بعمل كردن بر العدل فی الغضب والرضا نه چيز يكی ترسيدن از اودر والقصد فی الفقر والغناوان پوشيده وظاهر.

يعنى بدل اصل من قطعنی واعطی من وجسم يا خلوت وجلوت دوم حرمنی واعفو عمن ظلمنی براست وبرابر گفتن در حالت وان يكون صمتی فكرا ونطقی غضب ورضا).

يعنى در حالت ذكرا ونظری عبره وامر وبدی او را ظاهر نكنی بلكه رواه زرين حق گوئی ودر حالت رضا هم تسامح در اوای بنا بر احسان ورعب كسی ورياﺉ كسی نكنی يامعنی اينكه درين هر دو حال از حقوق شرع تجاوز نكنی يا معنی اينكه در هر دو حال



اچیزی نگوئید که دیگران نتیجه بی فائده نگوئید زیرا که سخن بزرگان شراب ابلهان مقوله مشهور است.سوم اینکه میانه روی اختیار کنید که در فقر باشد ونه در غنا یهعنی طلب رزق بقدر کفایت کنید که نه فقر باشد ونه غنا یامراد اینکه درین هر دو حالت بر طریق استقامت واعتدال.

باش یعنی در فقر غضه وجزع مکن ودر غنا تکبر وسرکشی وعلو اختیار نکند وچهارم اینکه تعلّق را وابسته دارم با شخصیکه قطع تعلق میکنند از من یعنی اکر کدام قریبی از نادانی خفگی اختیار کند ازمن وبدی کند از من اورا تسّی داده بخوبی معامله کنم بدی را بدی سهل باشد جزاء.

اگر مردی احسن الی من اسا پنجم دهم اورا که نمیدهد مرا ششم اینکه با وجود قدرت انتقام از انکه بمن ظلک کرده است در گذر کنم .هفتم اینکه باشد خموشی من مشغولی در فکر اسماء وصفات ومصنوعات ومعانی آیات وحقائق اشیا ونعمائی الهی یا در امور انتظامیه خلق وامه.

هشتم اینکه باشد سخن وگفتار من در ذکر خداوند جل علی یعنی در تسبیح وتحمید وتکبیر وتلاوت وتعلیم اوتحید اسما وصفات ونصیحت خلق ثامر معروف ونهی عن المنکر ونهم اینکه باشد نظر من بعبرت یعنی بوقت نظر در مخلوقات علوی وسفلی وظاهری وباطنی وخلقی وآفای وانفسی عبرت گیرم بکمال قدرتت واستغنای او وعجز مخلوق واحتیاج شان بذات او (وامرکم خلادق رابه نیکی)

این حدیث جامع تمام ابوا خیر است وتعلیمی بزرگ است مرامه مرحومه را درباب اخلاقیات وهر لفظی از ین الفاظهای قابل صد شرح وتشریح است نبذی از فضائل هر یکی بشنوید.

فائده_بدانکه خوف از مقامات بزرگ است وفضیلت آن در خور ثمرات واسباب آنست اما سبب آن علم ومعرفت است حق تعالی فرموده انما یخشی الله من عباده العلما ورسول الله ﷺ فرمودند سر حکمه تر سگاری است از الله تعالی واو ثمرات مختلف دارد مثل عفّت وورع وتقوی واین همه تخم سعادتست وهیچ چیز شهوت را چنان نسوزاندکه خوف و برای اینست که خدایتعالی خائفان را هدایه و رحمت و علم رضوان جمع کرده در سه آیه وَ هُدیً وَ رَحْمَهً لِلَّذِیْنَ هُمْ لِرَبِّهِم یَرْ هَبونَ وَ اِنَّما یَخْشَی اللهَ مِنْ عبَادِهِ العُلَماَ وَ رُضِیَ اللهُ عَنهم وُ رَضُوْا عَنْه ذَالک لِمَنْ خَشِیَ رَبَّه ط

و ثواب خائفان دوچند است فرمودند وَ لِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّه جَنَّتَانِ- و رسول الله ﷺ فرمودند که خدایتعالی میفرماید یعزت من که دو خوف و دو امن در یک بنده جمع نکنم اگر در دنیا از من بترسد در آخرت او را ایمن دارم و اگر ایمن باشد در دنیا و آخرت در خوف دارمش و فرمود ﷺ هر که از خدا بترسد همه چیز از روی بترسند و هر که از خدا نترسد خدا او را از هر چیز بترساند و فرمودند عاقل ترین شما ترسنده ترین شماست از خدایتعالی، فرمود هیچ مومون نیست که یک قطره اشک از چشم او بترس خدا بیاید اگر چه هم چند سر مگسی باشد که آن بروی او رسد که روی او بر آتش حرام شود- و فرمود چون بنده را از

بیم خدا موی بر تن خیزد از وی گناهان او همچنان فرو ریزد که برگ از درخت و فرمود هرکس که از بیم خدا گریه کرد در آتش نرود تاشیرکه از پستان بیرون آمده باشد باز به پستان نرود و عائشه رض گوید که رسول الله ﷺ را پرسیدند که هیچکس از اُمت تو در بهشت داخل شود بی حساب گفت آنکه از گناه خود یاد آورد وبگرید- و فرمود هیچ قطره نزد خدای تعالی محبوب تر از قطره اشک نیست که از خوف خدای تعالی بود یا قطره خون که در راه خدا تعالی ریزند- و فرمود هفت کس در قیامت در سایه عرش خدا باشند از ان جما کسی بود که در خلوت خدا را یاد کرده و آب از چشم او برود-

و راستی و صدق مراتبها دارد که این مختصر گنجائش آنها ندارد امام غزالی بر شش قسم آنرا ذکر کرده است هر که خواهد در احیاء العلوم و کیمیای سعادت بیند-

و میانه روی در غنا و فقر محبوبست زیرا که از کثرت غنا کبر و غفلت خیزد و از فقر خالص کفران نعمت و اوهام فاسده و غنا به این معنی هم فضیلت دارد و این باب چون طوالت دارد لذا بر فضائل فقرا اختصار کردم –

فرمود علیه الصّلوه والسّلام خدای تعالی دوست دارد درویش معیل و پارسا را-

و فرمود ای بلال جهد کن تا چون بخواهی رفت ازین دنیا درویش باشی نه توانگر و فرمود دو درویشان امت من در بهشت روند پیش از توانگران پنجصسد سال و در یک روایت به چهل سال و

فرمود که بهشت را بمن نمودند اکثر اهل او درویشان بودند- و فرمود درویش را روز قیامت بیاورند چنانکه مردمان از یکدیگر عذر خواهند خدایتعالی از وی عذر خواهد و فرماید ای بنده من دنیا را از تو باز داشتم تا در اینروز خلعتهای و کرامتهای من بیابی برو در میان صغوق خلائق هر که ترا روزی برای من طعام یا جامه داده است دست وی بگیر که او را در کار تو کردم و خلق آن روز در عرق غرق باشند او درود هر که با وی نیکوئی کرده باشد دست وی گیرد و بیرون آرود- وفرمود با درویشان آشنائی گیرید و با ایشان نیکوئی کنید که ایشانرا دولت در اه است گفتند آن چیست گفت در قیامت ایشان را گویند که هر که شما را پاره نان و شربتی آب و خرقه جامه داده است دست ایشان را گیرید و به بهشت برید-

وصله رحمی اصلیست از اصول دین فرمود علیه الصلوه والسّلام که حق تعالی می فرماید من رحمان ام و خویشی رحم است نام آنرا از نام خود شگفه ام هر که خویشی پیوسته دارد من به وی پیوندم و هر که ببرد از وی ببرم و فرمود هر که خواهد که روزی او فراخ و عمر او دراز جگردد گر خویشانرا نیکو دارد و فرمود هیچ طاعت را ثواب بیش از ان نبود که صله رحمی را بود و کدام اهلبیتی باشد که بفسق و فجور مشغول باشد جون صلیه رحمی کند مال و فرزندان ایشان از برکت آن می افزاید و فرمود هیچ صدقه فاضلتر از ان نیست که بخویشان دهی که با تو بخصومت باشند-

و عفو نیز مرتبه عظیم دارد و فرمودند هیچ قربت عظیم تر از ان نیست که نکوئی کنی با کسیکه با تو زشتی کند و اگر نتوانی باوی عفو کنی که عفو را فضیلت بزرگ است و فرمود سه چیز است که بران سوگند یاد توانم کرد هیچ مال از صدقه کم نشود صدقه کنید و هیچکس عفو نکند از کسی که نه خدائی عزّوجل او را عزّت زیاده کند در قیامت و هیچکس در سوال برخود نگشاید الّا که حق تعالی در دوویشی بر وی بکشاید

هر که برخود در سوال کشاد تا قیامت نیازمند بود

وصمت یعنی خموشی کاری بزرگ و عالیست که کار هر خامی نیست معاذ رض پرسید از رسول خدا ﷺ که کدام عمل فاضلتر است زبان از دهان برآورد انگشت برآن نهاد یعنی خموشی و فرمود چون مومنی خاموش و با وقار بینید بوی نزدیک گردید که وی بی حکمت نباشد-

سینه ها را خاموشی گنجینه گوهر کند

یاد دارم از صدف این نکته سربسته را

دل ز پر گفتن بمیرد در بدن

گر چه گفتارش بود دَرّ عدن

فکر از مقامات بس بزرگست که جولا نگاه هر ژاژ خائی نیست و بیان مراتب او بکتب ضخیم مفوّض است مثل احیای غزالی و حجه الله دهلوی و غیرهما-

و فضیلت ذکر و امر معروف گذاشته است در اربعین و نیز ازین
حدیث ثابت شد مذمت اضداد این اشیای و آن مستقل کتابی می
خواهد و این مختصر را همین قدر کافیست

٤٠_- عن ابن عباس رض قال قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم ابغض الناس
الی الله ثلثه ملحد فی الحرم و مبتغ فی الاسلام سنه الجاهلیه و
مطلب رم امرأ مسلم بغیر حق لیهریق دمه رواه البخاری-

رویت است از ابن عباس رض گفت که فرمود رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم
مبغوض ترین مردمان نزد خدا سه نفرند یکی کجروی کننده در
حرم دوم طلب کننده راه و رسم جاهلیت در اسلام و طلب کننده
خون مسلمانی به ناحق تاکه بریزد خون او را-

٥٠ – و عن عبدالله بن عمر رض قال قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم لیاتیّن
علی اَمّتی کما اتی علی بنی اسرائیل حذو النعل بالنعل حتی ان کان
منهم من اتی بامه علانیه لکان اُمّتی من یصنع ذالک و ان بنی
اسرائیل تفرقت علی اثنتین و سبعین و تفترق امتی علی ثلث و
سبعین مله کلهم فی النّار الا واحده قالوا من هی یارسول الله قال ما
انا علیه و اصحابی رواه التّرمذی و فی روایهِ احمد والی داود عن
مُعاویه ثنتان و سبعون فی النار واحده فی الجنه و هی الجماعه و
انه سیخرج فی امتی اقوام تتجاری بهم تلک الاهواء کما یتجاری
الکلب بصاحبه لایبقی منه عرق و لا مفصل الادخله

روایت است از عبدالله بن عمر رض که فرمود رسُولِ خدا صلی الله علیه وآله وسلم
البته می آید بر امتِ من زمانه چنان که آمده بود بر بنی اسرائیل
مانند برابری کفش با کفش تاحدیکه اگر در اونها بوده کسیکه زنا

کرده با مادر خود بظاهر البته می شود در امّتِ من هم چنان و به تحقیق متفّرق شدند بنی اسرائیل بر هفتاد دو فرقه و متفرق می شود امت من بر هفتاد سه فرقه که تمام در دوزخ روند مگر یک گروه صحابه رض عرض کردند که آنجماعت کدام است

فرمودند آنانند که بر آنچه من و اصحاب من هستند رفتار کند اینست روایت ترمذی و در روایت احمد وابی داود از معاویه رض مرویست که هفتاد دو گروه در جهنم اند و یکی در بهشت و آن جماعت من است و به تحقیق پیدا می شود در امّت من اقوامیکه سرایت می کند در تمام بدی شان خواهشها یعنی بدعتها در عقائد و اعمال چنانکه سسرایت می کند هار در سگی که او راها راست که باقی نمی گذارد از بدن او هیچ عضوی ورگی و عقده مگر این داخل شود در او.

٦٠–_ و عن غضیف بن الحارث الثمالی قال قال سول الله ﷺ ما احدث ثوم بدعه الا رفع مثلها من السنّه فالتّمسک بسنّه خیر من احداث بدعه رواه احمد–

روایت است از غضیف بن حارث ثمالی که فرمود رسول خدا ﷺ پیدا نمی کند هیچ قوم بدعتی در دین مگر اینکه برداشته می شود از سنت مثل او پس چنگ زدن بسنّتی بهتر است از پیداکردن بدعتی یعنی اگر چه حسنه باشد و در روایتی آمده است که قبول نمیکند الله تعالی هیچ عبادت مبتد ع را از فرض و نفل تا توبه نه کند از بدعت خود–

۷۰–_ و عن ابی هریره رض قال قال رسول الله ﷺ من تمسُک بسنّتی عند فساد امّتی فله اجر مائه شهید رواه البیهقی فی کتاب الزّهد له من حدیث ابن عباس رض–

روایت است از ابی هریره رض که فرمود رسول خدا ﷺ هر که دلیل گرفت بسنّت من وقت فساد و تغیّر امه من، یعنی آخر زمنه یا هر وقت (پس هست برای او ثواب صد شهید)

فائده از احادیث سه اول مذمت بدعت و مبتدعان لائح گشت و از این حدیث فضیلت شخصیکه در این چنین مواقع رفع بدعات کرده بسنت متشبّت گردد لهذا ضرورت افتاد که بطور اختصار تعریف بدعت و تقسیم او کرده آید–

تعریف بدعت اینست که هر امر که کلیه و جزئیه در دین نباشد او را بکدام شب هیئی در جز دین داخل کنند علما یا عملا او بوجه مزاحمت احکام شرعیه بدعت است دلیل این خود در حدیث است و بناء بر این تعریف رسومیکه در مصائب بجا آورده می شوند از بدعات اند نه رسومیکه در مواقع سرور مثل عروس و غیره بلکه اینها از قبیل معاصی اند مگر بعضی از آنها که ملتبس بندین اند نیز بدعت اند.

و نیز اگر امری مستحب که در شریعت وارد است و به او بطوری التزام کرده آید که تارک آن را ملامت کرده شود نیز بدعت می گردد–

و در میان التزام و دوام فرقست دوام اینکه عمل مستحب را بناء بر غرض ثواب دائم می کند ولی او را اعتقاد واجب و ضروری

نمی داند و تارک آن را ملامت نمی کند و در التزام کدام یکی ازین دو ضرور دیده می شود او را التزام اعتقادی و دوم را عملی می گویند این هر دو در بدعت داخل اند اگر چه اوّل اقبح است از دوم و دوام بدعت نیست فتفکر و اصرارهم در معنی التزام است-

بدانکه بدعت بر دو قسم است اعتقادی و عملی اول اقبح است از ثانی پس بعضی هر یکی را بر دو قسم کرده است حسنتی و سیئتی و بعضی حقیقت و صوریتی گفته است و بعضی صرف سیّئه گفته است غرضیکه این تنارعی لفظی است و اصطلاحی نه حقیقی زیرا که بدعت در حقیقت همه سیّه است ولی بعضی چیزها که در زمان پیغمبر نبودند از قبیل دین هم اوشانرا بدعت میگوند اگر چه مرجع و دلیل شان کتاب و سنّه است و لا نافثه فی الاصطلاح و تاهم از بدعتیکه حسنه باشد اتباع سنت اولی تر است زیرا که در و حفظ ادب و اسباب قرب موجودتر است از ثانی کذا قال المحققین.

مسلمانی اگر خواهد که دین او سالمت ماند درین زمانه که بدعات عالم را فرا گرفته و خواص وعوام بدان ابتلا دارند باید که از هر بدعت اجتناب و رزد اعتقادی باشد عملی پس امید است که دین او سلامت ماند و الّا بهر جانب که میل کرد خود را در رکیه هلاکی انداخت نعوذ بالله من ذالک اللهم ارنا لحق حقا وارزقنا اتباع الحق وارنا الباطل باطلا وارزقنا اجتنابه، الحمد لله اوّله و آخره-

والصّلاه علی نبیّه و علی آله و صحبه دائما ابداً

تذییل:

مسئله در کاریکه ناراضی خدیتعالی ورسول علیه الصلاه و السّلام باشد یعنی خلاف شرع باشد اطاعت هیچ احدی از مخلوقات روانیست اگر چه پدر وم ادر و استاد باشد در لباب النقول موجود است که در جنگ بدر چون جماعت اسلامی باگروه کفّار مقابل شد حضرت اوب عبیده رض بن الجرّاح را با پدر خود مقابله افتاد پدر قصد کشتن و نیز حضرت صدیق رض اکبر پدرخود را در حالتی که کافر بود ویک ناشائسته سخن پیغمبر را گفت مشت بر او زد که او بر زمین افتاد و چون پدر پیغمبر شکایت کرد و از صدیق رض دریافت فرمودند گفت که دران وقت شمشیر نبود ور نه گردن او را میزدم بناء بر تعریف شان چند آیات در آخر سوره مجادله نازل شد- مگر کشتن او را در میدان جهاد بدیگری حواله کند مستحب است که ادب پدری ملحوظ باشد و اگر والدین فاسق اند خوب نصیحت کند مگر نزند و بد نگوید حضرت سعید بن المسیب از اکابر تابعی است بناء بر بر وجهی از پدر خود ناراض شد تاوقت موت با او سخن نگفت، و حضرت سفیان ثوری بوجهی شرعی از ابن ابی لیلی که استاد او بود ناراض شد تا وقت موت با او سخن نگفت و بجنازه او نرفت سبحان الله بندگان خدا در کار خدا مسامحت کسی نمی کردند.

مسئله اگر زن لباس نامحرم را بغیر حالت مجبوری بدوزد اگر مرد از فساق است جائز نیست و اگر نامحرم شخصی متّقی و متدین باشد جائز است-

مسئله خیّاط را شلوار دراز که از شتالنگ پائین تر باشد حرام است دوختن آن.

مسئله زنانه لباس و جامه را به نامحرمان نمودن خلاف غیرت است-

آدابی چند

۱- ادب وقتیکه برای ملاقاتی نزد کسی می روی و او را بذکری و تلاوتی و مطالعه خط نویسی وفکری و خوابی مشغول یا آماده دیدی نزد او مرود اگر کاری سخت ضروری داری اوّلاً اجازت طلب کن اگر اجازت داد خوب و گرنه او را تکلیف مده.

۲- اگر در انتظار کسی می نشینی بجای بنشین که او را معلوم نه باشد ورنه او اگر کاری در پرده مثل پیشاب و پاخانه یاذکر و فکر و تلاوتی دارد پریشان می شود مناسب نیست.

۳- مصافحه با کسی وقتی کن که دستهای او خالی باشند ورنه بسلام کفایت کن و او را به خالی کردن دست در مجبوری منیداز.

٤- بلا ضرورت در پس کسی منشین و نماز ادا مکن که او را به برخاستن حرج افتد.

٥- از چنان شخصی که ترا از حالات او معلوم است که اگر سوال کرده شود چیزی مفت یا بقرض یا عایت یا سفارش

غیری بنزد او رسانیده شود با وجودیکه تکلیف میشود ولی میدهد وقبول میکند سوال نباید کرد وسفارش نباید کرد.

٦- بعض اوقات اکابر را گرفتن خدمتی از دیگران پسند نمی شود درچنین وقت اصرار نکنید که فائده ندارد.

۷- نزد شخص مشغول بدرس و تدریس و غیره منشین.

۸- روبروی کسی متوجّه او شده بروی او نظر کرده منشین.

۹- اگر نزد کسی می نشینی چندان نزدیک منشین که پریشان شود و چندان دور هم منشین که سخن ترانه شنود.

۱۰-اگر بنزد کسی مهمان شدی و ترا دان وقت خواهش خوردن نیست او را بمجرد درسیدن اطلاع دهید تا او تکلیفی نکند.

۱۱-اگر مهمان کسی هستی و دیگری ترا دعوت کرد بغیر اجازت میزبان اوّل قبول نکنی.

۱۲-مهمان هر جا که برود بموضوء و غیره بزبان را اطلاع کرده برود تا وقت خوردن به تفتیش او پریشان نگردد.

۱۳-اگر با کسی سخن کردنی است به پشت او نشسته سخن مکن در جلو او آمده سخن کن.

١٤-اگر چیزی که در کار هر کس استعمال می شود مثل میل و بیل و طبرو کارد چون او را بردی و کارخود درست کردی پس بهمان جای اوّلین آورده بنه و به اجازت مالک ببر.

۱۵- خط کسی را اگر چه غائب باشد یا حاضر و او می بیند یا می نویسد مبین.

۱٦-و کاغذات و کتاب و هیچ چیز که در سوی دیگری نهاده است بغیر اجازت برداشته مبین که تکلیف می شود.

۱۷-چیزی غیر را چون ترا خریدنی نیست مبین و اظهار عیب مکن و قیمتش مپرس.

۱۸-اگر کسی بتندنی کاری میرود او را مصافحه و مشغول سخن مکن.

۱۹-در مجلس بزرگ همه اهل مجلس را مصافحه مکن کفایت بصدر انجمن یا شخص متعارف کن.

۲۰-اگر ترابکاری فرمودند و سخنی کردند سخن را بتوجه تام شنیده بعدا بروید.

۲۱-اگر ترا بکاری فرستادند دیگری را واسطه مکن خود تحقیق کرده اطلاع ده.

۲۲-اگر ترا بنزد شخصی بکاری فرستادند تا او را خود به بینی بقول دیگران اعتماد مکن.

۲۳-اگر مخدوم ترا بکاری بفرستد بمجرد تکمیل آن کار او را معلوم کن و منتظر بازپرس او مباشی.

۲٤-و اگر با خود بزرگتری همراهی بغیر اجازت او مستقل کاری مکن.

۲٥-طالب علم و مرید را در حوائج دنیویه دیگران واسطه نباید بود.

۲٦–اگر بر در مسجد و خانه گفش کسی نهاده است او را دور کرده کفش خود را اونجامنه و همچنان اگر چادر و کلاه کسی در صف نهاده و خود بکاری رفته است.

۲۷–در روی مردمان استنجا خشک مکن و پیشاب مکن.

۲۸–طالب علم و مرید را اگر کاری و ضرورتی نزد استاد افتد نزدیک اند بکاغذ و بدیگران اطلاع نه کنند بلگه خود بروند.

۲۹–چون در مجلس بزرگی رسیدی و او در سخن یا تقریر مشغول است ایستاده انتظار نکن به نشین و بعد ملاقات کن.

۳۰–اگر کسی با تو سخن گوید بتوجه تام بشنو.

۳۱–اگر مهمان کسی شدی او را بخاص خوردنی فرمایش مکن.

۳۲–در مجالس آب دهن میناز وبینی صاف مکن.

۳۳–در وقت خوردن نام اشیاءٔ نفرت انگیز مثل پیشاب پاخانه ، موش، سوهمار مبر.

۳٤–در روی بمیار واقارب اونا امید سخن مکن تسلّی انگیز سخن می باید.

۳٥–در مجلس مردمان جاروب مده.

۳٦–مهمان اگر چه سیر نیست ولی قدری طعام در ظرف بگذارد تا میزبان تسلّی گردد که سیر شد.

۳۷–در راه چیز موذی میناز.

۳۸–اگر بجای سترکسی دانه وریش باشد جایش مپرس.

۳۹-خسته خرما و پوست انار وغیره بعد از خوردن بطرف سی دیگران میناداز.

٤٠-در مجالس چیز تیز مثل کارد و غیر کشاده دردست بی ضرورت مگیر.

٤١-در راه چیز نوک دار را باحتیاط در دست گیر تاکسی را نه.

٤٢-در راه اگر شاخ درختی آمد و سد راه شد تو او را گرفته از شخصی عقبی باز مدار بگذار که او خود باز دارد.

٤٣-با کسیکه خصوصیت نداری از احوال خانه اش بطور سلام! و غیره مپرس.

٤٤-و اگر سخن پریشانی وغم کسی بشنوی بی تحقیق با دیگران مگو.

٤٥-اگر بر سفر ضرورت نان و شور با افتاد ظرف را از روی مهمان بر مدار در دیگر ظرفی این چیزها را بیار.

٤٦- در روی زنان و بچه گان سخن بی شرمی مکن.

٤٧-کدام خادم و مرید و طالب خود را چندان مقرب مکن که سفارش دیگران بنزد تو آورد.

٤٨-در مسجد جای دیگر چنان جای بنماز مالیست که راه دیگران بند شود.

٤٩-اگر نزد کسی خواهی اولاد او را بطوری اطلاع داده بروید.

٥٠-اگر کفش بزرگی راست کردن می خواهید درچنان وقتی راست میکن که او خود متوجه آنست.

۵۱-اگر بنزد کسی بکاری میروی بمجرد حصول موقع سخن خود ظاهر کنید در انتظار میندازید.

۵۲-در وقت طعام حاضرشونده را زیاده از دو سه بار برای مشارکت اصرار مکن.

۵۳-در میان سخن دیگران سخن مکن.

۵٤-در مجالس بی ضرورت سخت مخواب و پادراز مکن خصوصا اگر مجلس استاد باشد.

۵۵-بواسطه دیگران مسائل دریافت مکن تا اعتماد برونه باشد.

بعض آداب دادن هدیه

۱- هدیه را پوشیده ده.

۲- اگر هدیه غیر نقد است از مهدی الیه تحقیق کرده بموافق ضرورت او بده.

۳- هدیه دهنده غرض خود بیان نکند.

٤- در هدیه شیخ مگو ترا و فلان راست.

۵- جائیکه شیخ است و متعلّقین دارد هدیه را مخصوص به او کند.

آداب خط و کتابت

۱- عبارت و مضمون خط بالکل صاف باید.

۲- در هر خط عنوان خود کامل باید نوشت.

۳- در یک خط چندان سوال نه کن که بر مجیب گران گذرد.

٤- در خط استاد و شیخ سلام دیگران منویس مگر خواص مجلس او را.

٥- و در خط بزرگان القاب مثل قبله و کعبه منویس.

این آداب از رساله « آداب معاشرت» مولانا تهانوی رح تا خوذند مگر آدابی چند که از اضافات احقر است.

و اخر دعوانا ان الحمد الله رب العالمین

وَ صَلّی اللهُ تَعالی عَلی خِیْرِ خَلْقِه مُحَمَّدٍ وَ اٰلِه وَ اَصْحبِه اُجْمَعیْنْ

بسم الله الرحمن الرحیم

مَسائِلِ قُربانِی

۱- بر اوتوانگر قربانی واجب است.توانگر آن است که ۵۲ توله و ٦ ماشه نقره داشته باشد یا ۷ توله و ٦ ماشه زر داشته باشد یا قیمت همین مقداررا از تومان یا پاکستانی داشته باشد یا چیزی دیگری داشته باشد که قیمت آن همین مقدار باشد. غیرازمسکن و متاع مسکن و سواری و خادم او و زمین که از او این قدر حاصل نه باشد که خرج سالیانه او تکمیل کرده نیز مقداریکه قیمت آن ۵۲ توله و ٦ ماشه باشد از نقره باقی ماند.و این قدر مقروض هم نباشد که این مقدار را بجای قرض به برند.

۲- و غنادر آخر وقت روز سوم قربانی معتبر است اگر چه جلوتر فقیر باشد و اگر در همین وقت کافر مُسلمان شد یا فقیر توانگر شد یا صبی بالغ شد یا مسافر مقیم شد یا مجنون عاقل شد یا بنده آزاد شد بشرط غنا بر او قربانی لازم باشد.و اگر در او اهل بود ولی در آخر وقت اهلیهٔ مذکورهٔ باطل شد تا حال قربانی نکشته بود از او ساقط باشد.

۳- اگر غنی قربانی خرید و گم شد پس او فقیرشد نیست بر او خرید قربانی دیگر و اگر همان اوّل آمد در حالت فقر و نیز بر او لازم نیست.

٤- زن بمهر معّجل اگر شوهر غنی باشد غنی شمرده شود و بمهر مَوجل غنی نیست.

٥- اگر نزد کسی زائد از خرج سالیانه کدام جنسی باشد از و غیره که قیمت آن ٥٢ توله و ٦ ماشه از نقره میرسد قربانی بر او واجب است.

٦- و اگر کتب برای فروخت است یا غیراهل است از درس و مطالعه و قیمت آن مقدارِ مذکور باشد واجب است.

٧- صاحب دو خانه که یکی صیفی و یکی شتوی و یکی انبار باشد بر او واجب نیست و اگر خانه دیگر زائد که بهمان قیمت بالا ارزش داشته باشد واجب است.

٨- و اگر دو فرش که یکی حیفی و دیگری شتوی باشد و دیگری برای بهمان چهارم اگر بهمان قیمت لرز و براو واجب است. و لباس پوشیدنی را همین تفصیل است.

٩- دهقان به یک اسب و یک خر و زارع به دو نر گاو. و مکاری بیک اشتر و صاحب گوسفند بیک گوسفند غنی نیست. این جمله را اگر یکی ازینها زائد شد وقیمت آن ارزش مقدار بالا داشته باشد واجب است وبیک گاو ماده هم غنی است اگر زائد از حوائج اصلیه ودَین بوده قیمت مذکور داشته باشد.

١٠-و ظروف خانگی اگر زائد از استعمال اند و قیمتِ آنها به پنجاه و دو توله و شش ماشه از نقره میرسد بر سرِ او قربانی واجب است.

۱۱-بر صبی و مجنون دائمی معتوه قربانی نیست.

۱۲-اگر توانگر در ایام قربانی قبل ادای او مرد ساقط شُد از ذمّئه او قربانی.

۱۳-اگر فقیر در اوّل قربانی کرد و بعداً در عین ایام نحر غنی باشد قُربانی دیگر ادا کند

١٤-در ایام نحر تصدیق نفس قربانی و قیمت آن اعتبار ندارد.

۱۵-نیابةٔ در قربانی جائز است.

١٦-کسیکه بر خود قربانی واجب کرد پس قربانی نکرد تا آنکه ایام نحر گذشتند پس عین آن قربانی را تصدق کند و اگر گم شد قیمتش تصدق کند.

۱۷-اگر قربانی گم شد و دیگری خرید بعداً آن هم دیده شد اگر غنی است یکی اختیار کند و اگر فقیر است هر دو را ذبح کند.

۱۸-اگر برخود ده قربانی واجب کرد همه لازم میشوند.

۱۹-اگر قربانی بنیّت قربانی خرید و یابغیر نیّت خرید و بعد نیّت کرد یا خرید و بعداً زباناً بر خود واجب کرد در دو صورت اولی فروخت او جائز است نه صورت سوم.

۲۰-از قربانی منذوره نخورد همه را صدقه کند.

۲۱-اگر نذر مطلق کرد یا گوسفندی نذر کرد در اوّل گوسفندی لازم آید و اگر در ثانی گاوی یا شتری ذبح کرد هم جائز است.

۲۲-روز اول قربانی افضل است و در شبهای آن هم جائز است تا غروب آفتاب روز سوم ولی روز افضل است از شب.

۲۳–و اگر در روز قربانی شک شد تا روز سوم تاخیر نکند و اگر کرد و مشکوک شد مستحب است تصدق همه و فضل مابین مذبوح و غیر مذبوح را هم تصدق کند.

۲٤–بر اهل قری بعد طلوع آفتاب قربانی افضل است و در حق اهل المصار بعدخطبه امام و اگر امام در نماز بود و مصری ذبح کرد روا نباشد، و بعد سلام او جائز است و اگر بعد نماز ذبح کردند و بعد از آن معلوم شد که اما بی وضو نماز خوانده بود هم جائز شد و اگر نماز را تاخیر کردند تا روز دیگر بعد زوال در روز اوّل و در باقی روزها مطلق قربانی جائز است اگر قروی به نماز عید رفت و اهل خود را بذبح قربانی خود بعد طُلوع آفتاب امر کرد جائز است و اگر مصری قربانی خود در قری فرستاد و قبل نماز ذبح کردند جائز است. بشرطیکه بجای برده اند که آن جا بر مسافر مصر قصر نماز لازم آید.

۲٥–اگر قربانی معیّنه رت در ایّام نحر ذبح نکرد و بعد از گذشتن ایّام زنده و تصدق کند یا قیمت آن تصدق کند یا ذبح کرده همه گوشت آن را تصدق کند و فضل مابین زنده و مذبوحه را تصدق کند و اگر تا سال آینده گذاشته ذبح کرد روا نباشد.

۲٦–و اگر غنی قربانی نگر و بعد از ایام نحر مرد وصیت بر او لازم است قربانی از گاوُ و شتر و گوسفند است نه غیر وحشی جائز نیست و اگر از انسی و وحشی بچه پیدا شد اعتبار بمادر

است اگر انسی است جائز است و اگر وحشی است جائز نیست.

۲۷-از گوسفند یکساله و از گاو دوساله و از شتر پنج ساله و از برّه شش ماهه قابل و رشید معتبر است.

۲۸-گوسفند از یکنفر و گاو و شتر از هفت نفر جائز است.

۲۹-جائز است در قربانی خایه و ذکر بریده و عاجزاز ولادت از کبر سنی و ذی داغ و آنچه بکدام علّت شیر ندارد.

۳۰-کور و یک چشم و لنگ که تا جامی کشتن رفتن نتواند بریده هردو گوش و بریده دم و بی گوش مادرزادی نه خورد گوش و یک گوش بریده به تمام و یک گوش مادرزادی و آنکه از کدام عضو اوبیشتر از نصف بریده شده است جائز نیست و آنکه یکپای اوشکسته ووقت رفتار بر زمین نمی نهد.

۳۱-جائز است بآنکه اکثر دندان دارد و علف خوردن میتواند و دیوانه که می چرد دگرّ دار فربه و مشقوق الاذن طولا و مخروق الاذن از جانب دجه و پشت و احوال پشم بریده و زبان بریده که علف میتواند خورد و آنچه زبان ندارد و آنکه موی او ریخته است.

۳۲-بینی بریده و رُخ شکسته که بمغز آن رسیده و پستان بریده و شیر خشک شده و جلالۀ که دیگر چیز نخورد و لاغر که بغایۀ رسیده و مقطوعۀ سر پستان بای و او آنچه یک پستان دارد از گوسفند و از گاو وشتر آنچه دوندارد و آنکه

یکی از قوائم او بریده است و خنثی وآنچه یک پستان شیرش خشک شده از گوسفند و دو از گاو.

۳۳-برابر است که این عیب با اوّل داشته بودند یا بعد پیدا شده اند مانع اند. مگر آن عیب که در عین ذبح پیدا شود. مانع نیست اما برای قربانی توانگر نه قربانی فقیر.

۳٤-هر چه قیمت آن بیشتر است افضل است.

۳٥-کسی قربانی بده درم خرید و ذبح کرد و دیگری هزار درم درین روز داد صاحب قربانی افضل است.

۳٦-قربانی مرغ به تشبه قربانی درین روز مکروه است.

۳۷-مستحب است تیز کردن کارد و ذبح بدست خود اگر میداند و تقسیم حصه سوم و خوردن از قربانی خود.

۳۸-و مکروه است بریدن موی و پشم قربانی و دوشیدن و خوردن شیر او بلکه تصدق کند و صدقه کند سرگین آن را و صدقه کند پوست او را یا خود استعمال کند و مزد ذابح را از آن ندهد.

۳۹-و اگر قربانی بچه آورد و ذبح کند بچه را با مادر پس باشد یا پیش یا زنده صدقه کند او را در روز بای نحر و اگر فروخت او را قیمتش تصدق کند تصدق آن زنده اولی است و بعد از ایّام نحر زنده تصدق کند و اگر تا سال دیگر گذاشته و ذبح کرد اعتبار ندارد دیگری ذبح کند و آنرا مذبوح تصدق کرده نقص قیمت زنده را هم تصدق کند.

٤٠-اگر قربانی به بیع فاسد یا هبته فاسده او را رسید قربانی کردن جائز است.

اگر مستودع یا مستعیر یا مستاجر حیوان و دیقه و عاریه و اجارهٔ را بغیر اذن قربانی کرد جائز نیست اگر چه بعداً قیمت اداکند. و بهچنین مرهونهٔ را.

٤١-اگر اوّل گاوی بخود خرید بعدا دیگر آنرا شریک کرده جائز است.

٤٢-اگر گاوی ذبح کرد برای این سال و شش سال گذشته یا آینده جائزنیست از باقی سالها و باین سال جائز است.

٤٣-گاو مشترک را شرکاء ذبح کردند جائز است.

٤٤-اگر بوصیت مرده از مرده قربانی کرد همه را تصدق کند و نه خورد و اگر تبرعاً به او قربانی کرد مثل قربانی خود بخورد و تقسیم کند و اگر بر ذابح قربانی باشد و نیّت بمرده کرد قربانی از زنده ادا می شود و ثواب مرده را می رسد. همین است حکم قربانی که برای پیغمبر علیه الصلوٰة و السلام باشد.

٤٥-آنچه از مادرزاد شاخ ندارد جائز است.

٤٦-عامله قریب ولادت را قربانی مکروهست غیر قریب را جائز است.

٤٧-قربانی حیوان عقمیه جائز است.

٤٨-از چند مرده هم یک قربانی جائز است.

٤٩-قربانی مسروقه که بلا علم خریده شد جائز است.

۵۰-اگر حیوانیکه بحصّه داده بود و از مالکش خریده قربانی کرد جائز است اواگراز پردرنده خرید کرد جائز نیست و جائیکه شبه قویست تحقیق واجب است.

بسم الله الرحمن الرحیم

ضمیئه مسَائل قربانی زادالحقیر در طبع دوم

مسئله ۱: اگر غنی در روزهای قربانی قربانی نگرفت بعد روزهای قربانی واجب است که قیمت یک گوسفند یا قیمت هفتم حصّه گاو یا اشتر یا گوسفندی یا گاوی گرفته زنده تصدق کند.

(احسن الضّاوی)

مسئله ۲: اگر در مصری بکدام عذر روز اول عید نماز عید خوانده نشد قربانیها را بعد زوال ذبح کنند نه جلوتر البته روز دوم و سوم جلوتر از نماز هم جائزاست.

(احسن الضّاوی)

مسئله ۳: تصدق پوست قربانی بر نبی هاشم روا نیست.

مسئله ۴: نقل پوست قربانی از دهی بدهی مکروه نیست.

(مجموعۀ الضّاوی)

مسئله ۵: قربانی اشتر از گاو بهتر است.

مسئله ۶: ذبح قربانی گنگ را جائز است و همچنین ذبح غیر قربانی.

مسئله ۷: دو قربانی بر هم دیگر غلطانیده بیک تسمیه ذبح کرد حلال اند. (مجموعۀ الضّاوی)

مسئله ۸: در بلوچستان چونکه مسئله بردگی ثبوت شرعی ندارد بردهای این ملک اگر نصاب قربانی داشته باشند برایشان

قربانی واجب است و اگر نفقه حج و زکواهٔ داشته باشند حج و زکواۀ هم برایشان فرض اند.

مسئله ۹: هفت نفر اگر در یک گاو شریک بودن ولی سهمیه یکی از هفتم حصّه کمتر بود قربانی هم روا نیست.

مسئله ۱۰: اگر چند نفر در قربانی مشترک بودند و جلوتر بیکی اجازت داده بودند که ذبح کند ولی وقت ذبح همه حاضر نبودند جائز است که یکی ذبح کند.

مسئله ۱۱: اگر از گاو یا گاومیش یا اشتر یک پستان خشک شده است یا بریده است قربانیش رواست تا دو خشک نشود اما گوسفند بخشک شدن یکی هم روا نیست.

مسئله ۱۲: با سود خوار در قربانی شریک شدن خوب نیست.

مسئله ۱۳: بقول مفتی به اسب اگر چه حلالست ولی قربانی او روا نیست.

مسئله ۱۴: اگر چند نفر غنی در یک گاو شریک بودند در قربانی پس جلوتر از ذبح یکی کناره گرفت و دیگری آمد و جای او گرفت اشکال ندارد. اما اگر همان کناره گیری فقیری بود که او شامل شده بود پس قربانی هیچ یکی روا نمی شود تا او را دوباره شامل نکنند.

مسئله ۱۵: قیمت پوست قربانی به نبی هاشم روا نیست.

مسئله ۱۶: اگر کسی از پدر و اهلیه و اولاد بزرگ خود بدون اذنِ آنها و بدون وجود عادت جاریه برای قربانی از آنها در صورتیکه بر سر آنها واجب بود در گاو هفت نفری یک سهم

نیّت کرد قربانی همه شرکاء روا نیست در قولی.و اگر تبرعاً بود صحیح است و راجح اینست که همان قربانی از خود او ادا می شود و صحیح می گردد.

از امدادیه ج ۳– صفحه ٥٣٢ و احسن الفتاوی غیر مبوب صفحه ٥٥٦

مسئله ۱۷: اگر کسی کشته قربانی گوشت او را فروخت بر او واجب است که قیمت آنرا تصدق کند و فروختن گوشت او روا نیست او را بخورد یا به فقرأ و اَغنیا دهد و بعد فروخت قیمت فقط بفقراء دهد نه اغنیاء را.

مسئله ۱۸: بر هر غنی مقیم که پانزده روز جائی اقامۀ کند مثل مکه مکرمه یا کویت یا خلیج برا مثال کسانیکه درین ملکها به طلب کاسبی میروند و میمانند قربانی واجب است.

مسئله ۱۹: اگر هفت نفر هفت گوسفند برای قربانی مشترک خریدند و کشتند بلاتعین هریکی جائز است قربانی همه رواست.

مسئله ۲۰: ثواب یک قربانی را بر چند مرده بخشیدن رواست.

مسئله ۲۱: قربانی گوسفند بی مو وسوخته مو و بی مو از خارش و غیره اگر فربه باشد رواست.

مسئله ۲۲: قربانی واجب کسی را اگر بجز از اذن او ذبح کرد روانیست و اگر چه همان غیر زن و بچه او باشند. البته اگر عرف باشد رواست از زن و بچه نه غیر. و نفل بغیر اذن هم



رواست. و اگر در صورهٔ اول ذبح کرد بقول را حج از خود ذابح ادا میگردد.

مسئله ۲۳: قربانی حیوان خنثی روا نیست.

مسئله ۲۴: حیوان ذی حمل را قربانی کردن جائز است.

مسئله ۲۵: ریسمان و غیر قربانی را صدقه کردن مستحب است.

مسئله ۲۶: در قربانی اشتر و گاو ماده افضل است و در گوسفند اگر خصی باشد نر افضل است و اگر قیمت ماده زیاده است ماده افضل است و اگر نه پس نرافضل است.

مسئله ۲۷: و اگر امام روز عید نماز خواند و چند نفر رفته قربانیهای خود را کشتند و بعداً معلوم شد که امام وضو نداشت قربانی او را شده است احتیاج بقربانی دیگر نیست.

مسئله ۲۸: گوسفندیکه بینیش بریده باشد قربانی آن روا نیست.

مسئله ۲۹: گوسفندی که زبانش بریده است اگر میتواند که علف بخورد رواست و اگر نمیتواند روا نیست اگر زبان گاو بریده است روا نیست و اگر از مادرزاد زبان ندارند گوسفند جائز است نه گاو.

مسئله ۳۰: اگر گاوی ذبح کرد به نیت ۷ سال یکی سال جاری و باقی سالهای گذشته برای این سال جائز است نه برای باقیها.

مسئله ۳۱: اگر هفت نفر گاوی خریدند یکی بخاطر قربانی واجب و یکی به نذر و یکی به نفل و یکی به عقیقه همه جائز است.

مسئله ۳۲: اگر هفت نفر گاوی خریدند یکی از آنها مرد و وارثان اجازت دادند جائز است قربانی و اگر اجازت نگرفتند برای کسی روا نیست.

مسئله ۳۳: اگر فقیر نفلا قربانی کرد پس در وقت توانگر شدن اعاده قربانی دوباره واجب نیست.

مسئله ۳۴: کسی برخود قربانی گوسفندی واجب کرده بود و بجای آن شتری یا گاوی ذبح کرد جائز است.

مسئله ۳۵: اگر گوسفندی سلامت خرید کرد بعد از آن معیب شد غنی را لازمست که دیگری گیرد لیکن برای فقیر همین هم رواست و همچنین اگر از اول عیب دار بود بر فقیر جائز است.

مسئله ۳۶: و اگر قربانی گم شد و دیگری خرید پس در ایام قربانی اول هم پیداشد برغنی یکی لازمست اختیار دارد پس اگر اول را کشت خیر و اگر اخیر را کشت و قیمتش ازقیمت اول کمتر است همان قیمت زاید را تصدق کند و بر فقیر کشتن هردو لازم میگردد.

مسئله ۳۷: اگر ۷ نفر در گاوی شریک شدند یکی نیهٔ قربانی اینسال و سائرین نیهٔ سالهای گذشته کردند قربانی آن یکنفر صحیح شد و نیت سائرین باطل است البته مقطوع میگردد و

برایشانست تصدق گوشت آن و برآن یکنفر نیز تصدق لازمست.

مسئله ۳۸: چون قربانی را معین کرد پس پشم و موی او را نه چیند و از شیر او استفاده نکند و اگر او را قبل وقت بغیر ضرورت ذبح کرد گوشت او را نخورد تصدق کند و تبدیلش بی ضرورت هم مکروه است.

مسئله ۳۹: اهل مکه مکرمه اگر چه حج کنند قربانی هم براهل آن واجب است.

مسئله ۴۰: و اگر شهرستانی بعد سلام اول امام از نماز عید قربانی خود را ذبح کرد جائز است.

مسئله ۴۱: و اگر بعد نماز عید و قربانی معلوم شد که این روز عرفه و نهم بوده است اعاده نماز و قربانی در روز عید دوباره واجب است.

مسئله ۴۲: اهل دهات میتوانند که بعد طلوع صبح صادق روز عید قربانی بکشند اگر چه بعد طلوع آفتاب بهتر است.

مسئله ۴۳: بادیه نشین و چادرنشینان که بکدام شهرستان متصل اند و تابع آن شهرستان بشمار میروند نمیتوانند که جلوتر از نماز عید آن شهرستان قربانی بکشند و اگر کشتند روا نیست دوباره بعد نماز عید کشتن واجب است.

مسئله ۴۴: و اگر شهرستانی قربانی خود را از شهر بیرون کرده به جائی برده کشت که شهری بخروج آنجا مسافر میگردد و جلوتر از نمازعید کشت روا باشد.

مسئله ۴۵: و اگر روز نهم یا جلوتر از نماز عید قربانی را کشت و بعدا معلوم شد که روز نهم عید بود و عید روز یازدهم بود قربانی این هر دو روا باشد اعاده نمی خواهد.

مسئله ۴۶: اگر قربانی را ایام قربانی ذبح نکرد و بعد ایام قربانی اولی تر است که زنده تصدق کند یا قیمت او را تصدق کند آنرا خود گیرد و یا ذبح کرده گوشت آنرا تصدق کند اما اگر قیمتش در زندگی بیشتر بود مثلاً در زندگی هزارتومان قیمت داشت و قیمت گوشت آن ۸۰۰۰ تومان شد دوصد تومان اضافه تصدق کند و اگر از گوشت آن خود چیزی برداشت قیمت آن گوشت را تصدق کند و اگر ذبح نکرد تا سال دیگر آمد در روز عید بنیّت قربانی پارینه ذبح کرد روا نباشد.

مسئله ۴۷: اگر قربانی را که خریده بود فروخت یا کشت یا داد و دیگری خرید این را سه صورتست. یکی اینکه وقت خرید اول نیت قربانی کرده است.دوم بعد خرید خود نیت قربانی کرد سوم بغیر نیت قربانی خرید ولی بعدا آنرا بر سر خود واجب کرد زباناً مثلاً گفت برای خدا لازمست بر من قربانی این گوسفندی درین سال یاعین وقت خرید چنین گفت پس در صورت اول به فتوای ابویوسف و در صورۀ سوم واجب میگردد و بس نه در صورۀ اول و همین مفتی به است پس رد بدل آن هردو صورت رواست.

واگر در صورت سوم آن قربانی بچه آورد هم حکم قربانی دارد اما اگر فروخت آن بچه را رواست باکراهیت نزد طرفین.

مسئله ۴۸: اگر قربانی بر خود واجب کرده بود و مرد نزد طرفین در میراث داخل شد کشتن آن واجب نیست امام دوم می گوید اگر جلوتر از ایام نحر مرد همین حکمست نه بعد آنها یا در آنها آنوقت واجب است که بکشند.

مسئله ۴۹: اگر قربانی بر خود واجب کرده پس دیگری خرید فروخت اول نزد طرفین رواست اما اگر دوم را کشت و قیمتش از اول کمتر بود همان کم بود را از قیمت اول تصدق لازم است.

مسئله ۵۰: اگر قربانی فرار کرده وحشی شد در ایام قربانی او را مثل شکار دور کاردی تیز زد و بسم الله اکبر کرد و آن مرد حلالست و قربانی روا باشد.

مسئله ۵۱: اگر بچه قربانی را ذبح و تصدق نکرد و قیمت هم تصدق نکرد تا سال دوم آمد به نیت همین سال قربانی کردن روانیست. البته اگر قیمت اولش در آن زمان تصدق کرده بود و اینوقت قربانی کرد روا باشد.

مسئله ۵۲: مردی چند گوسفندی قربانی کرد از خود و عیال خود بغیر تعیین هر فرد و البته بحساب مردم یکی کشت روا باشد.

مسئله ۵۳: اگر از مادرزاد اصلاً قربانی چشم ندارد روا نیست.

مسئله ۵۴: اگر دم اصلاً ندارد روا نیست و اگر خیلی کوچک دارد رواست.

مسئله ۵۵: اگر بچه قربانی را ذبح کرد گوشتش نخورد همه را تصدق کند و اگر خورد قیمت آنرا نزد ما تصدق کند. و اگر آن بچه را ذبح نکرد زنده تصدق کند.

مسئله ۵۶: اگر مشتی پشم از پشت بره بخاطر نشان کردن آن گرفت در روزهای نحر آن پشم را تصدق کند نه اندازه دوهبه نکند و استعمال نکند.

مسئله ۵۷: گوسفندی به شراء فاسد خرید کرده قربانی کرد روا باشد.

مسئله ۵۸: پنج گوسفند است که اگر از ملک غیرگرفته قربانی کرد روا باشد بعد ضمان قیمت آن.غصب ، دزدی، مال ولد صغیر، یا کبیر یا مال غلام مأذون مدیون مستغرق بدین ، و شراء فاسد، و شش اند که قربانی نمی شوند، امانت، عاریهٔ، بضاعهٔ، رهن، و وکیل به مال موکل. و وکیل به نگهبانی مال.

مسئله ۵۹: قربانی را غاصب برده به نیت مالک ذبح کرد روا باشد احتیاج اجازه ندارد.

مسئله ۶۰: قصاب گفت گوسفند را بنیت خود ذبح کرده ام دروغ میگوید از مالک ادا میگردد.

مسئله ۶۱: قصاب گفت عهدالتمیه را ترک کرده ام ضمان قیمت بر او لازم میگردد.

(از شامی و عالمگیری و قاضی خان و بزازیه و مبسوط و خیریه و امدادیه و احسن الفتاوی و کفایت المفتی و عربیزالفتاوی و غیرها)

والحمدلله اوله و آخره وصلی الله تعالی علی خیر خلقه محمد و آله وصحبه علی قدر حسنه و جماله

سال ١٤٠٢ ه ربیع الاوّل

طبع بار دوم جمادی الاولی سال ١٤٠٣ ه

طبع بار سوم ربیع الاوّل سال ١٤١٣ ه

اسحاقیه پریس کراچی